

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

دانشکده علوم انسانی

گروه حسابرسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابرسی گرایش حسابرسی

عنوان پایان نامه:

رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای

تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی

استاد راهنما:

دکتر علی کیائی

استاد مشاور:

دکتر حمید اژدری

نگارنده:

احمد ملکان

شهریور ۱۴۰۰

کلیه حقوق مادی و معنوی بر آمده از نتایج این مطالعات،
ابتکارات و نو آوری های حاصل از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران است.

بسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشجویان ورودی ۹۵ و بعد
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

نام و نام خانوادگی دانشجو: احمد ملکان

شماره دانشجویی: ۹۸۰۰۵۵۴۲

دانشکده:

کدشناسایی پایان نامه: ۲۸۳۲۹۰۰۷۲۹۵۳۵۰۰۱۳۹۹۱۶۲۳۷۳۰۹۴

رشته و گرایش: حسابرسی

تاریخ تصویب کد شناسایی: ۱۹/۱۲/۱۳۹۹

عنوان پایان نامه:

« رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر
کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی »

با تأییدات خداوند متعال و با عنایت به آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد، جلسه دفاعیه پایان نامه فوق در روز دوشنبه
ساعت ۱۲:۳۰ تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ در محل جلسات دفاع دانشکده علوم پایه و با حضور هیئت داوران تشکیل و پس از استماع
دفاعیات بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه و نحوه پاسخ به سوالات، رأی نهایی به شرح ذیل ارائه گردید:

درجه پایان نامه:

درج نمره

با توجه به ارایه پذیرش/چاپ مقاله ارسال مقاله (تحت داوری) در تاریخ فاقد مقاله

با عدد	با حروف
۱۷,۵۹	هفده و پنج دوازده

با درجه عالی (۲۰ - ۱۹)، مورد قبول می باشد. با درجه خیلی خوب (۱۸ - ۱۸.۹۹) مورد قبول می باشد.

با درجه خوب (۱۶ - ۱۷.۹۹)، مورد قبول می باشد. با درجه متوسط (۱۴ - ۱۵.۹۹)، مورد قبول می باشد.

پایان نامه غیر قابل قبول (کمتر از ۱۴) بوده و نیاز به اصلاحات دارد.

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	تاریخ و امضاء
۱	استاد راهنما	دکتر علی کیایی	استادیار	واحد تهران شرق	
۲	استاد مشاور	دکتر حمید ازدری	مری	واحد تهران شرق	
۳	استاد داور ۱	دکتر مصطفی هاشمی تیله نوعی	استادیار	واحد تهران شرق	
۳	استاد داور ۲	دکتر
۴	نماینده پژوهش	سیاب فرج زاده	کارشناس پژوهش	تهران شرق	

رئیس اداره پژوهشی واحد:

مدیر گروه آموزشی:

رئیس دانشکده:

تاریخ و امضاء:

تاریخ و امضاء:

تاریخ و امضاء:

این قسمت می بایست توسط مدیر پژوهش واحد تأیید و تکمیل گردد:

نمره حاصل از ارزشیابی مقاله/ مقالات/ دانشجو برابر ضوابط محاسبه و مجموع نمره دفاع و مقاله با نمره و درجه به
تصویب رسید

مدیر پژوهش واحد



تاریخ :

.....

پست:

تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجناب احمد ملکان دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته حسابرسی که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ از پایان نامه خود تحت عنوان " رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" با کسب نمره ۱۷,۹۹ (هفده و نود و نه صدم) و درجه خوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- ۲) این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: احمد ملکان

تاریخ و امضاء:

تقدیم اثر

جان پر مهر پدر و مادرم،

...

پسندگان دانش و معرفت که زمین هرگز از وجودشان خالی مباد...

سپاسگزاری

حمد و سپاس ایزد منان که قلمم را از شور دانستن آکنده ساخت...

به مصداق «لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» بسی شایسته است از اساتید فریخته و فرزانه

جناب آقای دکتر علی کیانی و جناب آقای دکتر حمید اژدری

که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با بارانهای باریک ساز و سازنده بارور ساختند، تقدیر و تشکر

نمایم.

فهرست

صفحه	عنوان
و	چکیده فارسی
	فصل اول کلیات پژوهش
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- بیان مساله
۷	۳-۱- ضرورت انجام پژوهش
۸	۴-۱- اهداف پژوهش
۹	۵-۱- سوالات پژوهش
۹	۶-۱- فرضیه های پژوهش
۹	۷-۱- مدل مفهومی پژوهش
۱۰	۸-۱- قلمرو پژوهش
۱۰	۹-۱- تعاریف واژگان و اصطلاحات
۱۱	۱۰-۱- ساختار پژوهش
	فصل دوم ادبیات و پیشینه پژوهش
۱۳	۱-۲- مقدمه
۱۴	۲-۲- اهمیت و ضرورت توجه به روابط سیاسی در شرکت ها
۱۶	۳-۲- نظام های اقتصادی مبتنی بر روابط
۱۷	۳-۲-۱- ارتباطات سیاسی
۱۸	۴-۲- ریسک افت آتی قیمت سهام
۱۹	۵-۲- ویژگی های سقوط قیمت سهام
۲۱	۶-۲- تعیین کننده های ریسک سقوط قیمت سهام
۲۴	۶-۲-۱- ریسک افت آتی قیمت سهام و عدم تقارن اطلاعاتی
۲۵	۶-۲-۲- ریسک افت آتی قیمت سهام و ارتباط آن با عدم شفافیت اطلاعات مالی
۲۵	۷-۲- گزارشگری مالی
۲۷	۸-۲- اهداف گزارشگری مالی
۲۸	۹-۲- ویژگی های کیفی گزارشگری مالی
۳۰	۱۰-۲- کیفیت گزارشگری مالی
۳۲	۱۱-۲- روش های بهبود کیفیت گزارشگری مالی

۳۳	۱-۱۱-۲- گزارشگری انعطاف پذیر
۳۳	۲-۱۱-۲- گزارشگری بخش های مجزا
۳۳	۱۲-۲- عوامل تعیین کننده انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی
۳۴	۱۳-۲- کیفیت حسابرسی
۳۶	۱۴-۲- موارد مورد استفاده کیفیت حسابرسی در ایران
۳۷	۱۵-۲- عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی
۳۸	۱۶-۲- چارچوب کیفیت خدمات حسابرسی
۳۹	۱۷-۲- سنجش کیفیت حسابرسی
۴۰	۱۸-۲- ویژگی های حسابرسی باکیفیت
۴۱	۱۹-۲- عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی
۴۴	۲۰-۲- رابطه بین اجزای کیفیت حسابرسی
	۲۱-۲- رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی
۴۵	۲۲-۲- پیشینه تحقیقات
۴۷	۱-۲۲-۲- پیشینه داخلی
۴۷	۲-۲۲-۲- پیشینه خارجی

فصل سوم روش شناسی پژوهش

۵۵	۱-۳- مقدمه
۵۵	۲-۳- روش پژوهش
۵۶	۳-۳- فرضیه های پژوهش
۵۶	۴-۳- جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه
۵۷	۵-۳- روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش
۶۱	۶-۳- روش جمع آوری داده ها
۶۲	۷-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها
۶۲	۱-۷-۳- روش داده های پانل
۶۳	۱-۱-۷-۳- روش اثرات ثابت
۶۴	۲-۱-۷-۳- روش اثرات تصادفی
۶۵	۳-۱-۷-۳- آزمون چاو یا F لیمر
۶۶	۴-۱-۷-۳- آزمون هاسمن
۶۷	۲-۷-۳- آزمون معنی دار بودن مدل

۶۷ ۳-۷-۳- آزمون معنی دار بودن متغیرهای تحقیق
۶۸ ۳-۷-۴- آزمون های مربوط به مفروضات مدل رگرسیون خطی
۶۸ ۳-۷-۴-۱- فرض نرمال بودن متغیرها و باقیمانده ها
۶۹ ۳-۷-۴-۲- فرض عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل:
۶۹ ۳-۷-۴-۳- فرض مستقل بودن باقیمانده ها(خطاها)
۷۰ ۳-۷-۴-۴- فرض همسانی واریانس باقیمانده ها
۷۱ ۳-۷-۵- تصمیم گیری برای رد یا پذیرش فرضیه ها

فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

۷۴ ۴-۱- مقدمه
۷۴ ۴-۲- آمار توصیفی
۷۵ ۴-۳- مانایی متغیرهای پژوهش
۷۶ ۴-۴- آمار استنباطی
۷۶ ۴-۴-۱- آزمون ضریب همبستگی
۷۷ ۴-۴-۲- مدل رگرسیونی اول
۷۷ ۴-۴-۲-۱- آزمون های تشخیصی مدل
۷۸ ۴-۴-۲-۲- آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا
۷۸ ۴-۴-۲-۳- تخمین مدل
۸۰ ۴-۴-۳- مدل رگرسیونی دوم
۸۰ ۴-۴-۳-۱- آزمون های تشخیصی مدل
۸۰ ۴-۴-۳-۲- آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا
۸۱ ۴-۴-۳-۳- تخمین مدل
۸۳ ۴-۴-۴- مدل رگرسیونی سوم
۸۳ ۴-۴-۴-۱- آزمون های تشخیصی مدل
۸۳ ۴-۴-۴-۲- آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا
۸۴ ۴-۴-۴-۳- تخمین مدل
۸۵ ۴-۴-۵- مدل رگرسیونی چهارم
۸۵ ۴-۴-۵-۱- آزمون های تشخیصی مدل
۸۶ ۴-۴-۵-۲- آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا
۸۶ ۴-۴-۵-۳- تخمین مدل

فصل پنجم نتیجه گیری و ارایه پیشنهادهای پژوهش

- ۹۰-۱-۵- مقدمه..... ۹۰
- ۹۱-۲-۵- تفسیر نتایج پژوهش و مقایسه با پژوهش های دیگر..... ۹۱
- ۹۲-۱-۲-۵- فرضیه اول: بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت رابطه وجود دارد..... ۹۲
- ۹۳-۲-۲-۵- فرضیه دوم: کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد..... ۹۳
- ۹۳-۳-۲-۵- فرضیه کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد..... ۹۳
- ۹۴-۳-۵- پیشنهادهای پژوهش..... ۹۴
- ۹۴-۱-۳-۵- پیشنهادهای برخاسته از پژوهش..... ۹۴
- ۹۵-۲-۳-۵- پیشنهادهایی برای پژوهش گران آتی..... ۹۵
- ۹۵-۴-۵- محدودیت های پژوهش..... ۹۵

منابع و مأخذ

- ۹۷..... منابع فارسی
- ۱۰۰..... منابع انگلیسی

پیوست ها و ضمائم

- ۱۰۴..... پیوست الف
- ۱۰۵..... پیوست ب
- ۱۱۶..... چکیده انگلیسی

فهرست جداول و نمودارها

۹	نمودار ۱-۱ مدل مفهومی پژوهش.....
۵۶	جدول ۱-۳ حجم نمونه با توجه به روش غربالگری.....
۷۲	جدول ۲-۳ آزمون های مورد استفاده در فصل چهارم.....
۷۵	جدول ۱-۴ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش.....
۷۶	جدول ۲-۴ نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش.....
۷۷	جدول ۳-۴ نتایج آزمون ضریب همبستگی.....
۷۸	جدول ۴-۴ نتایج آزمون چاو و هاسمن.....
۷۸	جدول ۵-۴ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان.....
۷۹	جدول ۶-۴ نتایج تخمین مدل رگرسیونی اول.....
۸۰	جدول ۷-۴ نتایج آزمون چاو و هاسمن.....
۸۱	جدول ۸-۴ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان.....
۸۲	جدول ۹-۴ نتایج تخمین مدل رگرسیونی دوم.....
۸۳	جدول ۱۰-۴ نتایج آزمون چاو و هاسمن.....
۸۳	جدول ۱۱-۴ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان.....
۸۴	جدول ۱۲-۴ نتایج تخمین مدل رگرسیونی سوم.....
۸۵	جدول ۱۳-۴ نتایج آزمون چاو و هاسمن.....
۸۶	جدول ۱۴-۴ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان.....
۸۷	جدول ۱۵-۴ نتایج تخمین مدل رگرسیونی چهارم.....
۹۲	جدول ۱-۵ خلاصه نتایج فرضیه های پژوهش.....

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای این منظور و در ابتدا به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها پرداخته شد و سپس اثر تعدیلی متغیرهای کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی (شاخص های اندازه حسابرسی و تخصص در صنعت حسابرسی) بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هم چنین، اثر متغیرهای بازده سهام، گردش سهام، نوسانات بازده سهام، ارزش بازار به دفتری، اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی ها در مدل های رگرسیونی کنترل شد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها در گروه پژوهش های توصیفی- همبستگی قرار دارد. هم چنین، به منظور انتخاب حجم نمونه از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده شد که با توجه به شروط در نظر گرفته شده، در نهایت ۱۵۱ شرکت در دوره زمانی ۹ ساله بین سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ (در مجموع ۱۳۵۹ سال-شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی فرضیه ها از روش های مربوط به رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم افزار Eviews8 و با استفاده از روش داده های تلفیقی بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می دهند که بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم چنین، کیفیت گزارشگری مالی و اندازه حسابرسی دارای اثر معکوس و معناداری بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها داشته اند و این در حالی است که اثر تخصص در صنعت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها معنادار به دست نیامده است.

واژگان کلیدی: ارتباطات سیاسی، ریسک سقوط قیمت سهام، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی.

فصل اول

کلیات پژوهش

اثر روابط سیاسی بر سازمان های تجاری بسیار مورد توجه تحقیقات در سطح جهانی بوده است. مدیران و مدیران ارشد اجرایی که روابط سیاسی قوی دارند هم در اقتصادهای نوظهور و هم در اقتصادهای توسعه یافته، در شرکت های پذیرفته شده مشغول به کار می باشند (دینگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۴). مدیران دارای روابط سیاسی قدرتمند هستند چون می توانند مزیت های زیادی را با استفاده از پیوند و روابط خود با سیاستمداران مورد بهره کشی قرار بدهند. آن ها می توانند از قدرت سیاسی خود برای تقویت موقعیت و منسب خود استفاده کنند و بر پیامدها و نتایج شرکت اثر بگذارند. مطالعات پیشین اثر روابط سیاسی بر ارزش شرکت (نیسمن، ۲۰۰۱: ۱۲)، دسترسی بر تأمین مالی (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۴)، نرخ مالیات (آدمیکاری و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۱)، هزینه ی بدهی و سرمایه سهام (بلیس و گول، ۲۰۱۲: ۳۷؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۲) و کیفیت گزارش دهی مالی را بررسی کرده اند. از دیدگاه مزیت، استدلال استقلال منابع نشان می دهد که روابط سیاسی منبعی برای شرکت است. مطابق با این دیدگاه، مطالعات پیشین دریافتند که روابط سیاسی قوانین مالیات را برای شرکت راحت تر می نماید، راحتی تأمین مالی برای شرکت را افزایش می دهد و برای شرکت به وجود می آورد (فاسیو، ۲۰۰۶: ۱۱؛ کلاسنز و همکاران، ۲۰۰۸: ۳۰؛ بلیس و گول، ۲۰۱۲: ۵۱؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۳). در مقابل برخی منتقدان استدلال نمودند که سیاست های دولت و قوانین آن محیطی نامطمئن ایجاد می نماید و هزینه های معاملات را افزایش می دهد. جوهانسون و میتون (۲۰۰۳: ۱۹) دریافتند که شرکت های دارای روابط سیاسی کارآمدی کمتری دارند. سایر مطالعات نشان می دهند که شرکت های دارای روابط سیاسی منابع خاصی را به فعالیت های مربوط به اجاره اختصاص می دهند. بنابراین، مزیت های اصلی از روابط سیاسی کاهش می یابد (فن و همکاران، ۲۰۱۳: ۷۱؛ فاسیو، ۲۰۱۵: ۸۲). انتشار گزارش های مالی به منظور ادای وظیفه ی پاسخگویی مدیران در برابر استفاده کنندگان و ذی نفعان شرکتی است. به همین دلیل، شفافیت در گزارش های مالی بر فرآیند تصمیم گیری و کاهش مخاطرات مربوط تاثیر گذار است. ولی با توجه به شکاف بر خاسته از تضاد نمایندگی بین مدیریت و مالکیت از کجا می توان اطمینان یافت اطلاعات گزارش شده گویای واقعیت و پاسخگویی منصفانه ی مدیریت است. از دید استفاده کنندگان، اطلاعاتی اعتماد پذیر است که یک سازمان مستقل بر فرآیند گزارشگری آن نظارت کرده باشد. اتفاق های جهانی از جمله بحران های اقتصادی منجر به پرننگتر شدن نقش اساسی گزارش های مالی قابل اعتماد و باکیفیت شده است. این اتفاق ها همچنین نشانگر

اهمیت کیفیت حسابرسی در دیگر جنبه ها و زمینه های گزارشگری مالی است (محمدزاده سالطه، ۱۳۹۵: ۱۹). در این فصل ابتدا به بیان مسئله، ضرورت انجام تحقیق و هدف تحقیق پرداخته می‌شود، سپس فرضیه تحقیق، کاربردهای تحقیق، قلمرو تحقیق و تعریف واژگان و اصطلاحات بیان خواهد شد.

۱-۲- بیان مساله

اقتصاد سیاسی حوزه مهمی در مطالعه علمی پدیده های اجتماعی است. این روش، شکل گیری پدیده های اجتماعی را ناشی از مؤلفه های سیاسی و اقتصادی می داند. براساس نظریه اقتصادی سیاسی، در اکثر جوامع اقتصادی بازارمحور، واحدهای تجاری کانون کنش های متقابل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان گروه های مختلف هستند. بنابراین، شناخت روابط بین گروه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به منظور درک ویژگی های در حال تغییر واحدهای تجاری لازم و ضروری است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲). فعالیت سیاسی شرکت منجر به هزینه های نمایندگی می شود (کیم، ۲۰۰۸: ۳۴). بعلاوه شرکت هایی که وابستگی سیاسی دارند در مقایسه با سایر شرکت ها عملکردی کمتر از حد دارند که این منجر به تحریف در کارایی سرمایه گذاری می شود. اخیراً تأثیر فعالیت های سیاسی شرکت ها در ادبیات آکادمیک توجه زیادی را به خود جلب کرده است. با استفاده از ارزیابی های مختلف توسط محققان، ارائه شد که رابطه مثبتی بین ارتباطات سیاسی شرکت ها و ارزش شرکت ها وجود دارد (فاسیو، ۲۰۰۶: ۱۱). همچنین طبق تحقیقات کلاسن و همکاران (۲۰۰۸: ۳۰)، نشان داده شد که رابطه مثبتی بین ارتباطات سیاسی و بازده آتی و بازده مازاد شرکت ها وجود دارد. این نتایج نشان می دهد که ایجاد ارزش برای شرکت و مدیران آن منجر به صرف انرژی زیاد جهت گسترش و بهبود ارتباطات سیاسی می شود. شرکت هایی که از وابستگی سیاسی برخوردارند سعی در بهبود حاکمیت شرکتی دارند و بنابراین انتظار می رود کمیته حسابرسی در این شرکت ها از استقلال بیشتری برخوردار باشند. بنابراین در شرکت های وابسته سیاسی آزمون های گسترده حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بالاتری انتظار می رود (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵).

پس از انقلاب صنعتی در اروپا، رفته رفته اندیشه جدایی مالکیت از مدیریت (تئوری نمایندگی) مطرح شد و در نتیجه مالکان همواره نگران اندوخته های خود و مدیران نیز در اندیشه رفع نگرانی صاحبان بنگاه های اقتصادی بودند و برای این که مالکان را به طور پیوسته در جریان امور این بنگاه ها قرار دهند به ارائه گزارشات مالی می

پرداختند(ایلخانی، ۱۳۹۰: ۱۱). به این ترتیب ساختار جدید مالکیت و مدیریت، دامنه مسئولیت حسابداری را افزایش داد و ارائه گزارش های مالی را بر اساس نیاز استفاده کنندگان ضروری ساخت. بنابراین گزارش گری مالی فراتر از آن که گزارش مالی صرف باشند، وسیله ای برای برقراری ارتباط بین شرکت ها و صاحبان آن ها تلقی می شود(صیدی، ۱۳۹۴: ۲۴). هرگونه تحقیق در زمینه نحوه اثر گذاری اطلاعات حسابداری بر طیف وسیعی تصمیم گیرندگان ذی نفع در شرکت ها، به درک بهتر از چگونگی نقش این اطلاعات و ضرورت افشای بیش تر و بهتر به آن ها کمک می کند. از آن جا که سهامداران و اعتبار دهندگان دو گروه اصلی استفاده کننده از اطلاعات مالی اند و فراهم آوردن اطلاعات مربوط و قابل اتکا برای این دو گروه، از دغدغه های اصلی مدیریت و سیستم های اطلاعاتی به شمار می رود. توجه به کیفیت اطلاعات تهیه شده برای این دو گروه ضرورتی خاص دارد(لو، ۲۰۰۷: ۳۶). در این راستا محققان حسابداری به دنبال افزایش کیفیت گزارشگری مالی به عنوان ابزاری برای ادای مسئولیت پاسخ گویی بوده اند(راجکوپال و نتاچاکالام، ۲۰۱۱: ۱۷).

ریسک یا خطر قیمت سهام پدیده ای است که در آن قیمت سهام دچار تعدیل شدید منفی و ناگهانی می گردد. در تعریف دیگری از افت آتی قیمت سهام به عنوان پدیده های که در آن تجدید نظری ناگهانی و منفی در انتظارات سرمایه گذاران در مورد سهام یک شرکت رخ می دهد، یاد می شود. همواره در تحقیقات انجام شده در زمینه افت آتی قیمت سهام دو جزء اصلی شناخته می شود: اول مدیریت شرکت که به دلیل انگیزه های خودخواهانه(در جهت منافع شخصی خود و یا خیرخواهانه در جهت اهداف سازمان) اقدام به بیش نمایی عملکرد شرکت از طریق به تعویق انداختن در انتشار اخبار بد و نیز تسریع در انتشار اخبار خوب می نماید، که این روند ایجاد حباب در قیمت سهام شرکت را در پی دارد و دوم سیستم حسابداری و استفاده از آن در جهت این اقدام مدیریت می باشد، که به مدیریت اجازه انجام اقدامات فوق را می دهد(دیانتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵).

نقدشوندگی سهام به دو طریق باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می گردد. معامله گران استراتژیک اطلاعات مربوط به شرایط بنیادی شرکت را جمع آوری می کنند و از این اطلاعات برای معامله بهره می گیرند. در این روند، نقدشوندگی سهام هزینه های معامله گران استراتژیک جهت خرید سهام مازاد را کاهش می دهد(ادمانز و فانگ و زور، ۲۰۱۳: ۶۷). این امر باعث کاهش مشکل کم کاری که ناشی از تفکیک مالکیت و کنترل است می گردد(شیلفر و ویشنی، ۱۳۸۶: ۹). در نتیجه، اوراق قرضه داران مدیران را تحت نظارت قرار می

دهند و از افزایش قیمت حاصل از دخالت فعالانه ی خود سود و مزایا کسب می کنند(ماگ، ۱۹۹۸: ۳). مطابق با این دیدگاه، نورلی، اوسترگارد و اسپیندل (۲۰۱۵: ۷۴) نشان دادند که در شرکت های دارای سهام نقد، سهام داران به عملکرد ضعیف، واکنش محکم تری بروز می دهند. اگر پاداش مدیر به قیمت سهام حساس باشد، اوراق قرضه داران، با فروش سهام خود می توانند مدیران را تأدیب نمایند و این امر فشار وارده بر قیمت سهام را کاهش می دهد. این امر باعث کاهش ارزش پاداش سهامی مدیران می گردد و بنابراین حتی بدون دخالت مستقیم، تهدید اوراق قرضه داران به خروج می تواند مکانیزمی مؤثر برای حاکمیت باشد(ادمانز، ۲۰۰۹: ۱۴). باراس، جایارامان و ناگار (۲۰۱۳: ۲۴)، شواهد تجربی مبنی تأیید تهدید به خروج یا فروش سهام از سوی اوراق قرضه داران ارائه دادند. بنابراین، انتظار می رود که نقدشوندگی سهام چه از طریق تهدید به ترک شرکت و چه از طریق مداخله، باعث تنظیم مدیران می گردد. بنابراین، مدیران با انتشار به موقع اخبار بد در بازار کمی مزایای کوتاه مدت کسب می کنند و به این صورت می توانند احتمال سقوط قیمت سهام را کاهش دهند. دومین طریقی که طی آن نقدشوندگی بیشتر سهام می تواند ریسک سقوط قیمت را کاهش دهد میزان اطلاع دهندگی قیمت سهام می باشد. این استدلال ریشه در تحقیقات گراسمن و استیگلز (۱۹۸۰: ۷)، کیل (۱۹۸۵: ۱۱)، هولمستروم و تیروول (۱۹۹۳: ۱۶)، ایسلی و اوهارا (۲۰۰۴: ۹) دارد. این محققان معامله گران آگاه را مدل سازی کردند، یعنی معامله گرانی که به صورت مطلوب در زمینه ی شدت معامله های خود با توجه به میزان نقدشوندگی سهام تصمیم گیری می نمایند. زیرا نقدشوندگی بیشتر، هزینه های معامله های خود با توجه به میزان نقدشوندگی سهام تصمیم گیری می نمایند. زیرا نقدشوندگی بیشتر، هزینه های معامله را کاهش می دهد. نتایج اعلام می دارد که هرچه سهام نقدتر باشد معامله گران آگاه، معامله ی بیشتری صورت می دهند، این امر در نتیجه باعث افزایش اطلاع دهندگی قیمت سهام می گردد(چاهان و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۹).

اهداف گزارشگری مالی و مبانی حسابداری ایجاب می کند، اطلاعاتی که گزارشگری مالی فراهم می آورد از ویژگی های معینی برخوردار باشد. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران از این ویژگی ها با عنوان خصوصیات کیفی یاد شده است(گیو و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۳). از آن جا که سهامداران و بستانکاران دو گروه اصلی استفاده کننده اطلاعات مالی اند و فراهم آوردن اطلاعات مربوط و قابل اتکا برای این دو گروه، ازدغدغه های اصلی مدیریت و سیستم های اطلاعاتی حسابداری به شمار می رود، توجه به کیفیت اطلاعات تهیه شده برای این دو گروه ضرورتی خاص دارد (یزدی مازار عرب و ثقفی، ۱۳۸۹: ۱۲). جایگاه ارزشمند اطلاعات در

توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری مورد اتفاق صاحب نظران علوم اقتصادی است (حیدری کرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). گزارش های مالی یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازارهای سرمایه است که انتظار می رود نقش موثری در توسعه سرمایه گذاری و افزایش کارایی آن ایفا نماید. در این راستا اساتید، محققان و اهل حرفه حسابداری به دنبال افزایش کیفیت گزارشگری مالی به عنوان ابزاری برای ادای مسئولیت پاسخگویی به نیازهای جامعه خود بوده اند. به عنوان مثال بنابر مفاهیم نظری گزارشگری مالی، هدف صورت های مالی عبارت از ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورت های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع گردد. دست یابی به این هدف مستلزم آن است که اطلاعات مزبور در درجه نخست، مربوط و قابل اتکا بوده و در درجه دوم قابل فهم و قابل مقایسه باشد (مدرس و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). از طرفی حسابرسی صورت های مالی امری ضروری است، زیرا صورت های مالی حسابرسی شده می تواند این اطمینان را برای سرمایه گذاران و اعتباردهندگان فراهم کند که اطلاعاتی معتبر و قابل اتکا در اختیار آن ها قرار می گیرد. بنابراین، حسابرسی صورت های مالی می تواند ارزش افزوده اقتصادی را برای یک شرکت به وجود بیاورد. با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده ی مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت حسابرسی امری ضروری است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۷). کیفیت حسابرسی عبارت است از حسن شهرت و مراقبت های حرفه ای حسابرس. در نتیجه، حسن شهرت حسابرس بر اعتبار صورت های مالی می افزاید و نظارت و مراقبت های حرفه ای او، کیفیت اطلاعات صورت های مالی را افزایش می دهد (نونهال و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰). در ادبیات کاربردی، کیفیت حسابرسی اغلب از طریق میزان رعایت استانداردهای حسابرسی تعریف شده است. در مقابل پژوهشگران حسابداری و حسابرسی ابعاد چندگانه حسابرسی را مورد توجه قرار داده اند. ابعاد چندگانه حسابرسی باعث به وجود آمدن تعاریف مختلف برای حسابرسی شده است (درخشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷). با توجه به به موارد مرص شده فوق، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این هستیم که آیا بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی رابطه وجود دارد؟

۱-۳- ضرورت انجام پژوهش

ریسک ریزش قیمت سهام در بازار یکی از نگرانی های اصلی سرمایه گذاران است و پژوهش در این زمینه می تواند برای بازار سرمایه حائز اهمیت باشد. افزایش پدیده ریزش قیمت سهام، سبب بدبینی سرمایه گذاران در مورد سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار می شود، که این مسأله در نهایت می تواند سبب خارج ساختن منبع سرمایه گذاران توسط آن ها از بورس اوراق بهادار شود. بنابراین دانستن علل وجود این پدیده، راهکارهایی که از بروز این پدیده در بازارهای سرمایه جلوگیری به عمل می آورد و نیز مدل هایی که بتواند این پدیده را پیش بینی کند از اهمیت بسزایی برای اداره کنندگان بازار سرمایه که همواره در پی رونق این بازار از طریق جذب سرمایه های راکد است، برخوردار است (تنانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳).

در نظریه اقتصاد سیاسی، جامعه، اقتصاد و سیاست از هم جدا نیستند و مسائل اقتصادی را نمی توان جدا از ملاحظات سیاسی مورد بررسی قرار داد. براساس نظریه مزبور، گزارش های حسابداری و حسابرسی ابزاری برای مشروعیت بخشیدن مصالح سیاسی و اقتصادی واحدهای تجاری و مدیران آن ها است. در این نظریه فرض می شود که خط مشی های حسابداری ماهیتاً منشأ سیاسی دارد و حسابداری جهت ارائه خدمت به گروه های معینی از جامعه عمل می کند. در نظریه اقتصاد سیاسی، گزارش های حسابداری ابزاری برای حمایت از منافع کسانی است که منابع کمیاب نظیر سرمایه را تأمین، استفاده یا کنترل می کنند و همچنین ابزاری برای تضعیف کسانی است که آن منابع را استفاده نمی کنند. در کشور ما به دلیل اینکه عمده شرکت ها دولتی هستند و مدیران آن ها نیز توسط دولت منصوب می شوند. در نتیجه، تضاد منافی میان مدیر و مالک مشاهده نمی شود. از آنجایی که مدیر و سهامدار عمده به اطلاعات نزدیک هستند، لذا برای تصمیم گیری به اطلاعات حسابداری و کیفیت آن توجهی ندارند. مدیران به دنبال حسابرسی هستند تا درباره عملکرد آن ها اظهار نظر مطلوب ارائه نمایند. بنابراین، می توان استنباط نمود که صورت های مالی و گزارش های حسابرسی تحت تأثیر عامل ارتباطات سیاسی قرار دارد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸).

کیفیت کار موسسه های حسابرسی متفاوت است و به طور مستقیم نمی توان با مشاهده ی موسسه ها تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است. تحقیق ها نشان می دهند اندازه، قدمت، شهرت و نام تجاری موسسه های حسابرسی می تواند معیارهای متمایز کننده ی کیفیت حسابرسی باشند. جول، جاب و هاگتون (۲۰۰۵: ۱۴) در تحقیق خود برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی علاوه بر اندازه ی موسسه ی

حسابرسی از تخصص موسسه ی حسابرسی در صنعت صاحب کار نیز استفاده کردند. آنان معتقد بودند موسسه های حسابرسی که در صنعت صاحب کار تخصص داشته باشند، با کیفیت بیش تری به حسابرسی آن می پردازند. فرگوسن و استاکس (۲۰۰۲: ۱۱)، ژائو و ایلدر (۲۰۰۲: ۱۴)، وبالسم (۲۰۰۳: ۲۵) نیز در تحقیق های خود از تخصص حسابرس در صنعت صاحب کار برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی استفاده کردند. دی آنجلو (۱۹۸۱: ۸) کیفیت حسابرسی را به صورت احتمال کشف و گزارش اشتباه های با اهمیت در صورت های مالی تعریف می کند. او به لحاظ نظری ارتباط بین کیفیت حسابرسی و اندازه ی موسسه ی حسابرسی را مطرح کرد و معتقد بود موسسه های بزرگ شرکت های بیشتری را حسابرسی می کنند و کل حق الزحمه ی آن ها بین شرکت های صاحب کار تفکیک می شود و به صاحب کاران وابستگی ندارند. موسسه های حسابرسی بزرگ استقلال بیش تری دارند، بنابراین با کیفیت بیشتری به حسابرسی می پردازند. دیویدسون (۱۹۹۳: ۱۱) نیز معتقد است مدیران انگیزه های زیادی برای دست کاری سود دارند تا بتوانند به پیش بینی های تحلیلگران مالی تحقق ببخشند. بنابراین، اگر حسابرسی موسسه های بزرگ کیفیت بیش تری داشته باشند، باید انتظار داشت خطاهای پیش بینی تحلیلگران در شرکت هایی که توسط موسسه های کوچکتر رسیدگی شدند، بیشتر باشد. دیویدسون در تحقیق خود این موضوع را تایید می کند. دای (۱۹۹۳: ۲۳) و لینوکس (۱۹۹۹: ۴) نیز در تحقیق های خود به همین نتیجه رسیدند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

با توجه به موارد مطرح شده فوق، بنظر می رسد بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی از اهمیت بالایی برخوردار باشد.

۴-۱- اهداف پژوهش

اهداف پژوهش به صورت ذیل تدوین می شود:

۱. بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت.
۲. بررسی تاثیر کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت.
۳. بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت.

۱-۵- سوالات پژوهش

با توجه به اهداف تعیین شده، سوالات پژوهش بصورت ذیل می باشد:

۱. آیا بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت رابطه وجود دارد؟
۲. آیا کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد؟
۳. آیا کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد؟

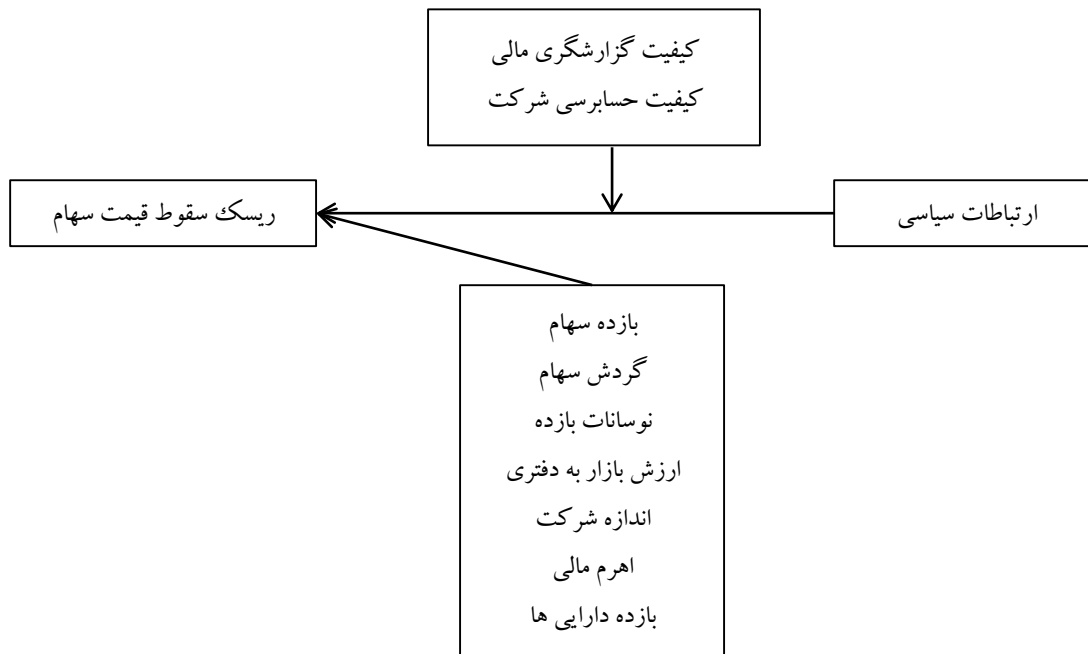
۱-۶- فرضیه های پژوهش

برای دستیابی به اهداف پژوهش و پاسخ گویی به سوالات پژوهش، فرضیات بصورت ذیل تدوین می شود:

۱. بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت رابطه وجود دارد.
۲. کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد.
۳. کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد.

۱-۷- مدل مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به موضوع، اهداف، سوالها و فرضیهها؛ مدل مفهومی به صورت ذیل ارائه می گردد:



نمودار ۱-۱ مدل مفهومی پژوهش

۸-۱- قلمرو پژوهش

قلمرو پژوهش حاضر از نظر موضوعی، زمانی و مکانی به شرح زیر می‌باشد:

قلمرو موضوعی: قلمرو موضوعی این پژوهش رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

قلمرو مکانی: قلمرو مکانی این پژوهش، شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

قلمرو زمانی: برای انجام آزمون تجربی فرضیه های مطرح شده، دوره زمانی ۹ ساله می باشد که از سال ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۸ را پوشش می دهد.

۹-۱- تعاریف واژگان و اصطلاحات

ارتباط سیاسی: مدیران سیاسی عبارتند از وجود اعضای هیئت مدیر و وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده دولتی و شبه دولتی در ساختار مالکیت شرکت (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸).

ریسک افت آتی قیمت سهام: ریسک یا خطر قیمت سهام پدیده ای است که در آن قیمت سهام دچار تعدیل شدید منفی و ناگهانی می گردد. در تعریف دیگری از افت آتی قیمت سهام به عنوان پدیده ای که در آن تجدید نظری ناگهانی و منفی در انتظارات سرمایه گذاران در مورد سهام یک شرکت رخ می دهد، یاد می شود (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۱).

کیفیت حسابرسی: دی آنجلو (۱۹۸۱: ۸) کیفیت حسابرسی را این گونه تعریف کرده است: ارزیابی (استنباط) بازار از احتمال این که حسابرس: ۱) موارد تحریفات با اهمیت در صورت های مالی و یا سیستم حسابداری صاحب کار را کشف کند؛ ۲) تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش دهد (ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷).

کیفیت گزارشگری مالی: کیفیت گزارشگری مالی به این معنی است که تا چه اندازه گزارش های مالی، اقتصاد زیربنایی شرکت را به طور منصفانه نشان می دهند (دیفوند و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۹).

۱-۱۰- ساختار پژوهش

در فصل دوم این تحقیق به بررسی مبانی پژوهش در قالب دو بخش مجزای ادبیات تحقیق و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. در این بخش که مربوط به بحث‌های نظری در ارتباط با متغیرها و تشریح نظران موافق و مخالف محققین و پژوهشگران در این حوزه می‌باشد، تلاش شده تا از مقالات و مباحث به روز استفاده گردد. در گام بعدی و در فصل سوم، روش شناختی تحقیق ارائه خواهد شد. در این فصل، به بررسی روش تحقیق، جامعه و نمونه آماری، نحوه اندازه‌گیری و سنجش هر یک از متغیرها و در نهایت روش تجزیه و تحلیل داده‌ها ارائه می‌گردد. در فصل بعدی که فصل چهارم می‌باشد، تجزیه و تحلیل داده‌های آماری صورت می‌پذیرد. در این فصل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Eviews^۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته رد یا تایید شدن فرضیه از نظر آماری بحث می‌شود. در انتها و در فصل پنجم، به تشریح نتایج به دست آمده از فصل چهارم پرداخته شده و در دو بخش به ارائه پیشنهاداتی براساس نتایج به دست آمده از تحقیق مبادرت ورزیده می‌شود.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

تشریح علل و منشأ سقوط قیمت سهام برخی از پژوهشگران توجه خود را معطوف به مکانیزم های بازار مالی و رفتار سرمایه گذاران نموده و نظریه هایی مطرح کرده اند که می توان به نظریه اثرات اهرمی، نوسانات معکوس، حباب تصادفی قیمت سهام و تفاوت عقاید اشاره کرد (چن و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۱۱). برخی دیگر از صاحب نظران نیز علت سقوط قیمت سهام را در چارچوب تئوری نمایندگی تفسیر می کنند. در این چارچوب چنین استدلال می شود مدیران در راستای انگیزه ها و منافع شخصی خود نظیر قراردادهای پاداش و موقعیت شغلی، تمایل دارند تا از انتشار اخبار بد خودداری کرده و آن ها را در داخل شرکت انباشت نمایند. نگهداشت اخبار بد توسط مدیران تا یک آستانه معین ادامه می یابد و زمانی که به نقطه اوج رسید، تداوم به عدم افشای آن غیرممکن و پرهزینه بوده و مدیر مجبور به افشای آن خواهد شد. پس از آن حجم عظیمی از اخبار بد یکباره وارد بازار شده و به سقوط قیمت سهام منجر می شود (جین و مایرز^۲، ۲۰۰۶: ۲۱؛ هاتن و همکاران^۳، ۲۰۰۹: ۴۸؛ بنملج و همکاران^۴، ۲۰۱۰: ۱۳). همچنین تحریف اطلاعات نظیر مدیریت سود برگرفته از انگیزه های مدیریتی که منجر به عدم شفافیت در گزارشگری مالی می شود، سهامداران و هیئت مدیره را از اقدامات به موقع جهت شناسایی و تصفیه پروژه های زیان ده باز می دارد. لذا عملکرد منفی این پروژه ها به مرور زمان در داخل شرکت انباشته شده و زمانی که اطلاعات مربوط به آن در سررسید یکباره وارد بازار شد، موجب آن می شود تا قیمت سهام به شدت کاهش یابد (بلک و لیو^۵، ۲۰۰۷: ۲۵). در توجیه علت سقوط قیمت سهام در قالب تئوری نمایندگی فرض اساسی بر این است که مدیران در هر نقطه از زمان می توانند قضاوت صحیح و عقلایی در مورد ارزش ذاتی شرکت و فعالیت های سرمایه گذاری داشته باشند. به عبارتی آن چیزی که باعث می شود تا مدیران پروژه های زیانده را نگه داشته و اخبار منفی را انباشت می کنند، تضاد منافع و انگیزه های شخصی آن هاست (بلک و لیو، ۲۰۰۷: ۱۷). در نظام های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت های دارای این روابط است. شرکت های دارای روابط سیاسی راحت تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطاتشان دست می یابند که باعث می شود کمتر به گزارشگری مالی با کیفیت بالا متکی باشند (چنی

¹ Chen et al

² Jane and Myers

³ Hatten et al

⁴ Benville and colleagues

⁵ Black and Liu

و دیگران ۲۰۱۲: ۱۰؛ آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹: ۹). در کشور ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پرننگی است، سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت ها بدلیل دولتی بودن شرکت ها و صنایع بزرگ تاثیر گذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی می باشد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). گزارش های مالی یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازارهای سرمایه است که انتظار می رود نقش موثری در توسعه سرمایه گذاری و افزایش کارایی آن ایفا نماید. در این راستا اساتید، محققان و اهل حرفه حسابداری به دنبال افزایش کیفیت گزارشگری مالی به عنوان ابزاری برای ادای مسئولیت پاسخگویی به نیازهای جامعه خود بوده اند. به عنوان مثال بنابر مفاهیم نظری گزارشگری مالی، هدف صورت های مالی عبارت از ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورت های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع گردد. دستیابی به این هدف مستلزم آن است که اطلاعات مزبور در درجه نخست، مربوط و قابل اتکا بوده و در درجه دوم قابل فهم و قابل مقایسه باشد (مدرس و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹). از طرفی حسابرسان نقش مهمی در نظارت بر عملکرد مدیر و محدود نمودن رفتارهای فرصت طلبانه او دارند. تا آنجا که مجامع علمی و حرفه ای، وظیفه حسابرسی را اعتباردهی و اطمینان بخشی نسبت به گزارش های مالی و در نهایت ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری می دانند (چن و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۳). در فصل حاضر ابتدا به بررسی مبانی نظری و ادبیات م در ارتباط با ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام، کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی می پردازیم و در پایان پیشینه ای از تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور ارائه می گردد.

۲-۲- اهمیت و ضرورت توجه به روابط سیاسی در شرکت ها

اثر روابط سیاسی بر سازمان های تجاری بسیار مورد توجه تحقیقات در سطح جهانی بوده است. مدیران و مدیران ارشد اجرایی که روابط سیاسی قوی دارند هم در اقتصادهای نوظهور و هم در اقتصادهای توسعه یافته، در شرکت های پذیرفته شده مشغول به کار می باشند (دینگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۳). مدیران دارای روابط سیاسی قدرتمند هستند چون می توانند مزیت های زیادی را با استفاده از پیوند و روابط خود با سیاستمداران مورد بهره کشی قرار بدهند. آن ها می توانند از قدرت سیاسی خود برای تقویت موقعیت و منسب خود استفاده کنند و بر پیامدها و نتایج شرکت اثر بگذارند. مطالعات پیشین اثر روابط سیاسی بر ارزش شرکت (نیسمن،

۲۰۰۱: ۱۲)، دسترسی بر تأمین مالی (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۴)، نرخ مالیات (آدمیکاری و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۱)، هزینه ی بدهی و سرمایه سهام (بلیس و گول، ۲۰۱۲: ۳۷؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۲) و کیفیت گزارش دهی مالی را بررسی کرده اند. از دیدگاه مزیت، استدلال استقلال منابع نشان می دهد که روابط سیاسی منبعی برای شرکت است. مطابق با این دیدگاه، مطالعات پیشین دریافتند که روابط سیاسی قوانین مالیات را برای شرکت راحت تر می نماید، راحتی تأمین مالی برای شرکت را افزایش می دهد (فاسیو، ۲۰۰۶: ۱۱؛ کلاسنز و همکاران، ۲۰۰۸: ۳۰، بلیس و گول، ۲۰۱۲: ۵۱، بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۳). در مقابل برخی منتقدان استدلال نمودند که سیاست های دولت و قوانین آن محیطی نامطمئن ایجاد می نماید و هزینه های معاملات را افزایش می دهد. جوهانسون و میتون (۲۰۰۳: ۱۹) دریافتند که شرکت های دارای روابط سیاسی کارآمدی کمتری دارند. سایر مطالعات نشان می دهند که شرکت های دارای روابط سیاسی منابع خاصی را به فعالیت های مربوط به اجاره اختصاص می دهند. بنابراین، مزیت های اصلی از روابط سیاسی کاهش می یابد (فن و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۷؛ فاسیو، ۲۰۱۰: ۲۸). محیط نهادی و محیط حقوقی سطح کشور که در آن شرکت ها فعالیت دارند، بر هزینه های نمایندگی اثر می گذارد (چوی و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۳، بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲: ۷۳).

بلیس و گول (۲۰۰۳: ۵۱) اثبات کردند که شرکت های دارای روابط سیاسی هزینه ی بهره بالاتری برای قرض های خود در اقتصادهای نوظهور می پردازند اما بوبکری و همکاران (۲۰۱۲: ۳۳)، اعلام داشتند که روابط سیاسی هزینه های قرض گیری را کاهش می دهد. فاسیو (۲۰۰۶: ۱۱) استدلال نمود که روابط سیاسی هزینه های نمایندگی در اقتصادهای نوظهور را افزایش دهد چرا که محیط حقوقی در این بافت ضعیف است. البته، شرکت های فعال در اقتصادهای نوظهور می توانند بر سیاستگذاران اثر بگذارند و هزینه های کسب و کار را با ایجاد روابط با سیاستمداران کاهش دهند، مدیران و مدیران عامل دارای روابط سیاسی به رفتار خودخدمتی و خودمنفعت طلبی روی می آورند. این امر هزینه هایی برای شرکت به بار می آورد که از مزیت ایجاد این روابط سیاسی بالاتر است (خان و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۴).

۲-۳- نظام های اقتصادی مبتنی بر روابط

نظام های اقتصادی مبتنی بر روابط، بوسیله الزامات قانونی ضعیف و عدم شفافیت شناخته می شوند (زینگالس و راجان، ۲۰۰۸: ۲۵). اشخاص، در این نظام، برای محافظت از روابط خود در برابر رقابت سالم به درجه ای از ابهام نیاز دارند (آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹: ۳۶). در چند دهه اخیر، نظام های اقتصادی بعضی از کشورهای آسیای شرقی به رشد اقتصادی شگفت انگیزی رسیده اند. در سال ۱۹۹۳ بانک جهانی گزارشی با عنوان "معجزه آسیای شرقی" منتشر کرد. این گزارش معرف ۸ کشوری بود که طی سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۰ به رشد اقتصادی معجزه آسایی دست یافتند. این ۸ کشور ژاپن، هنگ کنگ، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان، اندونزی، تایلند و مالزی می باشند. نظام های اقتصادی برخی از این کشورها بطور کامل مبتنی بر روابط هستند. مثلاً نظام اقتصادی کره جنوبی تحت تسلط تعداد معدودی از صنایع بزرگ قرار دارد که به کابلزها معروفند. کابلزها مجموعه ای از شرکت های عظیم صنعتی، به زعامت متنفذان سیاسی، تحت حمایت کامل دولت قرار دارند. این صنایع در یک شبکه نزدیک و بهم تنیده، متشکل از خود این صنایع و دولت بطور بسته تعامل دارند، کابلزها امتیازات ویژه ای مثل دریافت وامهایی با نرخ بهره پایین از بانک های دولتی دارند. شرکت های صنعتی مورد حمایت دولت (کابلزها) رشد سریعی را نشان می دهند. رشد بالای کابلزها بدان دلیل است که آن ها می توانند وجوه هنگفتی را با نرخ بهره پایین اعتبار گرفته و از این فرصت رانت گونه بهره مند گردند. فعالیت های تجاری مشابهی در دیگر کشورهای آسیای شرقی نیز وجود دارند (چنی و دیگران، ۲۰۱۶: ۱۷).

در مالزی مساعدت و طرفداری دولت از شرکت هایی که با صاحب منصبان کلیدی دولت رابطه نزدیک داشته اند، وجود دارد (آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹: ۳۶). به اعتقاد فیس من روابط سیاسی در مقایسه با پایه های اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین کننده سودآوری شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است. او معتقد است که عایدات شرکت های دارای روابط سیاسی به طور گسترده تحت تأثیر تصمیمات دولتی قرار دارد، که علائق آن ها را مورد توجه قرار می دهد (نیسمن، ۲۰۰۱: ۱۲). در شرکت های دارای روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد. زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک های تحت تملک دولت می گردد (بوبری و دیگران، ۲۰۱۲: ۴۲).

۲-۳-۱- ارتباطات سیاسی

در دوره ی اخیر، شواهد تجربی به دست آمد که نشان می دهد استراتژی شرکتی به شدت تحت تأثیر تصمیمات سیاسی می باشد(اشلیفر و ویشنی، ۱۹۹۳: ۲۴، ۱۹۹۴: ۲۸، رثو، ۲۰۰۰: ۲۱). ادبیات تحقیقی اعلام کرده اند که شرکت های دارای روابط و وابستگی های سیاسی دچار مشکلات حاکمیتی و نمایندگی شدید می باشند(جوهانسون و میتون، ۲۰۰۳: ۱۹؛ گول، ۲۰۰۶: ۲۶). این مشکلات نمایندگی ناشی از دو عامل می باشند: مشخص شد که دولت یا مقام سیاسی ارشد، قادر به اعمال فشار سیاسی روی بانک ها، خصوصاً بانک های دولتی، جهت اعطای اسان تر تأمین مالی در برخی ترجیحی تر به شرکت ها و طرفین دارای روابط سیاسی با خودشان می باشند(گومز و جومو، ۱۹۹۹: ۹؛ جوهانسون و میتون، ۲۰۰۳: ۱۹). سرعت وام دهی به این شرکت های دارای روابط سیاسی به نوعی مزیت رقابتی برای آن ها تبدیل شد(هاتسون و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۴). شرکت های دارای روابط سیاسی در زمان بروز آشفتگی های مالی پشتوانه دارند و به نوعی ضمانت می گردند(دوچین و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۷).

فاسیو و همکاران(۲۰۰۶)، شواهدی ارائه دادند که طی آن مشخص شد شرکت های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت های بدون روابط سیاسی، بیشتر ضمانت می شوند. شرکت های دارای روابط سیاسی، از سوی آژانس های قانونی و برتر، پشتیبانی سیاسی دریافت می نمایند. یو(۲۰۱۱: ۱۹) گزارش داد که تقلب شرکت های دارای روابط سیاسی ۳۸ درصد کمتر از شرکت های دارای بدون روابط سیاسی شناسایی می گردد. در چین نیز گفته شده است که مدیران ارشد به واسطه حمایت نمایندگان سیاسی از آن ها دست به مدیریت سود فرصت طلبانه می زنند(چن و همکاران، ۲۰۰۸: ۸؛ پیوتروسکی و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۶). کیم و ژانگ(۲۰۱۶: ۳۲)، استدلال نمودند که مأموران دولتی، به واسطه ی ترس و نگرانی از آینده شغلی خود، تمایلی به شناسایی تقلب و تخلف شرکت های دارای روابط سیاسی برنامه های مالیاتی متهورانه ندارند. برنامه های مالیاتی متهورانه، پیچیدگی ساختار سازمانی را افزایش و شفافیت گزارش دهی مالی را کاهش می دهد. به علاوه، پشتیبانی سیاسی تلاش سهام داران اقلیت برای دفاع از حق خود از منابع قانونی در نظام قضایی را ضایع می کند. این نوع مشکل نمایندگی در کشورهای دارای پشتیبانی حقوقی ضعیف از سهام داران اقلیت بیشتر است. کیفیت سود گزارش شده توسط شرکت های دارای روابط سیاسی کمتر از شرکت های بدون روابط سیاسی است(چانی و همکاران، ۲۰۱۱: ۷۷). چانی و همکاران(۲۰۱۱: ۷۷) شواهدی یافتند که شرکت های دارای روابط و پیوند های

سیاسی می توانند اطلاعات حسابداری کم کیفیت تری را افشا نمایند چون بازار سرمایه آن ها را برای این عدم کیفیت جریمه نمی کند. به همین صورت پیش بینی های تحلیل گر در شرکت های دارای روابط سیاسی صحت و دقت کمتری دارد (چن و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۰).

به دو دلیل اشاره شده در بالا، مدیران ارشد یا سهام داران کنترلی در شرکت های دارای روابط سیاسی، تمایل به ایجاد و حفظ ساختار گزارش دهی مالی مبهم دارند. ساختار گزارش دهی مبهم امکانی برای فعالیت های بهره کشی و فرصت طلبانه به صورت خود خدمتی، معاملات شخص سوم و تونل زنی فراهم می آورد (لاپورتا و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۷؛ چن و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۱). گزارش دهی مالی مبهم روشی برای پنهان سازی فعالیت های فرصت طلبانه و بهره کشی و ایجاد خلل در نظارت مؤثر نیز می باشد. شرکت های دارای روابط سیاسی ریسک بالاتری نیز دارند چون طق گزارش ها این شرکت ها عملکرد ناکارآمد دارند و بیش از حد اهرمی می باشند (گوئدهامی و پیتمن، ۲۰۰۶: ۶۴؛ کیم و ژانگ، ۲۰۱۶: ۳۲).

۲-۴- ریسک افت آتی قیمت سهام^۱

ریسک یا خطر قیمت سهام پدیده ای است که در آن قیمت سهام دچار تعدیل شدید منفی و ناگهانی می گردد. در تعریف دیگری از افت آتی قیمت سهام به عنوان پدیده های که در آن تجدید نظری ناگهانی و منفی در انتظارات سرمایه گذاران در مورد سهام یک شرکت رخ می دهد، یاد می شود. همواره در تحقیقات انجام شده در زمینه افت آتی قیمت سهام دو جزء اصلی شناخته می شود: اول مدیریت شرکت که به دلیل انگیزه های خودخواهانه (در جهت منافع شخصی خود و یا خیرخواهانه در جهت اهداف سازمان) اقدام به بیش نمایی عملکرد شرکت از طریق به تعویق انداختن در انتشار اخبار بد و نیز تسریع در انتشار اخبار خوب می نماید، که این روند ایجاد حباب در قیمت سهام شرکت را در پی دارد و دوم سیستم حسابداری و استفاده از آن در جهت این اقدام مدیریت می باشد، که به مدیریت اجازه انجام اقدامات فوق را می دهد. همواره محققین مالی و حسابداری به دلیل اهمیت این موضوع برای گروه های متفاوت سرمایه گذاران، تحلیلگران بازار سرمایه، انجمن های حرفه ای حسابداری و اداره کنندگان بورس اوراق بهادار در پی پاسخ به سه سؤال مهم در این زمینه می باشند: اول علل وقوع این پدیده چیست؟ دوم چه راهکارهایی باعث پیشگیری از این پدیده می شود؟ و سوم

¹ Default risk share prices

چه علائم هشدار دهنده ای برای پیش بینی این پدیده وجود دارد؟ تحقیقات این محققین در پاسخ به سؤال اول دلایلی نظیر تمرکز سهامداران بر اثرات بازخورد نوسانات بازار، ناهمگنی عقاید سرمایه گذاران، مدیریت سود، شستشوی حساب ها، ارزیابی غیرواقعی تحلیلگران از عملکرد شرکت، عدم شفافیت اطلاعات مالی، فرار از مالیات، استمرار پروژه های با ارزش فعلی منفی و نگرانی های شغلی مدیران را به عنوان پاره ای از دلایل وقوع این پدیده معرفی می نمایند (دیانتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵).

این محققین در کنار عوامل ایجادکننده پدیده افت قیمت سهام و در جهت پاسخ به سؤال دوم مواردی را به عنوان عواملی که سبب کاهش وقوع این پدیده می شود معرفی می نمایند. از جمله این عوامل می توان به حضور مشارکان آگاه و مطلع در بازار مانند مالکان نهادی و تحلیلگران بازار، شفافیت اطلاعات مالی، نبود عدم تقارن اطلاعاتی بین اعضای داخلی سازمان با افراد خارجی اشاره نمود. در این بین مواردی همچون افزایش درحجم معاملات سهام نسبت به روند آن در طی شش ماه گذشته، تجربه بازده هایی مثبت در بیش از 36 ماه قبل، خرید و فروش سهام شرکت توسط اعضای داخلی سازمان و... به عنوان علائمی هشدار دهنده که وقوع افت قیمت سهام را پیش بینی می نماید، معرفی می شود. با بررسی این تحقیقات و تمرکز بر علل وقوع افت قیمت سهام می توان به این نکته پی برد که تمامی عوامل فوق باعث ایجاد حباب در قیمت سهام شرکت می گردد، که این رویداد همواره در نتیجه اقداماتی نظیر: انباشته ساختن اخبار بد در شرکت و تسریع در شناسایی اخبار خوب در سود، مدیریت سود، عدم شفافیت اطلاعات مالی و... روی می دهد (دیانتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵).

۲-۵- ویژگی های سقوط قیمت سهام

تعریف سقوط قیمت سهام دارای سه ویژگی مشخص است:

۱. سقوط قیمت سهام، یک تغییر بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه

ی مهم اقتصادی رخ می دهد.

۲. این تغییرات بسیار بزرگ به صورت منفی هستند.

۳. سقوط قیمت سهام، یک پدیده ای واگیردار در سطح بازار است. بدین معنی که کاهش قیمت سهام تنها به یک سهام خاص منحصر نمی شود، بلکه تمام انواع سهام موجود در بازار را شامل می شود (چن و همکاران، ۲۰۰۱: ۴۳).

هریک از ویژگی های سه گانه فوق، در مجموعه ای از حقایق تجربی، مستدل و قوی ریشه دارد. در رابطه با ویژگی نخست، هانگ و استین^۱ (۲۰۰۳: ۳۹) بیان می کنند که بسیاری از تغییرات بزرگی که بعد از جنگ جهانی در شاخص (S&P500) رخ داده است و به ویژه سقوط بازار در اکتبر ۱۹۸۷، به دلیل افشای اخبار مربوط به یک رویداد مهم و قابل توجه نبوده است. ویژگی دوم تعریف فوق، ناشی از یک عدم تقارن تجربی و قابل توجه در تغییرات بازده بازار است. بدین معنی که تغییرات بزرگ در قیمت بیش تر به صورت کاهش و کم تر به صورت افزایش بوده است. به عبارت دیگر، بازده بازار بیش تر در معرض کاهش و کم تر در معرض افزایش بوده است. این عدم تقارن به دو طریق قابل اثبات است. نخست از طریق مشاهده ی مستقیم داده های تاریخی مربوط به بازده بازار، می توان این عدم تقارن را به وضوح ملاحظه کرد. بررسی داده های مزبور نشان می دهد که از ۱۰ تغییر بزرگی که بعد از سال ۱۹۴۷ در شاخص S&P500 رخ داده است ۹ تای آن ها کاهش بوده است. به طور کلی بخش وسیعی از ادبیات مربوط به بازار سهام، بیانگر آن است که بازده سهام در طول زمان نشان دهنده ی چولگی منفی یا نوسان نامتقارن است (چن و همکاران، ۲۰۰۱: ۴۳). روش دیگر اثبات وجود عدم تقارن در تغییرات بازده بازار، بررسی قیمت اوراق اختیار خرید سهام است. روند این قیمت ها با فرض نرمال بودن قیمت ها در بلندمدت که در مدل قیمت گذاری اختیاری خرید سهام بلک شولز^۲ (۱۹۷۳: ۲)، بر آن تأکید شده است، مغایرت دارد. از این رو، روند قیمت اوراق اختیار خرید سهام، بیانگر وجود چولگی منفی در بازده این نوع اوراق بهادار است (هانگ و استین، ۲۰۰۳: ۳۹). سومین ویژگی تعریف سقوط قیمت سهام، این است که سقوط، پدیده ای است که تمام بازار را در بر می گیرد. بدین معنی که این پدیده به تمام انواع سهام موجود در بازار سرایت می کند. (کوتاری و همکاران، ۲۰۱۳: ۶).

هانگ و استین (۲۰۰۳: ۳۹) بیان می کنند که این موضوع به این دلیل است که در زمان وقوع پدیده ی سقوط، همبستگی بین انواع سهام موجود در بازار افزایش می یابد. آن ها اثبات کردند که بررسی روند داده های

¹ Hang and Stin

² Black Shols

تاریخی مربوط به قیمت بازار اوراق اختیار خرید سهام نشان می دهد که در مواردی که شاخص قیمت اختیار خرید سهام با کاهش مواجه بوده است، همبستگی بین انواع مختلف اوراق اختیار خرید افزایش یافته است. میزان اطلاعات منفی که مدیران میتوانند انباشت و مخفی کنند، در شرکت های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی ها و فرصت های مدیران برای انباشت و عدم افشای اخبار منفی، به هزینه ها و منافع آن بستگی دارد. برای مثال، در شرایطی که هیچگونه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران وجود ندارد، مدیران انگیزه های برای افشای نامتقارن اطلاعات ندارند؛ زیرا در چنین شرایطی هزینه های نگه داری و عدم افشای اخبار منفی بیش از منافع آن خواهد بود؛ اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران بالا است، هزینه های عدم افشای اخبار منفی و انباشت آن ها در داخل شرکت، کم تر از منافع آن خواهد بود و بنابراین مدیران انگیزه پیدا می کنند تا اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده و آن ها را افشا نکنند (کوتاری و همکاران^۱، ۲۰۱۳: ۶).

۲-۶- تعیین کننده های ریسک سقوط قیمت سهام

تحقیقات بسیاری تعیین کننده های ریسک سقوط قیمت سهام را بررسی کرده اند. چن و همکاران (۲۰۰۱: ۴۳)، مدلی را بررسی کردند که در آن ناهمگنی سرمایه گذار در اختیارات، با محدودیت های فروش کوتاه برای برخی سرمایه گذاران همراه شده است. این امر منجر به سقوط قیمت سهام می گردد (هونگ و استین، ۲۰۰۳: ۳۹). در چنین مدلی، سرمایه گذاران نزولی که در معرض محدودیت فروش کوتاه قرار دارند، مجبور به اتخاذ یک راه حل حاشیه ای و گوشه گیرانه هستند (فروش تمام سهام هایشان و از بازار خارج شدن). بنابراین، اطلاعات منفی آن ها به صورت کامل در قیمت ها همراه و ترکیب نشده است. اطلاعات منفی ممکن است در شرکت بدون همراهی با قیمت سهام در طول زمان انباشته شود تا به نقطه ای برسد که منتشر گردد که این امر عموماً هنگام بروز رکود بازار رخ می دهد که منجر به بازده منفی بزرگ (ریسک دم منفی) و سقوط قیمت سهام می گردد. مطابق با پیش بینی محققانی مانند چن و همکاران (۲۰۰۱: ۴۳)، مشخص شد که ریسک سقوط قیمت سهام یا ریسک دم منفی، که با چولگی منفی در توزیع بازده خاص - شرکت به دست می آید، به صورت مثبت به معیار آن ها از تفاوت اختیارات در میان سرمایه گذاران یعنی دوره ی تصدی سهام دارای

¹ Kothati et al

حالت متغیر مرتبط است. دلیل اصلی سقوط های قیمت سهام که در چن و همکاران (۲۰۰۱: ۴۳) بررسی شد، تجمع اخبار بد ناشی از مشخصه بازار مالی بیرونی است (محدودیت فروش کوتاه) نه دلایل درونی شرکت. در مقابل، جین و میرز (۲۰۰۶: ۲۳)، مدلی را توسعه و بررسی نمودند که در آن مشخصه ی درونی شرکت، مثل تعارضات نمایندگی میان افراد داخلی و سرمایه گذاران بیرونی و ابهام شرکت برای سرمایه گذاران بیرونی، باعث بروز سقوط قیمت سهام می گردد. در مدل آن ها، مدیران مشوق هایی برای پنهان سازی اخبار بد به دلیل تعارضات نمایندگی دارند. تحقیقات قبلی نشان دادند که مدیران مشوق و انگیزه هایی برای پنهان سازی اخبار بد به واسطه ی دلایل متعددی دارند: مثل قرارداد پاداش، نگرانی های شهرت، شغلی و... (بال^۱، ۲۰۰۹: ۳؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹: ۹؛ گراهام و همکاران^۲، ۲۰۰۵: ۵). جین و میرز (۲۰۰۶: ۲۳)، نشان دادند که نبود شفافیت در مورد عملکرد و ابهام به مدیران امکانی برای دستیابی به بخشی از جریان نقدی می دهد. مدیران بخشی از تفاوت در عملکرد خاص شرکت را جذب و در نتیجه پنهان می سازند. هرچه شرکت مبهم تر باشد، میزان اخبار بد خاص شرکت که مدیران می توانند پنهان کنند بیشتر است. البته، میزان اخبار بدی که مدیران تمایل به جذب دارند، محدود است. وقتی اطلاعات منفی انباشته به نقطه ی اوج می رسد، پنهان سازی آن ها برای مدیران بسیار پرهزینه و گاهاً غیرممکن می گردد. پس، مدیران، تسلیم می شوند و اخبار بد به ناگهان و به صورت یک جا منتشر می گردند (جین و میرز، ۲۰۰۶: ۲۳). این امر منجر به بازده سهام منفی شدید یا سقوط قیمت سهام می شود. یافته های تجربی در جین و میرز (۲۰۰۶: ۲۳)، با پیش بینی های مدل آن ها مطابق و سازگار است. آن ها دریافتند که شرکت های مبهم بیشتر احتمال دارند که بازده سهام منفی شدید یا سقوط قیمت سهام را تجربه کنند. جین و میرز (۲۰۰۶: ۲۳)، در آزمون های تجربی خویش ابهام را در سطح سال - کشور یعنی ابهام متوسط تمامی شرکت ها در یک کشور در یک سال بررسی کردند. معیار ابهام آن ها یک متغیر خاص - شرکت نیست، بلکه یک مشخصه نهادی سطح کشور است (کیم و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۵).

هاتون و همکاران (۲۰۰۹: ۳)، با بررسی رابطه ی میان ریسک سقوط قیمت شرکت های فردی و معیار خاص - شرکت ابهام گزارش دهی مالی کار جین و میرز را بسط دادند. هاتون و همکاران (۲۰۰۹: ۳)، از مجموع تغییر و حرکت سه سال قبل مقادیر مطلق ارقام تعهدی اختیاری به عنوان پروکسی ابهام گزارش دهی مالی خاص

¹ Ball

² Graham et al

شرکت استفاده کردند. آن‌ها دریافتند که ابهام گزارش دهی مالی شرکت احتمال سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد. به علاوه، ابهام گزارش دهی مالی شرکت بر احتمال پرش و جهش های قیمت سهام اثر نمی‌گذارد (جهش‌ها به عنوان وقوع بازده سهام مثبت شدید، تصویر آینه‌ای سقوط‌ها تعریف می‌شود). بنابراین، ابهام، وقوع بازده سهام شدید را به طور کلی افزایش نمی‌دهد بلکه، ابهام وقوع بازده منفی شدید و یا ریسک بازده منفی را افزایش می‌دهد. مجموعه‌ای از مقالات تعیین‌کننده‌های خاص شرکت ریسک قیمت سهام را به پیروی از هاتون و همکاران^۱ (۲۰۰۹: ۳)، بررسی کردند. ابتدا، کیم و همکاران^۲ (۲۰۱۱: ۲)، بررسی کردند که آیا اجتناب مالیاتی ریسک سقوط قیمت را افزایش می‌دهد. آن‌ها دریافتند که معیارهای آن‌ها برای اجتناب مالیاتی به طور مثبت به ریسک سقوط مرتبط هستند. این یافته‌ها با این استدلال آن‌ها که اجتناب مالیاتی به مدیران ماسک و ابزاری برای پنهان‌سازی اخبار بد از سهام‌داران و بیش از حد برآورد کردن عملکرد مالی می‌دهد، اما این امر نهایتاً به سقوط قیمت سهام منتهی می‌گردد. دوم، بنملچ و همکاران (۲۰۱۰: ۹)، یک مدل نظری توسعه دادند و پیش‌بینی نمودند که پاداش مبتنی بر سهام باعث می‌شود مدیران اخبار بد را پنهان کنند و سیاست‌های سرمایه‌گذاری غیرمطلوب برای حمایت از تظاهر به رشد بالا برگزینند. این امر منجر به یک ارزش‌گذاری بیش از حد و سقوط قیمت نامطلوب در سهام می‌گردد (کیم و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۵).

براساس بنملچ و همکاران (۲۰۱۰: ۹)، کیم و همکاران (۲۰۱۱: ۲)، بررسی کردند که آیا مشوق‌های مبتنی بر سهام مدیران یا جریان‌های نقدی عملیاتی به طور مثبت به ریسک سقوط سهام مرتبط است. آن‌ها دریافتند که پاداش اجرایی مبتنی بر اختیار، خصوصاً مشوق‌های ریسک‌پذیری ناشی از اختیار، که توسط حساسیت ارزش پرتفوی اختیار مدیر اجرایی به نوسان قیمت سهام (وگا) به دست می‌آید، عوامل مهمی برای ایجاد ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشند و این مشوق‌های مبتنی بر سهام مدیران و جریان‌های نقدی عملیاتی نقش مهم‌تری از مشوق‌های مدیریت در تعیین ریسک سقوط قیمت سهام ایفا می‌کند. به علاوه، رابطه‌ی میان حساسیت اختیار مدیریت و ریسک سقوط برای شرکت‌های فعال در صنایع رقابتی و شرکت‌های دارای اهرم مالی بالا عمیق‌تر و مشهودتر است. سوم، کالن و فانگ^۳ (۲۰۱۵: ۲۵)، بررسی کردند که آیا دین‌گرایی در سطح کشوری در ایالات متحده با ریسک سقوط قیمت سهام مرتبط است. براساس ادبیات موجود در زمینه‌ی مذهب و

¹ Haton et al

² Kim et al

³ Kalen and Fang

اقتصادهای مذهب. آن ها استدلال نمودند که مذهب، به عنوان مجموعه ای از هنجارهای اجتماعی، به ایجاد فعالیت های پنهان کننده ی اخبار بد از سوی مدیران کمک می نماید. مطابق با این استدلال، آن ها شواهد استواری مبنی بر این یافتند که شرکت های واقع در کشورهای دارای مذهب و دین گرایی سطح پایین تری ریسک سقوط قیمت سهام دارند. آن ها دریافتند که رابطه ی منفی میان دین گرایی و مذهب گرایی و ریسک سقوط قیمت برای شرکت های پرخطر و دارای مکانیزم های حاکمیت ضعیف تر، قوی تر می باشد. این امر با این عقیده که مذهب گرایی ریسک سقوط قیمت را از طریق ایجاد مشوق ها و انگیزه های مدیریتی برای پنهان سازی اخبار بد کاهش می دهد (کیم و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۵).

۲-۶-۱- ریسک افت آتی قیمت سهام و عدم تقارن اطلاعاتی

میزان اطلاعات منفی که مدیران می توانند انباشت و پنهان کنند، در شرکت های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی ها و فرصت های مدیران برای انباشت و افشا نکردن اخبار منفی، به هزینه ها و منافع آن بستگی دارد. برای مثال، در شرایطی که هیچگونه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران وجود ندارد، مدیران انگیزه ای برای افشای نا متقارن اطلاعات ندارند، چرا که در چنین شرایطی هزینه های نگهداری و افشا نکردن اخبار منفی بیش از منافع آن خواهد بود، اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران بالاست، هزینه های افشا نکردن اخبار منفی و انباشت آن ها در داخل شرکت، کمتر از منافع آن خواهد بود و بنابراین، مدیران انگیزه پیدا می کنند تا اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده، آن ها را افشا نکنند. با توجه به اینکه عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه به افزایش فرصت های مدیریت اطلاعات و در نتیجه مدیریت سود منجر می شود، می توان گفت که در محیطی با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، بین مدیریت سود به عنوان معیار عدم شفافیت اطلاعات مالی و ریسک افت آتی قیمت سهام رابطه شدیدتری وجود دارد. عدم تقارن اطلاعات پدیده ای منفی است که به طور معمول در بازار های اوراق بهادار رخ می دهد و باعث ایجاد تفاوت بین ارزش ذاتی یک سهام و ارزش برآورد شده آن سهام به وسیله سرمایه گذاران می شود و از این مجرا به اتخاذ تصمیم های نامناسب اقتصادی توسط سرمایه گذاران منجر می شود (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴).

۲-۶-۲- ریسک افت آتی قیمت سهام و ارتباط آن با عدم شفافیت اطلاعات مالی

هاتن و همکاران^۱ (۲۰۰۹: ۱۸)، معتقدند که در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی (اقدام به مدیریت سود)، مدیران انگیزه دارند برای حفظ شغل خود، بخشی از زیان‌ها را پنهان کنند. این فرایند؛ یعنی افشا نکردن زیان‌های واقعی تا زمان حضور مدیر در شرکت ادامه می‌یابد. پس از ترک شرکت توسط مدیر، حجم عظیمی از زیان‌های افشا نشده وارد بازار شده، به افت آتی قیمت سهام منجر می‌شود. علاوه بر این، در یک محیط گزارشگری غیرشفاف، سرمایه‌گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه‌های زیان‌ده شرکت نیستند. ناتوانی سرمایه‌گذاران در تمایز بین پروژه‌های سودده و زیان‌ده در مراحل اولیه آن‌ها باعث می‌شود که پروژه‌های زیان‌ده ادامه یابد و با گذر زمان زیان‌دهی آن‌ها افزایش یابد. بازده منفی این نوع پروژه‌ها در طول زمان در داخل شرکت انباشت می‌شود و هنگامی که اطلاعات مربوط به آن‌ها افشا می‌شود، قیمت سهام به شدت کاهش پیدا خواهد کرد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴).

۲-۷- گزارشگری مالی^۲

جذب پس‌اندازهای راکد و سوق دادن آن‌ها به سوی واحدهای تولیدی و ایجاد امکانات برای مشارکت عموم مردم در توسعه صنایع و سهام شدن در سود کارخانجات از اهداف اصلی بورس اوراق بهادار هر کشوری به شمار می‌رود؛ به طوری که سازمان مذکور می‌تواند به عنوان یک اهرم در کنترل نرخ تورم و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری، نقش حساسی را در جامعه ایفا نماید. بنابراین جهت نیل به این هدف سازمان مذکور باید بتواند اعتماد سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه جلب نماید. این امر نیز به نوبه خود تابع وجود یک بازار سرمایه شفاف و روشن است. شفافیت بازار سرمایه خود در گرو گزارشگری مالی درست و به موقع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است و بدون وجود چنین اطلاعاتی، استفاده‌کنندگان نمی‌توانند فرصت‌ها و خطرات سرمایه‌گذاری را به موقع تشخیص دهند (اعتمادی، ۱۳۹۲: ۷).

گزارشات مالی محصول نهایی سیستم حسابداری بوده و به علت اهمیتی که برای استفاده‌کنندگان به خصوص صاحبان سهام دارد روندی رو به رشد داشته و همواره مورد توجه انجمن‌های مختلف حسابداری بوده است.

¹ Hutton et al

² Financial Reporting

قبل از تشکیل کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۱ اغلب مؤسسات و واحدهای تجاری بصورت داوطلبانه گزارشات مالی خود را تهیه و منتشر می کردند. علت این افشاهای ارادی را می توان جلب اعتماد عمومی، معرفی مؤسسه به عموم و سرمایه گذاران و در نهایت جلب سرمایه و سرمایه گذاران دانست. اما پس از بحران ۱۹۲۹ و پس از بنا نهادن کمیسیون بورس و اوراق بهادار در سال ۱۹۳۳، گزارشگری مالی به صورت یک الزام قانونی برای مؤسسات درآمد. علاوه بر این، در رابطه با الزامات گزارشگری مالی این نکته حائز اهمیت است که علاوه بر الزامات کمیسیون بورس و اوراق بهادار الزامات دیگری نیز جهت گزارشگری مالی وجود دارد که به الزامات بازار معروف می باشند و عبارتند از الزامات بازار سرمایه و الزامات بازار کار (اسپاسیج و همکاران^۲، ۲۰۱۷: ۱۴).

پس از انقلاب صنعتی در اروپا، رفته رفته اندیشه جدایی مالکیت از مدیریت (تئوری نمایندگی) مطرح شد و در نتیجه مالکان همواره نگران اندوخته های خود و مدیران نیز در اندیشه رفع نگرانی صاحبان بنگاه های اقتصادی بودند و برای اینکه مالکان را به طور پیوسته در جریان امور این بنگاه ها قرار دهند به ارائه گزارشات مالی می پرداختند. به این ترتیب ساختار جدید مالکیت و مدیریت، دامنه مسئولیت حسابداری را افزایش داد و ارائه گزارش های مالی را بر اساس نیاز استفاده کنندگان ضروری ساخت. بنابراین گزارشگری مالی فراتر از آنکه گزارش مالی صرف باشند، وسیله ای برای برقراری ارتباط بین شرکت ها و صاحبان آن ها تلقی می شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸). توسعه کمی سیستم گزارشگری مالی بدون توجه به کیفیت و انطباق آن ها با اهداف ملی کشور می تواند آثار جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد و به عقب ماندگی از کشورهای توسعه یافته در زمینه جذب سرمایه شدت بخشد. از آنجایی که گزارشگری مالی وسیله ای برای برقراری ارتباط بین شرکت ها و صاحبان آن ها است اطلاعاتی که در فرایند گزارشگری مالی مؤسسات فراهم می شود باید به گونه ای باشد که سرمایه گذاران را در ارزیابی عملکرد مدیریت، از لحاظ حفظ و بکارگیری بهینه منابع یاری رسانده و بر اغلب نیازهای استفاده کنندگان تأکید داشته باشد (عرب مازار یزدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳). از دیرباز موضع شرکت ها در مورد گزارشگری مالی این بوده که اطلاعات را در کمترین حد ممکن منتشر کنند تا از اعطای فرصت بهره برداری بیشتر به رقبا جلوگیری شود. بنابراین در رابطه با گزارشگری مالی همواره دو چالش

^۱ SEC

^۲ Aspasych and Myhajlvf

بزرگ پیش روی مدیران واحدهای تجاری وجود داشته که به صورت زیر بود: چگونگی برقراری تعادل بین شفافیت گزارشات مالی و عدم ارائه بیش از حد اطلاعاتی بوده و اطلاعات به چه میزان، برای چه کسانی و در چه مواقعی باید منتشر شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸).

۲-۸- اهداف گزارشگری مالی

طبق نظر هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۱ یکی از اهداف گزارشگری مالی فراهم ساختن اطلاعاتی پیرامون وضعیت مالی، عملکرد و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است و هدف دیگر پاسخگویی مدیران به سرمایه گذاران و مالکان است تا معلوم شود که آیا مدیران بابت منابعی که بصورت امانت به آنان سپرده شده کوتاهی کرده اند یا خیر. همچنین طبق نظر هیأت استانداردهای حسابداری مالی، گزارشگری مالی منحصر به تهیه و ارائه صورت های مالی نیست بلکه سایر طرق ارائه و تفسیر اطلاعات را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با اطلاعات مالی ارتباط دارد را نیز دربر می گیرد و صورت های مالی تنها بخشی از گزارشگری مالی است (حیب و همکاران^۲، ۲۰۱۸: ۶۵).

صورت های مالی^۳ شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت گردش وجوه نقد و هم چنین یادداشت ها و جداول تکمیلی است که هر یک از این صورت ها به تنهایی نمی تواند کلیه اطلاعات لازم جهت تصمیم گیری را فراهم سازد بلکه به صورت سیستمی اطلاعات لازم را در اختیار استفاده کنندگان قرار می دهد چون هر یک جوانب متفاوتی از معاملات را منعکس می کند. اگرچه هر کدام اطلاعاتی را فراهم می کنند که با بقیه متفاوت است اما هیچ کدام از آن ها به تنهایی در خدمت تنها یک مقصود قرار ندارند. در سده ۱۹ میلادی در انگلستان الزامات قانونی جهت تهیه و تنظیم اطلاعات مالی بیشتر بر ترازنامه ناظر بود چون آن را فراهم کننده اطلاعات پیرامون دارایی ها به عنوان پشتوانه واحد تجاری و به عنوان شاخص فعالیت های واحد تجاری می دانستند اما هر چه به پایان سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ میلادی نزدیک می شویم تأکید بر صورت سود و زیان را نیز شاهدیم یعنی تجربه نشان داده که تنها ترازنامه جهت تصمیم گیری مفید نیست بلکه صورت های مالی به صورت یک مجموعه می توانند مفید واقع شوند (نیکومرام و نهدی، ۱۳۸۸: ۲۱).

¹ FASB

² Habib Hussein

³ Financial Statements

۹-۲- ویژگی های کیفی گزارشگری مالی

ویژگی های کیفی خصوصياتی هستند که اطلاعات فراهم شده در صورت های مالی را برای استفاده کنندگان قابل استفاده می سازند. این ویژگی ها در زیر تشریح شده اند:

مربوط بودن: اطلاعات مالی برای اینکه قابل استفاده باشد باید به نیازهای تصمیم گیری استفاده کنندگان مربوط باشد. اطلاعات زمانی دارای ویژگی مربوط بودن است که بتواند از طریق کمک به استفاده کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده تصمیمات اقتصادی آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

ارائه صحیح: در مورد اکثر اطلاعات مالی همیشه این خطر وجود دارد که اطلاعات، به طور کامل ارائه دهنده صحیح آن مفهومی را که در خود دارد نباشد. این موضوع بیشتر مرتبط با مشکلات ذاتی مربوط به مشخص کردن معاملات و سایر رویدادهایی است که باید اندازه گیری شوند یا مربوط به تعبیه و به کارگیری تکنیک های ارائه و اندازه گیری که بتواند پیغام های هم مفهوم با آن معاملات و رویدادها را منتقل کند، می باشد.

بی طرفی: اطلاعات درج شده در صورت های مالی برای اینکه قابل اعتماد باشد باید بی طرفانه، یعنی عاری از هرگونه جانبداری باشد. بنابراین اگر صورت های مالی تصمیم گیری یا قضاوت را برای دستیابی به یک نتیجه از پیش تعیین شده تحت تأثیر قرار دهد بی طرفانه نخواهد بود.

احتیاط: احتیاط عبارت است از به کار بستن کمی دوراندیشی در اعمال قضاوت مورد نیاز مدیریت در انجام برآوردهای لازم در شرایط مبهم تا اینکه دارایی ها یا درآمدها زیاده از حد و بدهی ها و هزینه ها کمتر از واقع نشان داده نشوند.

کامل بودن: اطلاعات مندرج در صورت های مالی برای اینکه قابلیت اعتماد و اتکاء داشته باشند باید تا آنجا که اهمیت امر و هزینه آن اجازه می دهد، کامل باشند و حذف بعضی اطلاعات به جهت هزینه بر بودن ممکن است گمراه کننده باشند.

قابل مقایسه بودن: اطلاعات در مورد یک واحد تجاری زمانی سودمند است که بتوان آن ها را با اطلاعات مشابه سایر واحدهای تجاری مقایسه نمود. قابلیت مقایسه، همگونی روش های مورد استفاده طی دوره های مختلف و ارزش و بار اطلاعاتی تصمیمات اتخاذ شده را افزایش خواهد داد. اهمیت و ارزش اطلاعات بستگی به این دارد که استفاده کنندگان مختلف بتوانند از آن استفاده کنند (جعفری، ۱۳۷۲: ۳). اطلاعات در مورد یک

واحد تجاری زمانی سودمند است که بتوان آن ها را با اطلاعات مشابه سایر واحدهای تجاری مقایسه نمود و استفاده کنندگان باید بتوانند صورت های مالی یک واحد تجاری را هم در طول زمان و هم بین واحدهای تجاری مختلف مقایسه کنند تا وضعیت مالی، نتایج عملیات و سازگاری مالی آن ها را ارزیابی نمایند. بنابراین اندازه گیری و نمایش آثار مالی معاملات و رویدادهای مشابه باید هم به صورتی یکنواخت در یک واحد تجاری در طول زمان و هم به صورتی یکنواخت در واحدهای تجاری مختلف اعمال شود (رعایت استانداردهای حسابداری کمکی برای دستیابی به کیفیت قابل مقایسه بودن است). از طرفی ضرورت قابل مقایسه بودن نباید با یکسانی مطلق اشتباه شود و نباید به مانعی بر سر راه معرفی استانداردهای بهتر حسابداری تبدیل شود یعنی زمانیکه گزینه ها و رویه های مربوط تر و قابل اعتمادتری وجود دارند مناسب نیست که واحدهای تجاری رویه های حسابداری گذشته خود را بدون تغییر حفظ کنند (بیکر و همکاران^۱، ۲۰۰۰: ۸).

قابل فهم بودن: اطلاعات مندرج در صورت های مالی باید بنحوی گزارش شوند که قابل فهم برای عده کثیری از استفاده کنندگان باشد و نباید این طور فرض شود که کلیه استفاده کنندگان دانش معقولی از حسابداری دارند. هم چنین باید متذکر شد، صرفاً به این دلیل که ممکن است فهم بعضی از اطلاعات برای بعضی استفاده کنندگان بسیار دشوار باشد نمی توان اطلاعاتی از گزارشات مالی را حذف نمود.

درست و منصفانه بودن: به کارگیری قانون و استانداردهای حسابداری و گزارشگری باید بنحوی باشد که منجر به تهیه صورت های مالی شود که وضعیت مالی و نتایج عملیات را به نحو درست و منصفانه ارائه کند.

به موقع بودن: اگر تأخیر بی مورد در گزارشگری مالی وجود داشته باشد ممکن است اطلاعات مربوط بودن خود را از دست بدهند لذا مدیریت باید بین قابلیت های نسبی گزارشگری بهنگام و تهیه اطلاعات قابل اعتماد تعادل برقرار کند. یعنی برای اینکه اطلاعات بهنگام تهیه شود ممکن است لازم باشد قبل از شناسایی همه جنبه های معاملات و رویدادها گزارش ارائه شود که در چنین صورتی کیفیت قابل اعتماد بودن ضعیف می شود. برعکس اگر گزارشگری با تأخیر انجام شود تا همه جنبه های معاملات و رویدادها شناخته شوند، اطلاعات ممکن است به میزان بالایی قابل اعتماد باشد اما برای استفاده کنندگانی که مجبور بوده اند در آن فاصله تصمیم بگیرند کمتر مورد استفاده باشد (بیتی و همکاران^۲، ۱۹۹۵: ۹).

¹ Baker et al

² Beatty et al

هزینه و فایده^۱: تعادل بین هزینه و فایده قبل از آنکه ویژگی کیفی باشد، محدودیتی فراگیر است. فایده اطلاعات باید از هزینه تهیه آن اطلاعات بیشتر باشد زیرا هزینه ها الزاماً به عهده کسانی که از منافع آن استفاده می کنند نیست بلکه به عهده تهیه کنندگان اطلاعات است.

ارائه مستقیم اطلاعات: اطلاعات مالی بهتر است مستقیماً توسط یک واحد تجاری ارائه شود نه اینکه توسط واسطه هایی مانند دولت، تحلیل گران مالی و... ارائه شود.

مورد قبول جامعه: اطلاعات مالی باید طوری تهیه شود که بنحوی معقول مورد قبول عموم افراد جامعه باشد نه اینکه قشر خاصی را مورد توجه قرار دهد.

توانایی پیش بینی: پروفیسور سورتر^۲ اعتقاد دارد یک مجموعه اطلاعات نمی تواند برای همه استفاده کنندگان مطلوب باشد. در شرایطی که حالت های مختلف گزارشگری مالی می تواند انتخاب شود، انتخابی مطلوب است که توانایی پیش بینی رویدادهای آن را فراهم کند. در نهایت درباره ویژگی های کیفی باید به نحوی عمل کرد که یک تعادل معقول و منطقی بین این ویژگی ها برقرار باشد.

قابل اعتماد بودن (قابلیت اتکاء): اطلاعات مالی برای اینکه قابل استفاده باشد باید قابل اعتماد باشند. اطلاعات زمانی دارای ویژگی قابل اعتماد بودن است که از جانبداری و خطای عمدی عاری بوده و به وسیله استفاده کنندگان قابل اتکاء باشد و مفهومی را که در خود دارد به شکل درست ارائه کند. با توجه به تضاد منافع و تأثیر اطلاعات حسابداری بر ثروت گروه های ذی نفع قابلیت اتکاء گزارشات مالی از طریق حسابرسان مستقل افزایش می یابد(ثقفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸).

۲-۱۰- کیفیت گزارشگری مالی^۳

فرآیند ارتباط و تعامل شرکت ها با محیط اطراف شان شامل تبادل همیشگی اطلاعات مالی و هم چنین غیرمالی می شود. با هدف دستیابی به مزیت رقابتی، مهم است که شرکت ها از سیاست هایی استفاده کنند تا اطلاعاتی که به تصمیمات مرتبط با سرمایه گذاری سرمایه گذاران مربوط می باشند را در اختیار سرمایه گذاران قرار دهند. گزارش های مالی سالیانه منظم بخشی از فرآیند گزارش را شامل می شوند خصوصاً وقتی،

¹ Cost/Benefit

² Professor Souter

³ Financial Reporting Quality

شرکت هایی که سهام های شان و یا سایر اوراق بهادارشان در بازار سرمایه فهرست شده است و شرکت هایی که اهمیت انتشار اطلاعات، در فاصله های متوالی را درک می کنند، مورد توجه قرار می گیرند. گزارش مالی میان دوره ای از گزارش منظم مالی دارایی ها، موقعیت مالی درآمد و جریان نقدی متفاوت است. گزارش مالی میان دوره ای شامل افشاگری اطلاعات مربوط به فاصله های مالی شبه سالانه کوتاه و یا سه ماهه و هم چنین افشاگری اطلاعات غیرعلنی در زمانی که بتواند از سود و منافع سرمایه گذاران و مزیت رقابتی را بهبود ببخشد می باشد. گزارش دهی شفاف شرکت هایی که در بازارهای سرمایه حضور دارند، شامل افشاگری داوطلبانه ی یک مجموعه ی کلاسیک (قدیمی) از گزارشات مالی و همچنین سایر گزارشات به عموم و سرمایه گذار می شود. در طی این فرآیند، چیزی که اهمیت دارد نه تنها کمیت گزارش هاست بلکه کیفیت اطلاعات مالی افشا شده نیز می باشد. تعداد متعددی مطالعه در زمینه ی اثر گزارش مالی بر شفافیت اطلاعات بازار سرمایه وجود دارد. تمامی آن ها این نتیجه گیری را کردند که در طول دوره ای که در حال مشاهده شرکت ها بودند، شرکت ها اطلاعات مالی در ابتدا اجبار افشاگری داشتند (اسپاسیچ و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۱۴).

از سویی دیگر، کیفیت گزارشگری مالی، می تواند حداقل به دو صورت با کارایی سرمایه گذاری مرتبط باشد. اول اینکه، اغلب این موضوع بحث شده است که گزارشگری مالی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران، هزینه های انتخاب ناسازگار را (بردار پنج در نمودار یک)، کاهش می دهد. به عنوان مثال، لئوز و ورچیا^۲ (۲۰۰۰) دریافتند که تعهد به افشای بیشتر، چنین عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و در نتیجه منجر به افزایش نقدینگی شرکت می شود. از طرف دیگر وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران می تواند باعث شود تا تامین کنندگان سرمایه شرکت، قیمت سهام را کاهش و هزینه تامین مالی شرکت را افزایش دهند. زیرا سرمایه گذاران استنباط می کنند که شرکتی که در حال تامین مالی است، به شیوه ای نامناسب عمل می کند. بنابراین اگر کیفیت گزارشگری مالی هزینه های انتخاب ناسازگار را کاهش دهد، می تواند کارایی سرمایه گذاری را با کاهش هزینه های تامین مالی، بهبود ببخشد (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹). در مجموع، یافته های پژوهش های متعددی (فرانسیس و دیگران^۳، ۲۰۰۵: ۱۰؛ بیتی و دیگران^۴، ۲۰۰۷: ۱۲؛ بیدل و

¹ Lee et al

² Loeiz and verchya

³ Francis and others

⁴ Beattie and others

هیلاری^۱، ۲۰۰۷: ۹؛ بیدل و دیگران^۲، ۲۰۰۹: ۸) بر این امر تاکید دارند که افزایش کیفیت گزارش های مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران با وام دهندگان و سرمایه گذاران، امکان خطر اخلاقی و گزینش نادرست را کاهش داده، به کاهش هزینه های پایش مدیریت و در نهایت کاهش ریسک و هزینه های تامین مالی شرکت منجر می شود (اسپاسیچ و همکاران^۳، ۲۰۱۷: ۱۴).

۲-۱۱- روش های بهبود کیفیت گزارشگری مالی

از آن جا که مدل های گزارشگری مالی موجود در ایران، که در غالب اعداد و ارقام بی روح ارائه می شوند و بیشتر بر روی گزارش های مالی تأکید دارند تا نیازهای استفاده کنندگان، لذا گزارش های مالی رایج در ایران نمی تواند نیازهای متعدد استفاده کنندگان را برآورده سازد، حال آنکه گزارشگری مالی باید بر اساس نیازهای استفاده کنندگان باشد. بنابراین، شیوه های بهبود گزارشگری مالی ایران که برگرفته از گزارشات کمیته ویژه حسابداران رسمی آمریکا است و با نیازهای اطلاعاتی مردم ایران نیز هماهنگی دارد در زیر ارائه می شود. کمیته مزبور نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان را به منظور تصمیم گیری صحیح تحت مدلی بیان نموده که اجزای اصلی این مدل باید شامل اطلاعات مالی و غیرمالی، تجزیه و تحلیل مدیریت از اطلاعات مالی و غیرمالی، اطلاعات مربوط به آینده، اطلاعات مربوط به مدیران و سهامداران و اطلاعات مربوط به سوابق شرکت باشد (عرب مازار یزدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳).

در رابطه با مدل کلی گزارشگری مالی باید متذکر شد که لزومی ندارد کلیه شرکت ها تمامی اجزای این مدل را برای استفاده کنندگان تهیه کنند، بلکه باید شرکت ها آن قسمت از اطلاعات خاص این مدل را که مورد نیاز استفاده کنندگان است ارائه نمایند. از طرفی، تهیه کلیه اطلاعات مدل گزارشگری ارائه شده برای شرکت ها هم ممکن است مازاد بر نیاز استفاده کنندگان باشد و هم متضمن افزایش هزینه های گزارشگری باشد و این دلیلی بر حذف تمامی آن ها نمی تواند باشد و حداقل باید شامل صورت های مالی باشد (لی و همکاران^۴، ۲۰۰۷: ۳۴). جزئیات مدل ارائه به شرح زیر است.

¹ Biddle and Hilary

² Biddle and others

³ Spasich and Mihajelof

⁴ Lee et al

۲-۱۱-۱- گزارشگری انعطاف پذیر^۱

در دوره ای که تغییرات به سرعت شکل می گیرد، خطر اینکه گزارشگری مالی از تغییرات عقب بماند و نتواند نیازهای استفاده کنندگان را برآورده سازد در حال افزایش است. بنابراین امروزه باید بیش از هر زمان دیگر گزارشگری مالی همگام با نیازهای استفاده کنندگان دگرگون شود زیرا در غیر این صورت اهمیت و مربوط بودن خود را از دست خواهد داد.

۲-۱۱-۲- گزارشگری بخش های مجزا

عموماً بعضی شرکت ها به بخش های مجزا در چند نوع عملیات تجاری مشغول می باشند به طوری که هر یک از این بخش ها فرصت ها و خطرات متفاوتی دارند. بنابراین اطلاعات مربوط به هر بخش، آگاهی بیشتری نسبت به فرصت ها و خطرات سرمایه گذاری در آن بخش را فراهم کرده و پیش بینی عملکرد آینده شرکت را برای سرمایه گذاران میسر می سازد. حتی اگر مؤسسات بخش های مختلف خود را به تفکیک محل جغرافیایی نیز بیان کنند می تواند اطلاعات با اهمیتی را در اختیار استفاده کنندگان قرار دهد. علاوه بر این در صورتی که شرکت ها تولیدات مختلفی داشته باشند می توانند گزارش مجزا بر مبنای خطوط تولید و یا تولیدات منحصر به فرد خود را نیز ارائه کنند (عرب مازار یزدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳).

۲-۱۲- عوامل تعیین کننده انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی

انتخابی که شرکت ها درباره کیفیت گزارشگری مالی شان برمی گزینند و در صورت های مالی شان منعکس می شود نشان دهنده این است که شرکت منافع و هزینه های مورد انتظار ایجاد شده با اطلاعات باکیفیت بالا را می سنجد. با وجود منافع مورد انتظار با فراهم کردن اطلاعات باکیفیت بالاتر، یک شخص ممکن است گمان کند که شرکت فراهم کردن اطلاعات با حداکثر کیفیت ممکن، بدون توجه به هزینه های افشای چنین اطلاعاتی انتخاب نماید. بنابراین شخص انتظار دارد یک راه حل گوشه ای^۲ وقتی که حداکثر کیفیت گزارشگری انتخاب می شود رعایت شود. در واقعیت این قضیه رخ نمی دهد، ضمن اینکه هزینه هایی وجود دارد که با افشاء ایجاد می شوند مانند هزینه های مستقیم (غیر مالکانه^۳) هزینه های قانونی و قضایی و هزینه های مالکانه. با وجود این

^۱ Flexible Reporting

^۲ corner solution

^۳ non-proprietary

هزینه‌ها، شرکت‌ها راه‌حل داخلی^۱ را برای کیفیت گزارشگری مالی‌شان انتخاب می‌کنند. بنابراین وقتی عواملی که تعیین‌کننده تصمیم استراتژی گزارشگری شرکت می‌باشند بررسی می‌شوند این سبک و سنگین کردن‌ها بایستی در نظر گرفته شوند. علاوه بر این عوامل ویژه مؤثر بر تصمیمات کیفیت گزارشگری مالی شرکت، به عوامل تعیین‌کننده سطح مقطعی سیاست‌های افشای شرکت‌ها که در تحقیقات قبلی استفاده شده است استناد می‌شود. برای مثال لیو (۲۰۰۵: ۵) تحقیقات فوق به همراه دیگر تحقیقات مدارکی را فراهم کردند که تصمیمات افشاء با نیازهای تأمین مالی، محیط اطلاعاتی شرکت، هزینه‌های محرک و مشوق، عملکرد شرکت، هزینه‌های قانونی و قضایی و پراکندگی مالکان و سهامداران مرتبط است (دانیل کوهن، ۲۰۰۹: ۱۱).

۲-۱۳- کیفیت حسابرسی

از واژه کیفیت تعاریف فراوانی وجود دارد، به طوری که در فلسفه و در نظریه شناخت منظور از کیفیت، چگونگی یک چیز است، مانند خواص کمی یا خواص کیفی یا چونی است (فرهنگ فارسی، محمد معین، ۱۳۷۵). در جایی دیگر در تحقیقات و پژوهش‌هایی که توسط پروفیسور فیلیپ گو (۲۰۰۱: ۲) و در فرهنگ بین المللی جدید وبستر پژوهشی در خصوص ابعاد مختلف کیفیت انجام شده است. در حقیقت کیفیت و کمیت دو واژه متفاوت از یکدیگر بوده، بطوریکه کیفیت همچون کمیت با اطلاعاتی بر حسب اعداد و ارقام گزارش نمی‌شود، حتی در صورتی که بخواهیم کیفیت را بر حسب اعداد و ارقام بیان کنیم نتیجه برای مخاطب نامشهود به نظر می‌رسد. در حقیقت کیفیت چیزی نیست قابلیت اندازه‌گیری را داشته باشد، بلکه با انجام تحقیقات و تجربه عملی قابل درک بوده و ممکن است از این طریق به ماهیت آن پی برد. این واژه در زمان‌های مختلف از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است، همچون زمینه‌های ادبی، تاریخی، دین، فلسفه و علم و صنعت، تولید و بازاریابی و فروش تعاریف و مفاهیمی متفاوت دارد. آنجا که کیفیت واژه و اصطلاحی غیر قابل اندازه‌گیری و دارای ساختاری چند بعدی می‌باشد، اندازه‌گیری آن نیز غیر ممکن و اساساً مشکل است. کلیه تعاریف مذکور درباره کیفیت از دیدگاه‌های متفاوت بیان شد اما تعریف مدنظر در این پژوهش در مورد این واژه و اصطلاح در رابطه با تعریف آن از دیدگاه حسابرسی است. حال به بررسی این واژه از دیدگاه حسابداری و حسابرسی که یکی از موضوعات مهم و اساسی در حسابداری و حسابرسی تلقی می‌شود، می‌پردازیم.

³ interior solution

بررسی میزان ارزش کیفیت حسابرسی برای سرمایه گذاران با اهمیت است، اما بررسی مستقیم آن برای سرمایه گذاران امری هزینه بر می باشد، بنابراین سرمایه گذاران برای ارزیابی کیفیت حسابرسی بر معیارها و الگوهای قابل مشاهده و ملموس تکیه می نمایند. این معیارها و الگوها در حقیقت همان عناصر تاثیرگذار بر کیفیت حسابرسی است که در بخش های بعدی در مورد هریک از آن ها و پژوهش های انجام شده در مورد هریک اشاره خواهد شد. سرمایه گذاران به منظور کسب اطمینان نسبت به کارایی و اثربخش بودن فعالیت ها و عملیات بازارهای مالی جهان و رسیدن به رشد اقتصادی پایدار در گستره فعالیت های جهانی، کاری بس مهم و اساسی پیشرو دارند. سرمایه گذاران به منظور دستیابی به سطحی از اطمینان که اطلاعات مالی بتواند مبنای تصمیم گیری در جهت تخصیص منابع مالی ایشان قرار بگیرد، نیاز به موثر بودن اطلاعات مالی از جنبه قابلیت اتکا و اعتماد بودن آن ها را دارند. این امر نیازمند بررسی و حسابرسی حسابرسان و اظهار نظر ایشان، نسبت به صورت های مالی می باشد. هرچند که مسئولیت تهیه اطلاعات مالی به خصوص صورت های مالی بر عهده مدیریت واحد مورد رسیدگی می باشد، با این وجود حسابرسان در حسابرسی مالی خود که در واحدهای تجاری انجام می دهند، به سبب اعتبار بخشی ایشان به اطلاعات مالی، به خصوص صورت های مالی نقش اساسی و غیر قابل انکار را ایفا می نمایند. در واقع حسابرسان، اطمینانی منطقی، نسبت به صورت های مالی عاری از هرگونه تحریف و اشتباه با اهمیت و همچنین اثر نامساعد تئوری نمایندگی (جدایی مالکیت از مدیریت) را از طریق برقراری موازنه، میان تهیه کنندگان و استفاده کنندگان صورت های مالی را به حداقل ممکن می رسانند (گاید، ۲۰۱۵: ۷).

گرچه مدیریت واحد مورد رسیدگی ملزم به پاسخگویی در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی می باشد، با این وجود نقش حسابرسان ایجاد اطمینانی فارغ از کیفیت گزارشگری مالی مرتبط با آن خواهد بود. این نقش حسابرسان در تعیین ارزش شرکت و پیکربندی مدیریت سود در تبادلات اقتصادی جهان کاملاً اساسی و تاثیر گذار می باشد (نئو، ۲۰۰۷: ۶). بر این اساس می توان صورت های مالی را محصول مشترک واحد گزارشگر (مورد رسیدگی) و موسسه حسابرسی دانست و این موضوع سبب گردیده تا کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری به صورت مولفه جدایی ناپذیر در سطح جامعه نمود یابد. با توجه به تحقیق و پژوهش های صورت گرفته و نظریه هایی محققین در سطح دنیا، متغیرهای تاثیر گذار بر کیفیت حسابرسی به شرح زیر شناسایی و به بررسی و تحقیق و تصمیم گیری پیرامون اجماع یا عدم اجماع انجام می گیرد: تنوع صاحبکاران حسابرسی (نوع صنعت)،

اندازه موسسه حسابرسی (تعداد صاحبکاران)، تخصص گرایی (سابقه موسسه حسابرسی در صنعت) با توجه به جایگاه کاربردی کیفیت در سطوح مختلف جامعه نمی توان از کیفیت تعریفی واحد بیان نمود و این خود دلیلی بر متفاوت بودن جایگاه کیفیت و کاربرد آن از سوی اندیشمندان در این رابطه می باشد که تعاریفی کاملاً متفاوت از آن را ارائه نموده اند. مانند تفاوت در تعریف کیفیت از دیدگاه مدیریت تولید و افراد بازاریاب و فروشندگان می باشد. به دارا بودن ساختار چند بعدی کیفیت حسابرسی، اندازه گیری آن نیز در واقع کاملاً مشکل به نظر می رسد (مهرانپور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵).

۲-۱۴- موارد مورد استفاده کیفیت حسابرسی در ایران

در ایران، از یک سو، سازمان حسابرسی به عنوان تنها مؤسسه حسابرسی بخش دولتی و در حد بزرگ، فعالیت می نماید و از سوی دیگر، مؤسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، عمدتاً کوچک و بعضاً در حد متوسط فعالیت می نمایند. موضوع پژوهش حاضر، از اهمیت شناسایی و تبیین ابعاد اصلی کیفیت حسابرسی نشأت می گیرد. به طور کلی، اعتقاد بر آن است که صورت های مالی سالیانه نه تنها حسابرسی می شود بلکه محتوای آن تحت تأثیر حسابرسان مستقل قرار می گیرد. با فرض وجود چنین تأثیری و اعتقاد حسابرسان مبنی بر اینکه عملکرد آنان از طریق کیفیت گزارش های سالیانه توسط آن ها مورد قضاوت قرار می گیرد احتمال بیشتری وجود دارد که مؤسسه های حسابرسی بزرگ (با وابستگی کمتر به یک یا چند صاحبکار خود) پیشنهاد کنند که اطلاعات بیشتر و با کیفی تتری در گزارش های سالانه صاحبکاران ارائه شود. افزون بر این احتمال بیشتری وجود دارد که صاحبکاران با عقاید و نظرات مؤسسه های حسابرسی بزرگ، بیشتر موافقت کنند. در مقابل مؤسسه های حسابرسی کوچک، توانایی تأثیرگذاری بر رویه های افشای اطلاعات صاحبکار خود را ندارند و تاش می کنند تا نیازهای صاحبکاران را به منظور حفظ کار برآورده کنند (اسدی و دارابی، ۱۳۹۱: ۶). در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، موضوع استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی از موضوعات بحث انگیز و چالشی روز می باشد. با توجه به «قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی به بخش غیر دولتی» و خصوصی سازی صنایع بزرگ و پیچیده قاعدتاً در این واگذاری ها، تغییر حسابرس از بخش دولتی به بخش خصوصی، موضوعیت یافته است. در این زمینه، امور مجامع واحدهای اقتصادی، بازرگانی و خدماتی و نیز مراجع نظارتی در زمینه

انتخاب حسابرس از بخش دولتی یا خصوصی و ارجاع کار حسابرسی به مسئله استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی مشتمل بر توانایی و شایستگی حسابرس توجه جدی دارند(اسدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵).

۲-۱۵- عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی

کیفیت کار موسسه های حسابرسی متفاوت است و به طور مستقیم نمی توان با مشاهده ی موسسه ها تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است. تحقیق ها نشان می دهند اندازه، قدمت، شهرت و نام تجاری موسسه های حسابرسی می تواند معیارهای متمایز کننده ی کیفیت حسابرسی باشند. جول، جاب و هاگتون(۲۰۰۵: ۱۴) در تحقیق خود برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی علاوه بر اندازه ی موسسه ی حسابرسی از تخصص موسسه ی حسابرسی در صنعت صاحب کار نیز استفاده کردند. آنان معتقد بودند موسسه های حسابرسی که در صنعت صاحب کار تخصص داشته باشند، با کیفیت بیش تری به حسابرسی آن می پردازند. فرگوسن و استاکس(۲۰۰۲: ۱۱)، ژائو و ایلدر(۲۰۰۲: ۱۴)، وبالسم(۲۰۰۳: ۲۵) نیز در تحقیق های خود از تخصص حسابرس در صنعت صاحب کار برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی استفاده کردند. دی آنجلو(۱۹۸۱: ۸) کیفیت حسابرسی را به صورت احتمال کشف و گزارش اشتباه های با اهمیت در صورت های مالی تعریف می کند. او به لحاظ نظری ارتباط بین کیفیت حسابرسی و اندازه ی موسسه ی حسابرسی را مطرح کرد و معتقد بود موسسه های بزرگ شرکت های بیشتری را حسابرسی می کنند و کل حق الزحمه ی آن ها بین شرکت های صاحب کار تفکیک می شود و به صاحب کاران وابستگی ندارند. موسسه های حسابرسی بزرگ استقلال بیش تری دارند، بنابراین با کیفیت بیشتری به حسابرسی می پردازند. دیویدسون(۱۹۹۳: ۱۱) نیز معتقد است مدیران انگیزه های زیادی برای دست کاری سود دارند تا بتوانند به پیش بینی های تحلیلگران مالی تحقق ببخشند. بنابراین، اگر حسابرسی موسسه های بزرگ کیفیت بیش تری داشته باشند، باید انتظار داشت خطاهای پیش بینی تحلیلگران در شرکت هایی که توسط موسسه های کوچکتر رسیدگی شدند، بیشتر باشد. دیویدسون در تحقیق خود این موضوع را تایید می کند. دای(۱۹۹۳: ۲۳) و لینوکس(۱۹۹۹: ۴) نیز در تحقیق های خود به همین نتیجه رسیدند(سجادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴).

۲-۱۶- چارچوب کیفیت خدمات حسابرسی

در گذشته نه چندان دور تلاش هایی در رابطه با تعریف کیفیت حسابرسی صورت گرفته با این وجود در سطح عمومی مورد قبول واقع نگردید و این خود حکایت از این دارد که کیفیت حسابرسی تعریفی پیچیده داشته و بیانگر این دیدگاه است که افراد مختلف برداشت های متفاوتی نسبت به تعریف کیفیت حسابرسی در ذهن خود می پرورانند با این وجود به دیدگاه برخی از صاحب نظران در ذیل اشاره گردیده است. کیفیت حسابرسی قبل از انجام حسابرسی و یا در حین حسابرسی امکان اندازه گیری و مشاهده ندارد و برای اینکه بتوان کیفیت حسابرسی را ارزیابی نمود نیاز به متغیرهایی خواهد بود (تیتمن و ترومن، ۱۹۸۶: ۱۶). اندازه موسسات حسابرسی رابطه ای مستقیم و مثبتی با کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی وجود دارد زیرا موسسات بزرگ حاضر به قبول زیان ناشی از قصور در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت، نمی باشد به عبارت دیگر کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی کوچک پایتتر و کمتر از کیفیت حسابرسی در موسسات بزرگتر می باشد (دی آنجلو، ۱۹۸۱: ۸). موسسات بزرگ حسابرسی از شهرت بالاتری برخوردارند و معمولا هزینه بیشتری را صرف آموزش کارکنان خود به منظور ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت تر می نمایند و کنترل کیفی قوی تری دارند. این موسسات برای افزایش کیفیت حسابرسی خود، سرمایه گذاری زیادی می کنند (دوپوچ و سیمونیک، ۱۹۸۰: ۲۱). همچنین براساس تحقیقات صورت گرفته نشان می دهد که رابطه مثبتی بین اعتبار موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی این موسسات وجود دارد (تیتمن و ترومن، ۱۹۸۶: ۱۶). تحقیقات عملی انجام شده از سوی پژوهشگران نشان می دهد که اعداد و ارقام حسابداری توانایی پیش بینی دارند و بر این اساس می توان این قابلیت اطلاعات را به عنوان یکی از ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری بیان نمود (هندریکسن و بردا، ۱۹۹۱: ۲). از دیدگاه حسابرسان توانایی های حسابرسان و انگیزه های اقتصادی ایشان بر کیفیت حسابرسی موثر است. همچنین حسابرسان حرفه ای و مجرب درک بالاتری از اشتباهات مرتکب شده در صورت های مالی دارند که این امر می تواند کیفیت تصمیمات حسابرسی را افزایش دهد (لیبی و فردریک، ۱۹۹۰: ۳). از آنجا که حسابرسان با توجه به مسئولیتی که در سطح جامعه بر عهده دارند، در برابر تک تک افراد جامعه مسئولیتی خطیر بر عهده دارند و نیز با هدف نهایی حسابداری در سطح جامعه، جهت اندازه گیری و گزارشگری منافع همواره در حال تعامل بین جامعه و واحد تجاری، با صراحت تمام می توان اظهار نمود که فعالیت حسابرسی و حسابرسان را می توان بخشی از سرمایه جامعه دانست (نقش اجتماعی حسابرسان در سطح جامعه). به این معنی

که از یک سو حسابرسان با ارائه خدمات با کیفیت حسابرسی و توانایی در جلب اعتماد عموم جامعه و از سوی دیگر افراد جامعه با داشتن افرادی همچون حسابرسانی که خدماتی با بالاترین کیفیت ممکن ارائه می نمایند موجب پیدایش اعتماد دو سویه هم برای حسابرسان که موجب تلاش هر چه بیشتر ایشان در ارائه خدمات با کیفیت مورد انتظار امعه و کسب اعتماد عمومی جامعه و از سویی جامعه که نیاز به حسابرسانی دارند که به دلایلی همچون حفظ مشتری و تامین هزینه های موسسات حسابرسی از ارائه خدمات با کیفیت حسابرسی در سطح پایتتر از سطح انتظارات جامعه و نهایتا صدور گزارش هایی بی کیفیت خودداری می نمایند موجب ایجاد و پیدایش این سرمایه عمومی برای جامعه و حسابرسان می گردد. تفاوت موجود در سطح کیفیت حسابرسی حسابرسان، به میزان کیفیت مورد نظر صاحبکار بستگی دارد که از هزینه نمایندگی و مباشرت نشات می گیرد و صاحبکار حاضر به قبول آن می باشد تخصص حسابرس در صنعت که شامل پدید آوردن تفکرات و ایده های خلاقانه به منظور کمک به صاحبکاران(ایجاد ارزش افزوده) و ارائه راهکارهای مناسب و موثر در رابطه با مشکلات موجود در صنایع مورد رسیدگی که صاحبکاران با آن ها مواجه می باشند، است(دی آنجلو، ۱۹۸۱: ۸). تخصص حسابرس در صنعت که شامل پدید آوردن تفکرات و ایده های خلاقانه به منظور کمک به صاحبکاران(ایجاد ارزش افزوده) و ارائه راهکارهای مناسب و موثر در رابطه با مشکلات موجود در صنایع مورد رسیدگی که صاحبکاران با آن ها مواجه می باشند، است(حکیم و همکاران، ۲۰۱۶: ۹).

۲-۱۷- سنجش کیفیت حسابرسی

سنجش کیفیت حسابرسی در ایران و جهان با یکدیگر تفاوت دارند. در مورد رتبه بندی کیفیت موسسات حسابرسی نمی توان بین موافقین و مخالفین جانبداری کرد. در کشور ما ایران این تصمیم با توجه موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حال حاضر گرفته شده است. همان طور که موسسات حسابرسی در هنگام اظهارنظر بایستی نسبت به اثرات اقتصادی واجتماعی در جامعه در بیان اظهار نظر خود توجه زیادی کنند، تصویب کنندگان این تصمیم بزرگ تاثیرات اجتماعی واقتصادی این دستورالعمل را مسلما در نظر گرفته اند. بیان این مطلب در برخی تحقیقات انجام شده در طی سال های گذشته در مورد رتبه بندی موسسات حسابرسی و استفاده از اصطلاح هایی در خصوص اعمال فعالیت ها به شکل واژه پدرسالاری و یا عدم اجرای فعالیت های گروهی در بین موسسه های ایرانی و موارد از این دست شایسته به نظر نمی رسد. اینکه در خارج از ایران

بخصوص در امریکا در مورد موسسات مالی و حسابرسی این عمل به نحو انجام نمی گیرد، شاید به دلیل این است که از ابتدا قوانین سخت و سنگینی برای ایشان در خصوص عدم اجرای کنترل کیفیت اعمال نموده اند. در ایران با انجام رتبه بندی، موسسات مالی و حسابرسی مجبور به اعمال و ایجاد یک خانه تکانی اساسی و انقلابی در اجرای هر چه بهتر و کامل تر کنترل کیفیت در اجرای خدمات مالی و حسابرسی شوند. در همین چارچوب و با توجه به تغییر و تحولات فراوان که اخیرا در زمینه حسابرسی در ایران ایجاد شده و پیدایش موسسات حسابرسی با وضعیت های گوناگون که ملزم به عضویت در جامعه حسابداران رسمی ایران می باشند، و با رشد و گسترش بازارهای مالی و افزایش نیاز روز افزون استفاده کنندگان به اطلاعات معتبر و قابل اتکا، می توان این پیشنهاد را ارائه نمود که با توجه به تحقیقات تخصصی انجام شده در این زمینه در بسیاری از کشورها و از سوی محققین به نام بین المللی و داخلی، عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی به شکلی یکپارچه و واحد از نظر کیفیت واقعی حسابرسی که منجر به کشف و گزارش اشتباهات و تحریف های با اهمیت در گزارشگری شده و همچنین از نظر برداشت هایی که از کیفیت حسابرسی صورت گرفته که منجر به اعتماد استفاده کنندگان اطلاعات به گزارش های مالی و حسابرسی می شود، شناسایی کنیم (مهران پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲).

۲-۱۸- ویژگی های حسابرسی باکیفیت

- رهنمودهای کیفیت حسابرسی، کیفیت را مرتبط با چند ویژگی ذاتی و اصلی حسابرسی به شرح زیر می داند:
- اهمیت: موضوع حسابرسی شده تا چه میزان حائز اهمیت است. این معیار می تواند از طریق اندازه مالی واحد مورد حسابرسی و تأثیری مورد ارزیابی قرار گیرد که عملکرد آن واحد بر عموم جامعه یا بر موضوع های اصلی مالی دارا است،
 - قابلیت اعتماد: آیا نتایج و یافته های حسابرسی، انعکاسی صحیح از شرایط واقعی موضوع بررسی شده می باشند؟ آیا تمام اظهارات گزارش حسابرسی یا سایر گزارش ها، به طور کامل بر مبنای داده های جمع آوری شده در حسابرسی هستند؟
 - بی طرفی: آیا حسابرسی به صورت منصفانه و به دور از تبعیض، انجام شده است؟ آیا حسابرس، ارزیابی و نظرات خود را بر مبنای حقیقت و تجزیه و تحلیل های صحیح انجام داده است؟

- دامنه: آیا کار حسابرسی به طور کامل عناصر موردنیاز حسابرسی موفق را برنامه ریزی و اجرا کرده است؟

- به موقع بودن: آیا نتایج حسابرسی در زمانی مناسب ارائه شده است که برای تصمیم گیری ها یا اصلاح ضعف های مدیریت مورد نیازند؟

- وضوح: آیا گزارش حسابرس در ارائه نتایج، شفاف و مختصر است؟ این مورد شامل اطمینان از این است که دامنه، یافته ها و هرگونه پیشنهاد، برای استفاده کنندگانی قابل فهم باشند که در زمینه موضوع های مطرح شده، از دانش کافی بهره مند نیستند.

- کارایی: آیا منابع تخصیص یافته به حسابرسی، با توجه به اهمیت و پیچیدگی کار، منطقی بوده اند.

- اثربخشی: آیا یافته ها، نتایج و نظریه های واحد حسابرسی شده، دولت و سایرین، بیانگر واکنشی مناسب است؟

بنابراین، مؤسسات حسابرسی باید سیاست ها، سیستم ها و رویه هایی را به کار ببندند که عوامل کیفی پیش گفته را تقویت و در کلیه مراحل حسابرسی، شامل پذیرش کار، زمانبندی کار، برنامه ریزی، اجرا، ارزیابی یافته ها، نتیجه گیری، گزارش دهی و پیشنهاد های حسابرسی، کنترل های کیفیت را اجرا کنند. جنبه های کیفیت حسابرسی در میان استفاده کنندگان، با توجه به میزان درگیری و دخالت مستقیم آنان در حسابرسی ها و معیار سنجش کیفیت حسابرسی، متغیر است (رهنمود های کیفیت حسابرسی، ۲۰۰۴: ۱).

۲-۱۹- عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی

۱- مؤسسات حسابرسی

حسابرسان، برای مؤسسات حسابرسی کار می کنند و نتیجه فرآیند حسابرسی، گزارش حسابرسی است که به نام مؤسسه حسابرسی و به همراه صورت های مالی حسابرسی شده صاحبکار، صادر می شود و می توان آن را به عنوان ستانده مشترک نهاده های صاحبکار و قضاوت های حسابرسی دانست (گیبینز و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۳). این مؤسسات حسابرسی هستند که کارکنان حسابرسی را استخدام می کنند، آموزش می دهند و برنامه ها و آزمون های حسابرسی را طراحی کرده و از جبران خدمات و سایر خط مشی های سازمانی، به عنوان رهنمودی برای فرآیند گردآوری شواهد استفاده می کنند. مؤسسات حسابرسی، ساختارهای اداری داخلی را به منظور

اطمینان از کیفیت و رعایت خط مشی های حسابرسی خود، طراحی و اجرا می کنند. بنابراین، مؤسسات حسابرسی هستند که در تیر رس انتقادات مربوط به کیفیت حسابرسی قرار دارند. ویژگی های مؤسسات حسابرسی و رابطه آن ها با کیفیت، در پژوهش های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. فرانسیس (۲۰۰۴: ۲)، شکل گیری ادبیات این پژوهش ها را با تقسیم بندی مؤسسات کوچک و بزرگ، مرور کرده است. از منابع اصلی تفاوت بین مؤسسات حسابرسی، تخصص مؤسسه در صنعت خاص است که در پژوهش هایی مورد بررسی قرار گرفت که از گروه مشتریان مؤسسه حسابرسی به عنوان معیار اندازه گیری تخصص مؤسسه در صنعت خاص استفاده شد. مؤسساتی که تعداد زیادی از صاحبکاران آن ها در صنعتی خاص فعالیت می کردند، به عنوان متخصص رسیدگی در آن صنعت شناخته می شدند. فرانسیس (۲۰۱۱: ۵)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اندازه مؤسسات حسابرسی و نه تخصص در صنعت خاص، محرک اصلی کیفیت حسابرسی است.

۲- نهاده های حسابرسی

دو نهاده اصلی در فرآیند حسابرسی عبارت اند از افراد گروه رسیدگی و آزمون های حسابرسی که به منظور گردآوری شواهد انجام می شوند. کیفیت حسابرسی هنگامی افزایش می یابد که کار رسیدگی، به افراد شایسته محول شود. درحالی که ممکن است به گونه منطقی فرض شود که شایستگی حسابرسان بر اساس الزامات آموزش عمومی و گواهینامه های حرفه ای تعیین می شود، اما واقعیت این است که شناخت بسیار اندکی از افرادی وجود دارد که کار حسابرسی انجام می دهند. همچنین به رغم اهمیت بنیادی شواهد حسابرسی (دومین نهاده در فرآیند حسابرسی)، در زمینه کیفیت حسابرسی، شناخت از آن کافی نیست. قابلیت اتکا و مربوط بودن شواهد گردآوری شده، دو موضوع مهمی هستند که باید نسبت به آن شناخت کسب شود. به عنوان نمونه، اخذ تأییدیه حساب های دریافتی، از آزمون هایی است که طبق استانداردهای حسابرسی، الزامی شده است. اما نتایج چند مطالعه نشان داده است که این آزمون لزوماً شواهد قابل اتکایی را برای حسابرسان فراهم نمی کند (فرانسیس، ۲۰۱۱: ۵).

۳- فرآیند حسابرسی

فرآیند حسابرسی، نحوه به کار گرفتن نهاده های حسابرسی را نشان می دهد. فرآیند حسابرسی شامل تصمیمات و قضاوت هایی است که حسابرسان در رابطه با برنامه ریزی، گردآوری شواهد و تفسیر شواهد

به منظور احراز الزامات گسترده استانداردهای حسابرسی، اتخاذ می کنند تا شواهد کافی و قابل اطمینان به عنوان پشتوانه اظهار نظر خود فراهم آورند. پژوهش های انجام شده در زمینه فرآیند حسابرسی، بر اساس مبانی اقتصادی هستند و فرآیند حسابرسی را به عنوان تابع تولید در نظر گرفته اند. هدف آن ها درک نهاده های فرآیند تولید (ساعات کار و گروه رسیدگی کننده)، کارایی این نهاده ها و جانشینی آن ها در شرایط حسابرسی مختلف است (فرانسیس، ۲۰۱۱: ۵).

۴- صنعت حسابرسی و بازارهای حسابرسی

مؤسسات حسابرسی، یک صنعت را تشکیل می دهند. ساختار هر صنعت می تواند رفتار اقتصادی در بازارها (مانند میزان کیفیت محصول و قیمت گذاری خدمات) را تحت تأثیر قرار دهد. به رغم اهمیت بالقوه ساختار صنعت در زمینه اداره اقتصادی مؤسسات حسابرسی، پژوهش های اندکی در این حوزه انجام شده است. اگرچه تسلط مؤسسات بزرگ، احتمالاً پیامد منطقی صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس است، اما قانون گذاران نگرانی هایی را در خصوص رشد تسلط بازار توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ و تأثیر منفی احتمالی آن بر کیفیت حسابرسی (به دلیل نبود رقابت) ابراز کرده اند (فرانسیس، ۲۰۱۱: ۵).

۵- نهادها و سازوکارها

آرایشات نهادی، به نظام قانونی کشور اشاره دارد که مسئولیت های قانونی حسابرسان را مشخص می کند. هر کشوری، نهادهای منحصربه فرد خود را دارد که مقررات گذاری و نظارت بر حسابرسان را بر عهده دارند. به عنوان نمونه، در ایالات متحده نهادها، شامل هیأت های ایالتی حسابداری است که به حسابرسان گواهینامه می دهد، یا انجمن حسابداران خبره که آزمون های اعطای گواهینامه را طراحی می کند و استانداردهای حسابرسی را برای شرکت های پذیرفته نشده در بورس تدوین می کند. نهادها همچنین، شامل هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی می شود که استانداردهای حسابداری مالی را تدوین می کند. کمیسیون بورس و اوراق بهادار برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اقدام به وضع مقررات می کند و حسابرسی این شرکت ها را نیز الزامی کرده است. همچنین کمیسیون بورس و اوراق بهادار، حسابرسان معتمد بورس را تعیین می کند و قدرت تنبیه حسابرسان و مؤسسات حسابرسی مشارکت کننده در گزارشگری گمراه کننده شرکت های عضو بورس اوراق بهادار را در اختیار دارد. حسابرسانی که شرکت های عضو بورس اوراق بهادار را حسابرسی می کنند، مشمول مقررات هیأت نظارت بر حسابداری شرکت های سهامی عام نیز می باشند که استانداردهای حسابرسی

مربوط به شرکت های عضو بورس را منتشر می کند و مؤسسات حسابرسی را در قالب مأموریت کنترل کیفیت خود، بازرسی می کند. علاوه بر این، سازوکارهای نهادی مهم دیگری هم وجود دارد که علاوه بر حسابرسی مستقل، نظارت بر شرکت ها را فراهم می کند. وظایف اعضای هیأت مدیره و کمیته های حسابرسی در راستای اجرای اصول راهبری شرکت ها، نمونه هایی از این سازوکارها می باشند. این سازوکارهای راهبری می توانند بر حسابرسی مستقل نیز تأثیر داشته باشند (فرانسیس، ۲۰۱۱: ۵).

۶- پیامدهای اقتصادی ستانده های حسابرسی

یکی از ابعاد ارزیابی جامع کیفیت حسابرسی، بررسی پیامدهای اقتصادی ستانده های حسابرسی بر شرکت ها و استفاده کنندگان برون سازمانی است. تجزیه و تحلیل اقتصادی ستانده های حسابرسی از آن جهت حائز اهمیت است که ارزشمندی و محتوای اطلاعاتی گزارش های حسابرسی و پیامدهای اقتصادی آن را نشان می دهد (فرانسیس، ۲۰۱۱: ۵).

۲-۲۰- رابطه بین اجزای کیفیت حسابرسی

همان طور که در قسمت های قبلی بحث شد، کیفیت حسابرسی را در دو بخش یعنی توانایی نظارت حسابرس و حسن شهرت حسابرس، تعریف نمودیم. توانایی نظارت حسابرس به توانایی حسابرس برای بهبود کیفیت اطلاعات و اثبات مشکلات اندازه گیری مستقیم مربوط می شود. حسن شهرت حسابرس بر مبنای شناخت ذینفعان قرار دارد. از دیدگاه نظری چندین دلیل برای رابطه مستقیم مورد انتظار بین حسن شهرت حسابرس، که شاخص آن اندازه موسسه حسابرسی می باشد و توانایی نظارت حسابرس وجود دارد. حسابرسان بزرگتر، صاحبکاران بیشتری دارند و این امر موجب وقوع زیان های بیشتر از عملکرد حسابرسی با کیفیت می شود. همچنین دی آنجلو (۱۹۸۱: ۸) استدلال می کند که هزینه های ارزیابی کیفیت سبب می گردد تا حسابرسان در یکنواخت نمودن سطح کیفیت متخصص گردند. موسسه های حسابرسی بزرگ در واکنش به هزینه های ارزیابی و هزینه های کاهش استقلال ایجاد شدند. از این رو براساس استدلال وی، استقلال حسابرس از کیفیت حسابرسی مشتق می گیرد (سوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷).

یک استدلال مرتبط اما متمایز، این است که مؤسسات حسابرسی می توانند در مقام مقایسه با مؤسسات کم اعتبارتر و کوچک تر حسن شهرت بیشتری را وثیقه گذارند و با احتمال کمتری از اشتباهات با اهمیت با

مخاطره دعوی حقوقی چشم پوشند. سایر استدلال ها به قابلیت استفاده از منابع مربوط می شود. برای مثال دوپاچ و سیمونیچ (۱۹۸۰: ۹) استدلال می کنند که کیفیت حسابرسی تابعی از تعداد رویه های حسابرسی انجام شده و تعداد حسابرسان می باشد و موسسات حسابرسی بزرگ بطور واضح منابع بیشتری را برای هدایت آزمون های حسابرسی دارند به هر حال، بکارگیری منابع برای بالابردن کیفیت حسابرسی از قابلیت استفاده منابع مهمتر است. در هر صورت دیویدسون و نئو (۱۹۹۳: ۱۱) بیان می کنند که اکثر پژوهش های تجربی کیفیت محصول این فرض هستند که حسابرسان بزرگتر (دارای نام تجاری) در مقایسه با حسابرسان کوچکتر (فاقد نام تجاری) توانایی نظارت بیشتری دارند. فرانسیس و همکارانش (۱۹۹۹: ۱۲) ثابت کردند که حسابرسان دارای نام تجاری با احتمال زیاد بوسیله صاحبکارانی که تمایل درونی بیشتر برای مدیریت سود دارند (یعنی صاحبکاران با ذخایر بیشتر) ابقا می شوند. همچنین آن ها دریافتند حتی اگر حسابرسی شوندگان، حسابرسان دارای نام تجاری میزان بالاتری از ذخایر را داشته باشند، باز هم آن ها مبالغ کمتری از ذخایر احتیاطی را ارائه می دهند (سوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷).

۲-۲۱- رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر

کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی

موسسات حسابرسی معمولا بر اساس اندازه، به دو نوع شرکت های بزرگ حسابرسی و شرکت های کوچک حسابرسی طبقه بندی می شوند. بارها کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی مورد بحث قرار گرفت. بنابر استدلال دی انجلو (۱۹۸۱: ۸) شرکت های بزرگ حسابرسی کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. از زمان دی آنجلو به بعد بسیاری از مطالعات ادعا کردند که این مفهوم منطقی است (برگولند و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۶؛ دیچو و اسکراند، ۲۰۰۴: ۲۱؛ اشلمان و گیو، ۲۰۱۴: ۱۵؛ گیجر و راما، ۲۰۰۶: ۱۹؛ لنوکس، ۱۹۹۹: ۸). از آنجا که موسسات بزرگ حساب رسی دارای منابع متمایز، توانایی های فناوری و فنی بالاتری هستند قادرند خدمات خود را از سایر موسسات حسابرسی، جهت ارائه حسابرسی با کیفیت تر، متمایز کنند (سیرویس، ۲۰۰۹: ۱۳). این مطالعه به بررسی چگونگی تاثیر نوع حسابرس بر کیفیت حسابرسی می پردازد و نتایج تحقیقات پیشین را بسط می دهد. در مرحله اول، تحقیقات موجود در زمینه حسابرسی به تاثیر شرکت های حسابرسی بزرگ بر مدیریت سود پرداختند، اما مطالعه ما به دنبال ارتباط سایر انواع حسابرس با مدیریت سود به عنوان یک

پروکسی معکوس کیفیت حسابرسی است. مطالعه ما با ارائه شواهد نشان می دهد که شرکت های حسابرسی وابسته به موسسات حسابرسی خارجی کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. در ثانی، در بیشتر تحقیقات قبل از شرکت های بزرگ حسابرسی به عنوان پروکسی کیفیت حساب رسی استفاده شده است، اما ما با استفاده از محیط قانونی کاملاً محدود دامنه تحقیقاتی در این زمینه را گسترش دادیم (عبدالهک و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۳).

نتایج ما نشان می دهد که شرکت های بزرگ حساب رسی با کیفیت حسابرسی ارتباط ندارند. ثالثاً، در محیط دارای ضعف سازمانی و قانونی نوع حسابرس (حسابرسان محلی، دولتی و حسابرسان وابسته به حسابرسان خارجی) بر کیفیت حسابرسی تأثیر می گذارد. در این حالت، نتایج ما نشان می دهد که موسسات حسابرسی داخلی (وابسته به خارج از کشور) دارای ارتباط منفی (مثبت) با کیفیت حسابرسی هستند. نتایج ما نشان می دهد که نه تنها شرکت های بزرگ حسابرسی بلکه سایر حسابرسان خارجی مانند حسابرسان رده دوم و سوم نیز باید به عنوان عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شوند. برخلاف این تصور دیرینه، آرتور اندرسن شواهد غیرقابل انکاری از کیفیت حسابرسی ضعیف شرکت های حسابرسی بزرگ ارائه داد. آرتور اندرسن تا زمان رسوایی انرون یکی از پنج شرکت بزرگ حسابرسی و حساب داری در دنیا بود. انرون در سال ۲۰۰۱ قبل از ورشکستگی، یکی از شرکت های پیشرفته در زمینه های: برق، گاز طبیعی، ارتباطات و کاغذ در ایالت متحده امریکا و جهان بود. تخلفات حسابداری بزرگی در انرون رخ داد که آرتور اندرسن نتوانست آن را شناسایی کند و این یکی از بزرگترین شکست های حسابرسی در آن زمان بود (لی، ۲۰۱۰: ۱۳؛ نلسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۷). در نتیجه، مطبوعات مالی و مردم از حرفه حسابرسی انتقاد می کنند و سطح کیفیت شرکت های بزرگ حسابرسی را زیر سوال می برند. بر اساس این انتقادات، خودتنظیمی حرفه حسابرسی خاتمه یافته و قانون ساربینز- آکسلی تصویب شد. هیئت نظارت حساب داری شرکت سهامی عام برای نظارت بر حرفه حسابرسی تاسیس شد (فرانسیس، ۲۰۰۴: ۲۲). علاوه بر آنچه در دنیای واقعی ثبت شده است در تحقیقات پیشین شواهد قطعی و مشترکی در مورد کیفیت حسابرسی شرکت های بزرگ حسابرسی ارائه نشد. برای مثال لارنس و همکاران (۲۰۱۱: ۱۱) گزارش دادند که بر اساس سه پروکسی کیفیت حسابرسی شرکت های بزرگ حسابرسی با شرکت های کوچک حسابرسی تفاوت چندانی ندارند. برگلوند و همکاران (۲۰۱۸: ۹) به این نتیجه رسیدند که شواهد تجربی در مورد ارتباط بین نظر حسابرس برای ادامه فعالیت و اندازه حسابرس قابل استنتاج نیست (الدیاستی و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵).

فوئرمین (۲۰۰۴: ۴) بر ای عقیده است که ادعایی که دی انجلو (۱۹۸۱: ۸) کرد کاملاً معتبر نیست، بنابراین لازم است که یک نظریه جامعه تری در مورد کیفیت حسابرسی تدوین شود. او نشان می دهد که کیفیت حسابرسی صرفاً تابعی از اندازه ی حسابرس است و سایر پارادایم هایی مانند جنبه های رفتاری، اخلاقی و فرهنگی باید مد نظر قرار گرفته شود. علاوه بر این، در تحقیقات خبر از یک تغییر در طبقه بندی شرکت های حسابرسی داده شد. طبقه بندی قدیمی شرکت های حسابرسی به دو گروه کوچک و بزرگ برای توصیف دقیق بازار حسابرسی مناسب نیست. در اینجا، مفهوم رده دوم برای تقسیم شرکت های حسابرسی کوچک به دو گروه دیگر ظاهر شد. بنابراین، چهار موسسه حسابرسی بزرگ نمایندگان رده اول هستند و چهار شرکت حسابرسی بعدی در رده دوم قرار می گیرند. دیگر شرکت های حسابرسی در رده های شرکت های کوچک قرار می گیرند (دی رابین، ۲۰۱۱: ۱۲؛ هردا و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۳).

۲-۲۲- پیشینه تحقیقات

۲-۲۲-۱- پیشینه داخلی

نبی زاده و همکاران (۱۳۹۹: ۱۹)، در پژوهشی به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق نشان می دهد، ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تداوم دوره تصدی حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر منفی و معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص موسسه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر منفی و معناداری دارد ولی نتیجه ای مبنی بر تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی یافت نشد.

مرادیان و همکاران (۱۳۹۹: ۱۰)، در پژوهشی به بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر انتخاب حسابرس بزرگ و شفافیت اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل بیان می کند که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر انتخاب حسابرس بزرگ دارد، ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر شفافیت اطلاعات حسابداری دارد، برهم کنش بین ارتباطات سیاسی و حضور حسابرس بزرگ اثر معناداری بر شفافیت اطلاعات حسابداری ندارد.

ارجمند (۱۳۹۹: ۱۲)، در پژوهشی به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر کیفیت حسابرس و شفافیت حسابداری شرکت ها با تاکید بر ساختار مالکیت پرداخت. نتایج فرضیه ها نشان داد ارتباطات سیاسی با اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس رابطه معکوس و معناداری دارد. و با تخصص حسابرس در صنعت رابطه معناداری ندارد. همچنین سهامداران نهادی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و اندازه موسسه حسابرسی تاثیر ندارد. اما تمرکز مالکیت بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و اندازه موسسه حسابرسی تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین سهامداران نهادی و تمرکز مالکیت بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و تخصص حسابرس در صنعت تاثیر ندارد. و همچنین سهامداران نهادی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و دوره تصدی حسابرس بی تاثیر بوده و تمرکز مالکیت بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و دوره تصدی حسابرس تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد بین ارتباطات سیاسی و شفافیت حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد.

متین فرد و همکاران (۱۳۹۹: ۵۵)، در پژوهشی به بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر انتخاب حسابرس بزرگ و شفافیت اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر انتخاب حسابرس بزرگ دارد، ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر شفافیت اطلاعات حسابداری دارد، و اینکه برهم کنش بین ارتباطات سیاسی و حضور حسابرس بزرگ اثر معناداری بر شفافیت اطلاعات حسابداری ندارد.

عبدی و همکاران (۱۳۹۹: ۳۷)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین ساختار هیات مدیره و مالکیت با ریسک سقوط قیمت سهام با تاکید بر کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج نشان داد بین تمرکز مالکیت و مالکیت مدیریتی با خطر سقوط سهام رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین دوگانگی وظیفه و خطر سقوط قیمت سهام رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. همچنین کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر معنی داری دارد.

رضوی و همکاران (۱۳۹۸: ۸۱)، در پژوهشی به بررسی تاثیر مسولیت اجتماعی شرکت بر ریسک سقوط سهام با نقش تعدیل کنندگی قدرت مدیریتی پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های شرکت ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می دهد که نسبت کارکنان به کل دارایی و نسبت هزینه تحقیق، توسعه و فروش به عنوان اجزای مسولیت اجتماعی شرکت تاثیر معناداری بر ریسک سقوط سهام شرکت

های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد و همچنین سایر نتایج نشان می دهد که قدرت مدیریتی تاثیر معنادار و منفی بر ریسک سقوط سهام شرکت های بورسی دارد و قدرت مدیریتی بر رابطه بین نسبت هزینه تحقیق، توسعه و فروش و ریسک سقوط سهام شرکت ها تاثیر تعدیل کننده و معناداری دارد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۶: ۴۰)، در پژوهشی به بررسی اثر هموارسازی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. در واقع محقق در پژوهش حاضر به دنبال پاسخی برای این سوالات بود که آیا هموارسازی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر گذار است و سهامداران نهادی، می تواند این تاثیر را تعدیل نمایند به منظور یافتن پاسخ سوالات طرح شده؛ اطلاعات ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که برای یک قلمروی شش ساله (از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۵) انتخاب شده بودند، استخراج و آزمون های آماری لازم بر روی آنان صورت گرفت. یافته های پژوهش بیان داشت که هموارسازی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر مثبت و معناداری دارد. اما از نظر آماری؛ تاثیر سهامداران نهادی در تعدیل اثر هموارسازی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام معنادار نبود

فروغی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۴)، در تحقیقی تأثیر سررسید بدهی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام را مورد بررسی قرار دادند. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش تعداد ۱۰۲ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ انتخاب گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سررسید بدهی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام تأثیر منفی دارد. به بیان دیگر با کوتاه تر شدن سررسید بدهی احتمال ریسک سقوط قیمت سهام نیز کاهش پیدا می کند

محفوظی و همکاران (۱۳۹۵: ۲۷)، در تحقیقی به بررسی تأثیر ثبات سرمایه گذاری نهادی بر ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش از ۶۶ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که بین ثبات سرمایه گذاری نهادی و ریسک سقوط قیمت سهام ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

رفیع زاده و همکاران (۱۳۹۵: ۳۴)، در تحقیقی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیأت مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره

زمانی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ پرداختند. براساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۳۳۶ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب و براساس جدول مورگان تعداد ۷۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد. نتایج تحقیق نشان داد بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ی معناداری وجود دارد. ارتباطات سیاسی هیأت مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

داودی نصر و همکاران (۱۳۹۴: ۱۶)، در تحقیقی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ پرداختند. نمونه آماری مشتمل بر ۹۶ شرکت می باشد که با روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است که در مجموع ۴۸۰ سال - شرکت بودند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی شرکت ها بر مؤلفه های مدیریت سود براساس ارقام تعهدی اختیاری تأثیرگذار است و همچنین ارتباطات سیاسی شرکت ها بر مؤلفه های مدیریت سود تأثیرگذار است.

۲-۲۲-۲- پیشینه خارجی

فانگ و همکاران (۲۰۲۰: ۴۲)، در مطالعه ای به بررسی اثر تعدیلی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت ها پرداختند. برای این منظور آنها ۶۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کشور تایوان را در دوره زمانی بین سال های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۶ مورد مطالعه قرار دادند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که اولاً رابطه معناداری بین ارتباطات سیاسی و ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت ها وجود دارد. دوماً، رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت های تایوانی تحت تاثیر کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها می باشد.

الدیاستی و همکاران (۲۰۲۰: ۱۵)، در مقاله ای به بررسی تاثیر نوع حسابرس بر کیفیت حسابرسی در بازارهای نوظهور پرداختند. برای این منظور آن ها شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار کشور مصر را در دوره زمانی بین سال های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که کیفیت حسابرسی شرکت ها تحت تاثیر وابستگی به حسابرس خارجی می باشد هر چند، حسابرسان دارای شهرت

بالاتر، کیفیت حسابرسی بالاتری را نسبت به دیگر حسابرسان ارایه نمی دهند. علاوه بر این، ارتباطات سیاسی شرکت ها و حسابرسی های دولتی می تواند در نهایت منجر به ارتقای کیفیت حسابرسی شرکت ها شود. چائوهان و همکاران^۱ (۲۰۱۹: ۲۵)، در مطالعه ای به بررسی نقدشوندگی سهام و ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. دوره زمانی پژوهش بین سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۲ بود که در مجموعه ۳۵ هزار سال-شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد در شرکت های هندی نقدشوندگی بالاتر سهام شرکت ها با ریسک افت آتی قیمت سهام پایین تر شرکت ها همراه است. این ارتباط از نظر اقتصادی و آماری معنادار بوده است. حتی، زمانی که شاخص های دیگری برای نقدشوندگی سهام و ریسک افت قیمت سهام شرکت ها در نظر گرفته شد، این ارتباط هم چنان منفی به دست آمد.

اوجکان و همکاران^۲ (۲۰۱۸: ۶۱)، در تحقیقی به بررسی کمیته حسابرسی و کیفیت گزارش دهی مالی پرداختند. هدف این مقاله بررسی اثر وجود کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارش دهی مالی و همچنین بررسی ارزش اثربخشی نظارت کمیته حسابرسی و شایستگی این کمیته بر خود کمیته حسابرسی می باشد. یافته ها نشان می دهد که اثر بخشی صلاحیت و شایستگی کمیته حسابرسی به صورت مثبت با کیفیت گزارش دهی مالی و به صورت منفی بر وجود کمیته حسابرسی موثر می باشد. بنابراین وجود کمیته حسابرسی لازم است ولی برای تقویت کیفیت گزارش دهی مالی کافی نیست

چائوهان و همکاران^۲ (۲۰۱۷: ۶۶)، در مطالعه ای به بررسی نقدشوندگی سهام و ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. دوره زمانی پژوهش بین سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۲ بود که در مجموعه ۳۵ هزار سال-شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد در شرکت های هندی نقدشوندگی بالاتر سهام شرکت ها با ریسک افت آتی قیمت سهام پایین تر شرکت ها همراه است. این ارتباط از نظر اقتصادی و آماری معنادار بوده است. حتی، زمانی که شاخص های دیگری برای نقدشوندگی سهام و ریسک افت قیمت سهام شرکت ها در نظر گرفته شد، این ارتباط هم چنان منفی به دست آمد.

¹ Chauhan et al

² Chauhan et al

الشاعر و همکاران (۲۰۱۷: ۵۱)، رابطه کمیته های حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی را در انگلیس بررسی کردند. هدف اصلی آن ها بررسی کیفیت افشای اطلاعات با تمرکز بر نقش کمیته های حسابرسی است. در این خصوص آن ها از اطلاعات ۳۵۰ شرکت انگلیسی طی سال های ۲۰۰۷ - ۲۰۱۱ استفاده کردند. یافته های آن ها نشان می دهد شرکت هایی که کمیته حسابرسی باکیفیت بالایی دارند، کیفیت افشای اطلاعات و گزارشگری مالی بالاتری دارند. علاوه بر این شرکت های بزرگ که دارای سهامداران عمده هستند، حجم بالایی از افشای اطلاعات را دارند هرچند که کیفیت کمیته حسابرسی بر حجم افشای اطلاعات تاثیری ندارد.

چیومینگ تی و همکاران (۲۰۱۷: ۴۶)، در مطالعه ای به بررسی نظارت نهادی، ارتباطات سیاسی و حق الزحمه های حسابرسی در شرکت های مالزیایی بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می دهد سرمایه گذاران نهادی دارای اثر مثبت و معناداری بر حق الزحمه های حسابرسی می باشند و این ارتباط مثبت در شرکت هایی با ارتباطات سیاسی قوی تر می باشد. آزمون های اضافی نشان می دهد سهامداران نهادی خارجی نیز دارای اثر معناداری بر حق الزحمه های حسابرسی می باشند.

کیم و همکاران (۲۰۱۶: ۳۴)، در مطالعه ایی به بررسی تاثیر اطمینان بیش از حد مدیران بر ریسک افت آتی قیمت سهام پرداختند. در واقع، هدف اصلی این مطالعه بررسی این موضوع بود که آیا ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت ها تحت تاثیر ویژگی های روانی مدیران می باشد یا خیر. قلمرو زمانی این پژوهش بازه زمانی بین سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰ می باشد. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد اطمینان بیش از حد مدیران دارای ارتباط مثبت و معناداری با ریسک افت آتی قیمت سهام خاص-شرکت می باشد.

دانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۶: ۳۹)، در مطالعه ای به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سررسید بدهی بر ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت ها تاثیر می گذارد یا خیر. آن ها دریافتند که نسبت بیشتر بدهی های کوتاه مدت منجر به کاهش ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت ها می شود. هم چنین، نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می دهد ارتباط معکوسی بین بدهی های کوتاه مدت و ریسک افت آتی قیمت سهام در بین شرکت هایی با حاکمیت شرکتی ضعیف تر، مالکیت نهادی پایین تر و درجه عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر مشاهده شد.

¹ Daung et al

انورا و همکاران (۲۰۱۶: ۲۱)، در تحقیقی به بررسی حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارش دهی مالی پرداختند. هدف این مقاله بررسی و ارزیابی سطح عملکرد برخی شرکت ها از نظر معیارهای حاکمیت شرکتی و اثر آن بر کیفیت گزارش دهی مالی می باشد. نتایج نشان می دهد که ساختار هیئت مدیره، تجربه هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی بیرونی اثر مثبتی بر کیفیت گزارش دهی مالی دارند. مدیران مستقل در هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی به صورت منفی بر کیفیت حسابرسی مالی اثر گذار بودند. یک رابطه کوتاه مدت میان کیفیت حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی) و کیفیت حسابرسی بیرونی (وجود حسابرسان بزرگ) و تجربه هیئت مدیره وجود دارد.

آنور، راسموسن و سی (۲۰۰۸: ۱۴)، تحقیقی تحت عنوان کیفیت حسابرسی، مکانیزم های نظارتی جایگزین و هزینه نمایندگی برای سال های (۱۹۹۹-۲۰۰۵) در بازار سهام تگزاس آمریکا میان ۸۷۴۰ شرکت انجام دادند. نتایج تحقیق آن ها بیانگر این است که شرکت هایی که از حسابرسان بزرگ دارای تخصص در صنعت استفاده کرده اند به طور چشمگیری هزینه نمایندگی پایین تری را نسبت به سایر شرکت های نمونه نشان می دهند. آن ها همچنین در تحقیق خود تفاوت منافع استفاده از حسابرسان متخصص در صنعت را با انسجام مکانیزم های نظارتی جایگزین مورد توجه قرار داده اند. آن ها به این نتیجه رسیدند که استفاده از حسابرسان متخصص، زمانی که مکانیزم های نظارتی جایگزین همچون هیئت مدیره یا مجمع سهامداران نسبتاً ضعیف هستند، دارای اهمیت است.

فصل سوم

روش شناسی پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری یکی از طرق مهم تجزیه و تحلیل است که برای تحقیقات و داده‌هایی به کار می‌رود که جنبه آماری داشته باشند. پس از گردآوری داده‌ها و استخراج و طبقه‌بندی آن‌ها مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها آغاز می‌شود. در این مرحله اطلاعات و داده‌ها در جهت آزمون فرضیه و ارزیابی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر اطلاعات و داده‌ها در مسیر هدف تحقیق، پاسخگویی به سؤال و سؤالات تحقیق و نیز ارزیابی فرضیه‌های تحقیق، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (خاکی، ۱۳۷۹). استفاده از روش‌های آماری با توجه به نوع و روش تحقیق و هدف محقق متفاوت است و نوع مقیاس اندازه‌گیری در انتخاب روش آماری مناسب تأثیر دارد. استفاده از روش‌های آماری در تجزیه و تحلیل کمی به دو شکل توصیفی و استنباطی انجام می‌گیرد آمار توصیفی را مفاهیمی از قبیل جدول توزیع فراوانی و نسبت‌های توزیع، نمایش هندسی و تصویری توزیع، اندازه‌های گرایش به مرکز، اندازه‌های پراکندگی و نظایر آن تشکیل می‌دهد که برای تبیین وضعیت پدیده یا مسئله، مورد استفاده قرار می‌گیرد و این کار باعث درک سریع‌تر خواننده یا بیننده از واقعیت و نحوه توزیع صفت می‌گردد. در تحلیل‌های آمار استنباطی هدف این است که نتایج حاصل از مطالعه گروه کوچکی به نام نمونه به گروه بزرگتری به نام جامعه تعمیم داده شود. این مهم با استفاده از آمار استنباطی و آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج آن انجام می‌گیرد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در این فصل ابتدا در مورد روش تحقیق بحث می‌شود، سپس با جامعه آماری، حجم نمونه و روش اندازه‌گیری و هم‌چنین ابزار جمع‌آوری اطلاعات آشنا شده و در نهایت پس از تشریح متغیرهای پژوهش و شیوه سنجش آن‌ها، در مورد روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و نحوه آزمون فرضیه‌ها بحث خواهد شد.

۳-۲- روش پژوهش

روش پژوهش این تحقیق از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است، که با استفاده از داده‌های مستخرج از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل رابطه‌ی همبستگی می‌پردازد. انجام این پژوهش در چهارچوب استدلال قیاسی- استقرایی صورت خواهد گرفت. علت استفاده از روش همبستگی کشف روابط همبستگی بین متغیرها است. تحقیق همبستگی یکی از انواع تحقیقات توصیفی است. در پژوهش حاضر ابتدا همبستگی بین متغیرهای پژوهش را مورد آزمون قرار داده و در صورت وجود

همبستگی بین متغیرهای پژوهش اقدام به برآورد مدل‌های رگرسیونی چندگانه خواهیم نمود. از سوی دیگر پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی (نیمه تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد. هم چنین این پژوهش از نوع مطالعه ای کتابخانه ای و تحلیلی- علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده های تابلویی (پانل دیتا) نیز می‌باشد. پژوهش از حیث هدف کاربردی و از حیث روش توصیفی- همبستگی قلمداد می‌شود.

۳-۳- فرضیه های پژوهش

بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت رابطه وجود دارد.
 کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد.
 کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد.

۳-۴- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند که از سال ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۸ در بورس فعال بوده اند. تعداد شرکت های فعال در بورس در این مقطع زمانی ۶۳۶ شرکت بوده است. با توجه به حجم نمونه بالا و دستیابی به یک حجم نمونه مناسب از روش غربالگری استفاده می کنیم. حجم نمونه با توجه به روش غربالگری برابر با ۱۵۱ شرکت در جدول ۳-۱ ارائه شده است:

جدول ۳-۱ حجم نمونه با توجه به روش غربالگری

۶۳۶		تعداد شرکت هایی که تا سال ۱۳۹۸ در بورس حضور داشتند
	(۱۴۷)	تعداد شرکت های که قبل و بعد از سال ۱۳۹۰ از بورس حذف یا وارد فرابورس شدند
	(۱۳۲)	تعداد شرکت هایی که طی بازه ۱۳۹۰-۱۳۹۸ توقف معاملاتی ۳ ماهه داشتند.
۳۵۷		تعداد شرکت های که بین سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۸ در بورس اوراق بهادار فعال بوده اند.
	(۹۴)	تعداد شرکت هایی که عضو شرکت های بخش مالی و خدماتی و بیمه و بانک ها و هلدینگ و... بوده اند
	(۸۶)	تعداد شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها منتهی به ۱۲/۲۹ نبوده است
	(۲۶)	تعداد شرکت هایی که اطلاعات مورد نیاز تحقیق آن ها در بازه زمانی در دسترس نبوده است یا ناقص بوده است
۱۵۱		تعداد شرکت هایی که اطلاعات آن ها کامل و در دسترس هستند.

تعداد شرکت هایی که اطلاعات آن ها طی دوره ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ کامل بوده است و به عنوان نمونه آماری تلقی می شوند ۱۵۱ شرکت و در مجموع ۱۳۵۹ سال-شرکت می باشند.

۳-۵- روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: ریسک سقوط قیمت سهام (CRASH)

به پیروی از کیم و همکاران (۲۰۱۶) و فانگ و همکاران (۲۰۲۰) از شاخص چولگی منفی برای اندازه گیری ریسک سقوط قیمت سهام استفاده شده است. برای دسترسی به این هدف، در ابتدا به محاسبه بازده های هفتگی شرکت ها پرداخته و سپس، شاخص سقوط اندازه گیری می شود. در این پژوهش به تخمین بازده های هفتگی $(W_{j,t})$ با استفاده از مدل بازار گسترش داده شده پرداخته شده است:

(۱)

$$r_{j,t} = c_0 + c_{1,j}r_{m,t-2} + c_{2,j}r_{m,t-1} + c_{3,j}r_{m,t} + c_{4,j}r_{m,t+1} + c_{5,j}r_{m,t+2} + \varepsilon_{j,t}$$

$r_{j,t}$: بازده سهام شرکت j در هفته t ؛

$r_{m,t}$: بازده هفتگی بازار (براساس شاخص بازار).

$\varepsilon_{j,t}$: باقیمانده مدل رگرسیونی.

پس از برازش مدل رگرسیونی فوق و خروج باقیمانده های مدل رگرسیونی (ε) برای هر شرکت از فرمول ذیل جهت تعیین دوره های سقوط استفاده شد.

(۲)

$$W_{j,t} = Ln(1 + \varepsilon_{j,t})$$

برای محاسبه شاخص اول از متغیر مجازی صفر و یک استفاده شده است. در صورتی که شرکتی در دوره جاری حداقل یک هفته را با ریسک افت آتی سپری نماید یک و در غیر این صورت صفر می باشد. برای اندازه گیری ریسک افت آتی هفتگی نیز به این صورت عمل می شود که وقتی انحراف معیار هفتگی شرکت پایین از $3/2$ دوره جاری باشد، دارای ریسک افت آتی است.

شاخص اندازه گیری چولگی منفی بازده هفتگی شرکت در طول سال مالی با استفاده از فرمول زیر محاسبه می شود. هر چه میزان به دست آمده بالاتر باشد، نشان از ریسک افت آتی بالاتر شرکت موردنظر در سال جاری دارد:

(۳)

$$NCSKEW_{j,t} = -[n(n-1)^{3/2} \sum W_{j,\tau}^3] / [(n-1)(n-2) (\sum W_{j,\tau}^2)^{3/2}]$$

$NCSKEW_{j,t}$: چولگی منفی بازده هفتگی سهام شرکت j در سال t .

n : تعداد هفته های بازده شرکت j در سال t .

$W_{j,\tau}$: بازده هفتگی شرکت j در سال t .

متغیر مستقل: ارتباطات سیاسی (PC)

متغیر مستقل در پژوهش حاضر، ارتباطات سیاسی می باشد که به پیروی از پژوهش نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) از متغیر مجازی مدیران سیاسی برای اندازه گیری آن استفاده شده است. مدیران سیاسی عبارتند از وجود اعضای هیئت مدیر و وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده دولتی و شبه دولتی در ساختار مالکیت شرکت. این متغیر به صورت صفر و یک نشان داده می شود. در صورت وجود مدیریت سیاسی، مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر می باشد.

متغیرهای تعدیل گر:

متغیرهای تعدیل گر در پژوهش حاضر شامل کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی شرکت هاست که برای اندازه گیری آنها از روش های زیر استفاده شده است:

کیفیت گزارشگری مالی (FRQ)

یکی از مدل های معروف برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) می باشد که به صورت زیر تعریف می شود:

(۴)

$$TAC_{it} / TA_{i,t-1} = \beta_1 (1 / TA_{i,t-1}) + \beta_2 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) / TA_{i,t-1} + \beta_3 PPE_{it} / TA_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

TAC_{it} : اقلام تعهدی کل که برابر است اختلاف بین درآمد خالص و جریانات نقدی عملیاتی شرکت i در سال t .

$TA_{i,t-1}$: دارایی کل اول دوره شرکت i در سال t .

ΔREV_{it} : تغییر سالانه در درآمدهای شرکت i در سال t .

ΔREC_{it} : تغییر در حساب های دریافتی شرکت i در سال t .

PPE_{it} : اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t .

ε_{it} : باقیمانده مدل رگرسیونی که قدرمطلق آن به عنوان شاخص اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی شرکت براساس مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده شده است. بایستی اشاره شود که بالاتر بودن این شاخص به معنای پایین تر بودن کیفیت گزارشگری مالی شرکت است.

کیفیت حسابرسی

برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی شرکت ها از دو شاخص استفاده شده است که در ادامه به تعریف آنها پرداخته می شود:

➤ **اندازه حسابرس (AQ):** متغیر دوگانه که وقتی شرکت از سوی سازمان حسابرسی شود یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود (حسینی و عظیم زاده، ۱۳۹۶).

➤ **تخصیص در صنعت حسابرس (AEXP):** برای اندازه گیری تخصیص در صنعت از متغیر مجازی استفاده شده است. در صورتی که حسابرس شرکت دارای تخصیص در صنعت باشد یک و در غیر این صورت صفر می باشد. برای اندازه گیری تخصیص در صنعت حسابرس در این تحقیق از سهم بازار بهره گرفته می شود، زیرا بسیاری از معیارهای مورد استفاده در اندازه گیری کیفیت حسابرسی از طریق ابزارهایی همچون پرسشنامه و یا مصاحبه جمع آوری می شوند که خود بر اعتبار نتایج تحقیق تاثیر می گذارد. تخصیص حسابرس در صنعت معیاری از کیفیت حسابرسی است که با استفاده از دو رویکرد سهم بازار و سهم پرتفوی موسسه حسابرسی معرفی شده است. در این تحقیق بر رویکرد سهم بازار تاکید می شود، چرا که جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تخصیص حسابرس در صنعت با استفاده از رویکرد سهم پرتفوی موسسه حسابرسی در ایران با مشکلات فراوانی رو به روست. سهم بازار حسابرسان نیز به شرح زیر محاسبه می شود (آقایی و ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱):

$$\left(\frac{1}{(FIN)}\right) * \left(\frac{1}{2}\right) < \left(\frac{SR}{(SRT)}\right)$$

که در آن مجموعه دارایی های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص (SR) تقسیم بر مجموع دارایی های کل صاحبکاران در این صنعت (SRT)، می شود. با پیروی از پالم رز (۱۹۸۶)

موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص درصنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازار آنها (یعنی معادله سمت راستی) بیش از معادله یک بر روی تعداد شرکت های موجود در یک صنعت (FN) ضرب بر یک تقسیم بر دو (یعنی معادله سمت چپی) باشد.

متغیرهای کنترلی:

به پیروی از ادبیات پیشین پژوهش همانند فانگ و همکاران (۲۰۲۰) و الدیاستی و المار (۲۰۲۰) اثر برخی از ویژگی های مالی و حسابداری در مدل های رگرسیونی کنترل شده است که در ادامه به تعریف آنها پرداخته می شود:

- **بازده سهام (RET):** برابر است با میانه بازده هفتگی در طول دوره جاری.
- **گردش سهام (DTURN):** برابر است با میانگین گردش ماهانه سهام در دوره جاری منهای میانگین گردش ماهانه سهام در دوره قبل. در اینجا منظور از گردش ماهانه سهام نسبت حجم معاملات به تعداد سهام شرکت می باشد.
- **نوسانات بازده (SIGMA):** برابر است با انحراف معیار بازده هفتگی در طول دوره جاری.
- **ارزش بازار به دفتری (MB):** نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در دوره جاری.
- **اندازه شرکت (SIZE):** برابر است با لگاریتم طبیعی دارایی کل دوره جاری.
- **اهرم مالی (LEV):** برابر است با نسبت بدهی بلندمدت به دارایی کل دوره جاری.
- **بازده دارایی ها (ROA):** برابر است با نسبت سود خالص به دارایی کل در دوره جاری.

توسعه مدل های رگرسیونی:

در فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای این منظور و به پیروی از فانگ و همکاران (۲۰۲۰) و الدیاستی و المار (۲۰۲۰) از مدل رگرسیونی خطی چندمتغیره (۵) استفاده شده است. در صورتی که ضریب (β_1) در این مدل معنادار باشد می توان نتیجه گرفت که فرضیه اول پژوهش مورد تایید قرار گرفته است. به این ترتیب داریم:

(۵)

$$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DTURN_{it} + \beta_4 SIGMA_{it} + \beta_5 MB_{it} \\ + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

در فرضیه های دوم و سوم پژوهش به بررسی اثر متغیرهای کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای این منظور و به پیروی از فانگ و همکاران (۲۰۲۰) و الدیاستی و المار (۲۰۲۰) از مدل رگرسیونی غیرخطی چندمتغیره (۶) و (۷) استفاده شده است. در صورتی که ضرایب (β_3) در این مدل معنادار باشد می توان نتیجه گرفت که فرضیه های دوم و سوم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفته اند. به این ترتیب داریم:

(۶)

$$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 FRQ_{it} + \beta_3 PC_{it} * FRQ_{it} + \beta_4 RET_{it} \\ + \beta_5 DTURN_{it} + \beta_6 SIGMA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LEV_{it} \\ + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۷)

$$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 AQ_{it} + \beta_3 PC_{it} * AQ_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 DTURN_{it} \\ + \beta_6 SIGMA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۸)

$$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 AEXP_{it} + \beta_3 PC_{it} * AQ_{it} + \beta_4 RET_{it} \\ + \beta_5 DTURN_{it} + \beta_6 SIGMA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LEV_{it} \\ + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

۳-۶- روش جمع آوری داده ها

به منظور تدوین مبانی نظری تحقیق از مطالعات کتابخانه ای و آرشیوی بهره برده می شود و داده های مورد نیاز از طریق سایت رسمی بورس اوراق بهادار دریافت می شود. هم چنین، از نرم افزارهای تدبیرپرداز و ره آورد نوین به منظور جمع آوری اطلاعات شرکت ها استفاده شده است.

۳-۷- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق روش داده‌های پانل می‌باشد. در ادامه ابتدا روش داده‌های پانل و آزمون‌های مربوط به آن تشریح می‌گردد. سپس آزمون‌های مربوط به معنی دار بودن کل مدل و معنی دار بودن متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. در آخر نیز پس از تشریح آزمون‌های مربوط به مفروضات رگرسیون کلاسیک، نحوه تصمیم‌گیری در مورد رد یا پذیرش فرضیه‌های تحقیق بیان می‌گردد. لازم به ذکر است در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Eviews8 بهره گرفته شده است.

۳-۷-۱- روش داده‌های پانل

مدل‌ها از لحاظ استفاده از اطلاعات آماری به سه گروه تقسیم می‌شوند. برخی از مدل‌ها با استفاده از «اطلاعات سری زمانی»^۱ یا به عبارتی طی دوره نسبتاً طولانی چند ساله برآورد می‌شوند. بعضی دیگر از مدل‌ها بر اساس «داده‌های مقطعی»^۲ برآورد می‌شوند یعنی متغیرها در یک دوره زمانی معین مثلاً یک هفته، یک ماه یا یک سال در واحدهای مختلف بررسی می‌شوند.

روش سوم برآورد مدل، که در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفته است، برآورد بر اساس «داده‌های پانل»^۳ است. در این روش یک سری واحدهای مقطعی (مثلاً شرکت‌ها) در طی چند سال مورد توجه قرار می‌گیرند. با کمک این روش که در مطالعات سال‌های اخیر نیز زیاد استفاده شده است تعداد مشاهدات تا حد مطلوب افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه مشاهده‌های ادغام شده باعث تغییر پذیری بالاتر، هم خطی چندگانه کمتر میان متغیرهای توضیحی، درجه آزادی بیشتر و کارایی بالاتر تخمین‌کننده‌ها می‌شود، مطالعات پانل نسبت به مطالعات مقطعی و سری زمانی دارای مزیت است (بالتاچی^۴، ۱۹۹۵). در حالت کلی مدل زیر نشان دهنده یک مدل با داده‌های پانل می‌باشد:

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=1}^k \beta_{kit} X_{kit} + \varepsilon_{it}$$

¹ Time series data

² Cross section data

³ Panel data

⁴ Baltagi

که در آن $i = 1, 2, \dots, n$ نشانگر واحدهای مقطعی (مثلاً شرکت ها) و $t = 1, 2, \dots, T$ نشانگر زمان است. Y_{it} متغیر وابسته را برای i امین واحد مقطعی در سال t نشان می دهد و X_{kit} نیز k امین متغیر مستقل غیرتصادفی برای i امین واحد مقطعی در سال t ام است. ε_{it} جمله اخلاص بوده که فرض می شود دارای میانگین صفر) $E[\varepsilon_{it}] = 0$ و واریانس ثابت $(E[\varepsilon_{it}^2] = \sigma_\varepsilon^2)$ است. پارامترهای مدل می باشد که واکنش متغیر مستقل نسبت به تغییرات k امین متغیر مستقل در i امین مقطع و t امین زمان را اندازه گیری می کند.

برای برآورد مدل بر اساس داده های پانل روش های مختلفی همچون روش اثرات ثابت^۱ و روش اثرات تصادفی^۲ وجود دارد که بر حسب مورد، کاربرد خواهند داشت.

۳-۷-۱-۱- روش اثرات ثابت

در روش اثرات ثابت فرض بر این است که ضرایب مربوط به متغیرها (شیب ها) ثابت هستند و اختلافات بین واحدها را می توان به صورت تفاوت عرض از مبدأ نشان داد. به عبارت دیگر در این مدل، شیب رگرسیون در هر مقطع ثابت است و جمله ی ثابت از مقطعی به مقطع دیگر متفاوت است. هر چند اثر زمانی معنی دار نیست، اما اختلاف معنی داری میان مقطع ها وجود دارد و ضرایب مقطع ها با زمان تغییر نمی کند. در این حالت اگر عرض از مبدأ تنها برای واحدهای مختلف مقطعی متفاوت باشد اصلاً روش اثرات ثابت یک طرفه^۳ نامیده شده و مدل آن بصورت زیر می باشد:

$$Y_{it} = \alpha + \mu_i + \sum_{k=1}^k \beta_k X_{kit} + \varepsilon_{it}$$

و اگر عرض از مبدأ هم مابین مقاطع و هم مابین دوره ها متفاوت باشد روش اثرات ثابت دوطرفه^۴ نامیده می شود و مدل آن بصورت زیر خواهد بود:

$$Y_{it} = \alpha + \mu_i + \lambda_t + \sum_{k=1}^k \beta_k X_{kit} + \varepsilon_{it}$$

در مدل های فوق μ_i متغیری است که برای واحدهای مقطعی متفاوت اما در طول زمان ثابت می باشد و λ_t متغیری است که برای تمام واحدهای مقطعی در زمان مشابه یکسان بوده اما در طول زمان تغییر می کند. برای

^۱ Fixed Effects

^۲ Random Effects

^۳ One Way Fixed Effect

^۴ Two Way Fixed Effect

برآورد روش اثرات ثابت از مدل حداقل مربعات متغیر مجازی^۱ (LSDV) استفاده می شود. مدل اخیر یک مدل رگرسیونی کلاسیک بوده و هیچ شرط جدیدی برای تجزیه و تحلیل آن لازم نیست و از طریق روش حداقل مربعات معمولی^۲ قابل برآورد می باشد.

۳-۷-۱-۲- روش اثرات تصادفی

مدل های اثرات ثابت تنها در صورتی منطقی خواهد بود که ما اطمینان داشته باشیم که اختلاف بین مقاطع را می توان به صورت انتقال تابع رگرسیون نشان داد، در حالیکه ما همیشه از وجود این موضوع مطمئن نیستیم. به عبارت دیگر در مدل اثر ثابت، برای دستیابی به تخمین های کارا از روش حذف متغیرهای غیر قابل اندازه گیری اثرگذار در مدل استفاده می شود. به کارگیری این روش موجب حذف بسیاری از متغیرهای اثرگذار در رگرسیون داده های ترکیبی می شود. برای رفع این مشکل می توان با وارد کردن این متغیرها در اجزای خطا، به روش مدل اثر تصادفی این مشکل را حل کرد. مدل اثر تصادفی به مدل اجزای خطا نیز معروف است. اولین شرط برای استفاده از مدل اثر تصادفی این است که متغیرها به صورت تصادفی انتخاب شده باشند. این روش فرض می کند که جزء ثابت مشخص کننده مقاطع مختلف به صورت تصادفی بین واحدها و مقاطع توزیع شده است. بنابراین مدل اثرات تصادفی را می توان بصورت زیر تعریف کرد:

$$Y_{it} = \alpha + \sum_{k=1}^k \beta_k X_{kit} + \eta_i + \varepsilon_{it}$$

که در آن η_i یک جمله خطای تصادفی با میانگین صفر و واریانس σ_{η}^2 می باشد. بنابراین در مدل اثرات تصادفی جزء اخلاص از دو بخش تشکیل شده است؛ یکی η_i که جزء اخلاص مقطع می باشد، و دیگری ε_{it} که جزء اخلاص ترکیب مقطع و سری زمانی است. با توجه به اینکه در این حالت واریانس های مربوط به مقاطع مختلف با هم یکسان نیستند لذا مدل دچار ناهمسانی واریانس بوده و از روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۳ (GLS) جهت برآورد مدل استفاده می شود.

¹ Least Square Dummy Variable

² Ordinary Least Square

³ Generalized least squares

در بررسی داده های مقطعی و سری های زمانی، اگر ضرایب اثرات مقطعی و اثرات زمانی معنی دار نشود، می توان داده ها را با یکدیگر ترکیب کرده و به وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین بزنیم. از آنجایی که در اکثر داده های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری های زمانی معنی دار هستند این مدل که به مدل رگرسیون ترکیب شده^۲ معروف است کمتر مورد استفاده قرار می گیرد(یافی^۳، ۲۰۰۳). آزمون چاو برای تعیین به کارگیری مدل اثرات ثابت در مقابل تلفیق کل داده ها(مدل یکپارچه شده) انجام می شود.

لذا برای اینکه بتوان مشخص نمود که آیا داده های پانل جهت برآورد تابع مورد نظر کارآمدتر خواهد بود یا نه، فرضیه ای را آزمون می کنیم که در آن کلیه عبارات ثابت برآوردی با یکدیگر برابر هستند. فرضیه صفر این آزمون که به آزمون چاو یا F لیمر معروف است بصورت زیر می باشد:

$$\begin{cases} H_0 : \alpha_i = \alpha \\ H_1 : \alpha_i \neq \alpha \end{cases}$$

برای آزمون فرضیه مذکور از آماره F بصورت زیر استفاده می شود:

$$F(N-1, NT-N-K) = \frac{(RRSS - URSS)/(N-1)}{URSS/(NT-N-K)}$$

که در آن N برابر با تعداد واحدهای مقطعی، T طول دوره مورد نظر، K تعداد متغیرهای توضیحی، RRSS مجذور پسماندهای حاصل از برآورد مقید رگرسیون بصورت حداقل مربعات متغیر مجازی و URSS مجذور پسماندهای حاصل از برآورد نامقید رگرسیون بصورت حداقل مربعات معمولی می باشد. در این آزمون فرضیه H_0 یعنی یکسان بودن عرض از مبداها در مقابل فرضیه H_1 یعنی ناهمسانی عرض از مبداها قرار می گیرد. در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود به معنی یکسان بودن شیب ها برای مقاطع مختلف بوده و قابلیت ترکیب شدن داده ها و استفاده از مدل رگرسیون ترکیب شده مورد تأیید آماری قرار می گیرد. اما در صورت رد فرضیه H_0 روش داده های پانل پذیرفته می شود و می توان از روش داده های پانل استفاده کرد.

¹ Chow Test

² Pooled least squares

³ Yaffe

به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می شود. در روش اثرات تصادفی بار متغیرهای حذف شده روی جمله اخلاص قرار می گیرند، اما این مشروط بر آن است که بین متغیرهای مستقل و مؤلفه خطای مقطعی همبستگی وجود نداشته باشد. آزمون هاسمن وجود این همبستگی را بررسی می کند. آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از مدل اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی انجام می شود. به عبارت دیگر آزمون هاسمن بر پایه ی وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل شکل گرفته است. این آزمون مبتنی بر این فرض اولیه است که در صورت وجود همبستگی، روش اثرات ثابت سازگار و روش اثرات تصادفی کاربرد خواهد داشت. اگر β_{RE} تخمین کننده روش اثرات تصادفی و β_{FE} تخمین کننده روش اثرات ثابت باشد آماره این آزمون که دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل است بصورت زیر قابل تعریف می باشد:

$$W = [\beta_{RE} - \beta_{FE}]' [\text{var}(\beta_{RE} - \beta_{FE})]^{-1} (\beta_{RE} - \beta_{FE})$$

فرضیه صفر در آزمون هاسمن به صورت زیر خواهد بود:

$$\begin{cases} H_0 : E(u_{it} | X_{it}) = 0 \\ H_1 : E(u_{it} | X_{it}) \neq 0 \end{cases}$$

فرضیه صفر به این معنی است که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و آن ها از یکدیگر مستقل هستند، یعنی این فرضیه نشان دهنده عدم ارتباط متغیرهای مستقل و خطای تخمین می باشد (زراء نژاد و انواری، ۱۳۸۴).

در حالی که فرضیه مقابل به این معنی است که بین جزء اخلاص مورد نظر و متغیرهای توضیحی همبستگی و ارتباط وجود دارد. از آنجایی که به هنگام وجود همبستگی بین اجزاء اخلاص و متغیر توضیحی با مشکل تورش و ناسازگاری مواجه می شویم، بنابراین بهتر است در صورت پذیرفته شدن H_1 (رد H_0) از روش اثرات ثابت استفاده کنیم. هنگامی که بین اجزاء اخلاص و متغیر توضیحی همبستگی وجود نداشته باشد (قبول H_0)، هر دو

¹ Hausman Test

روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی سازگار هستند ولی روش اثرات ثابت ناکاراً بوده و بایستی از روش اثرات تصادفی استفاده شود.

۳-۷-۲- آزمون معنی دار بودن مدل

برای آزمون مناسب بودن مدل تخمین شده، ابتدا این فرض را مطرح می‌سازیم که مدل، تغییرات Y را به صورت معنی داری توجیه نمی‌کند. برای بررسی معنی دار بودن مدل رگرسیون از آماره F استفاده شده است. فرضیه صفر در آزمون F به صورت زیر خواهد بود:

$$\begin{cases} H_0 : \beta_1 = \beta_2 = \dots = \beta_k = 0 \\ H_1 : \beta_1 \neq \beta_2 \neq \dots \neq \beta_k \neq 0 \end{cases}$$

که بوسیله آماره زیر صحت آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

$$F = \frac{ESS / (K - 1)}{RSS / (N - k)}$$

برای تصمیم‌گیری در مورد پذیرش یا رد فرضیه صفر، آماره F به دست آمده با F جدول که با درجات آزادی $K-1$ و $N-K$ در سطح خطای (α) ۵٪ محاسبه شده، مقایسه می‌شود، اگر F محاسبه شده بیشتر از F جدول باشد ($F > F_{\alpha(K-1, N-K)}$) مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته و فرض صفر (H_0) رد می‌شود. عبارتی می‌توان گفت تغییرات توجیه شده توسط مدل مناسب است و یا اینکه رابطه معناداری بین متغیر وابسته و متغیر مستقل وجود دارد. در این حالت با ضریب اطمینان ۹۵٪ کل مدل معنی دار خواهد بود. در صورتی که مقدار F محاسبه شده کمتر از F جدول باشد فرض H_0 پذیرفته شده و معنی داری مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

۳-۷-۳- آزمون معنی دار بودن متغیرهای تحقیق

به منظور آزمون معنی دار بودن هر یک از ضرایب برآوردی رگرسیون فرض می‌شود که ضریب رگرسیون برابر صفر است و به عبارتی متغیر مستقل بر متغیر وابسته تاثیری ندارد. بعبارت دیگر برای بررسی معنی دار بودن ضرایب متغیرهای مستقل در هر مدل از آماره t استفاده شده است. فرضیه صفر در آزمون t به صورت زیر خواهد بود:

$$\begin{cases} H_0 : \beta_1 = 0 \\ H_1 : \beta_1 \neq 0 \end{cases}$$

که بوسیله آماره زیر صحت آن مورد بررسی قرار می گیرد:

$$T = \frac{\hat{\beta}_1 - \beta_1}{SE(\hat{\beta}_1)} \sim t_{\frac{\alpha}{2}, N-k}$$

برای تصمیم گیری در مورد پذیرش یا رد فرضیه صفر، آماره T به دست آمده با t جدول که با درجه آزادی $N-k$ در سطح اطمینان ۹۵٪ محاسبه شده مقایسه می شود، چنانچه قدرمطلق T محاسبه شده از t جدول بزرگتر باشد ($|T| > t_{\frac{\alpha}{2}, N-k}$)، مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته و فرض صفر (H_0) رد می شود. در این حالت با ضریب اطمینان ۹۵٪ ضریب مورد نظر (β_1) معنی دار خواهد بود که دلالت بر وجود ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته دارد.

۳-۷-۴- آزمون های مربوط به مفروضات مدل رگرسیون خطی

مدل کلاسیک رگرسیون خطی دارای مجموعه ای از فروض تحت عنوان فروض کلاسیک می باشد که بیشتر آن ها در مورد جمله اخلاص مدل مطرح می گردند؛ برای اینکه در مدل رگرسیون خطی، تخمین زن های حداقل مربعات معمولی ضرایب رگرسیون، بهترین تخمین زن های بدون تورش خطی (BLUE) باشند لازم است تا مفروضات این مدل بررسی و آزمون شوند. در ادامه نحوه آزمون این فرضیات بیان می گردد.

۳-۷-۴-۱- فرض نرمال بودن متغیرها و باقیمانده ها

یکی از فروض مهم راجع به جمله خطا این است که ε توزیع نرمال دارد. در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن توزیع خطاها از آزمون جارقویو- برا استفاده می شود. فرضیه صفر و آماره این آزمون بصورت زیر بوده و به توزیع χ^2 با درجه آزادی ۲ گرایش دارد:

$$\begin{cases} H_0 : Normal Distribution \\ H_1 : Not Normal Distribution \end{cases}$$

¹ Jarque - Bera

$$W = n \left(\frac{A_1^2}{6} + \frac{(A_2 - 3)^2}{24} \right)$$

در این آماره، A_1 (ضریب چولگی) و A_2 (ضریب کشیدگی) از طریق باقیمانده های رگرسیون قابل محاسبه می باشند. فرضیه H_0 آزمون جارکیو- برا بیانگر نرمال بودن ε می باشد. بنابراین زمانی که مقدار آماره محاسبه شده از مقدار بحرانی آن با درجه آزادی ۲ کوچکتر باشد، فرضیه H_0 پذیرفته شده و حاکی از نرمال بودن توزیع خطاها می باشد (سوری، ۱۳۸۹).

۳-۷-۴-۲- فرض عدم وجود همخطی^۱ بین متغیرهای مستقل:

همخطی به معنای وجود رابطه بین متغیرهای مستقل موجود در مدل می باشد به نحوی که $E(X_i X_j) = \text{cov}(X_i, X_j)$ مخالف صفر باشد. برای تشخیص وجود همخطی روش های مختلفی وجود دارد، از جمله اینکه اگر در مدل همخطی وجود داشته باشد ضریب تعیین مدل بالا برآورد شده و در عین حال تعداد متغیرهای معنی دار موجود در مدل کم می شود. البته این نکته حائز اهمیت است که هم خطی هیچیک از فروض کلاسیک را نقض نمی نماید و برآورد کننده های بدست آمده با وجود مشکل همخطی سازگار خواهند بود اما در این حالت ضرائب دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مساله باعث می شود که تعداد متغیرهای معنی دار در معادله کاهش بیابد. در این مطالعه برای بررسی عدم وجود همخطی از شاخص تورم واریانس^۲ (VIF) و ضریب همبستگی پیرسون استفاده خواهد شد. زمانی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ است نشان دهنده عدم وجود همخطی شدید می باشد. همچنین در صورتی که همبستگی میان متغیرها قوی نباشد (کمتر از ۰/۷) می توان گفت همخطی شدیدی میان متغیرها وجود ندارد.

۳-۷-۴-۳- فرض مستقل بودن باقیمانده ها (خطاها)

این فرضیه مدل کلاسیک رگرسیون خطی بیان می دارد که بین جملات اخلاص رگرسیون همبستگی وجود ندارد. اگر این فرض نقض گردد کواریانس بین دو جمله اخلاص i و j برابر صفر نخواهد بود. برای بررسی

¹ Collinearity

² Variance inflation Factor

استقلال خطاها از یکدیگر، از آماره دوربین-واتسون^۱ استفاده شده است. با توجه به استفاده از روش داده های پانل آماره این آزمون بصورت زیر تعریف می شود:

$$d_{pd} = \frac{\sum_{i=1}^N \sum_{t=2}^T (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})^2}{\sum_{i=1}^N \sum_{t=1}^T \varepsilon_{i,t}^2}$$

مقدار این آماره بین ۰ تا ۴ تغییر می کند. اگر همبستگی بین مانده های متوالی وجود نداشته باشد، مقدار آماره باید نزدیک ۲ شود، به عبارتی اگر مقدار آماره دوربین واتسون نزدیک به عدد ۲ باشد، می توان استقلال باقیمانده ها را بپذیریم. اگر مقدار آماره نزدیک به صفر شود، نشان دهنده همبستگی مثبت بین باقیمانده ها و اگر نزدیک به ۴ شود، نشان دهنده همبستگی منفی بین باقیمانده های متوالی است. به طور کلی اگر آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار گیرد، می توان فرض عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل را پذیرفت (مومنی، ۱۳۸۶).

برای رفع مسئله خود همبستگی می توان از روش هایی از جمله، رفع خود همبستگی مرتبه اول AR(1) یا روش تصحیح خود همبستگی استفاده کرد.

۳-۷-۴- فرض همسانی واریانس^۲ باقیمانده ها

یکی از فروض رگرسیون خطی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) این است که تمامی جملات پسماند دارای واریانس برابر باشند. در عمل ممکن است این فرض چندان صادق نبوده و به دلایل مختلفی از قبیل شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری، یادگیری در طی زمان و ... شاهد پدیده واریانس ناهمسانی باشیم. برای بررسی این مشکل آزمون های مختلفی توسط اقتصاددانان معرفی شده است. در این مطالعه فرض همسانی واریانس باقیمانده ها از طریق آزمون آرچ مورد بررسی قرار خواهد گرفت. آزمون آرچ به منظور آزمودن واریانس ناهمسانی در مدل های رگرسیون خطی استفاده می شود و وابستگی واریانس جملات پسماند بدست آمده از رگرسیون خطی را به مقادیر متغیرهای توضیح دهنده مدل، بررسی می کند. با توجه به سطح اطمینان مورد نظر (در این مطالعه ۹۵٪)، مقادیر بحرانی متناظر با این آماره از

^۱ Durbin-Watson

^۲ Heteroscedasticity

جدول توزیع F بدست می آید، اگر مقادیر این آماره از مقادیر بحرانی بیشتر باشد، فرض صفر که دلالت بر همسانی واریانس دارد، رد می شود و می توان گفت جملات پسماند ارتباط معناداری با متغیرهای توضیح دهنده X داشته و ناهمسانی واریانس وجود دارد.

۳-۷-۵- تصمیم گیری برای رد یا پذیرش فرضیه ها

با توجه به موارد عنوان شده فوق در این تحقیق برای آزمون فرضیات ابتدا با استفاده از آزمون F مقید، درستی ادغام داده ها مورد آزمون قرار گرفته و سپس بر اساس آزمون هاسمن نوع روش آزمون (اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) تعیین گردیده و با توجه به نوع روش نسبت به برآورد مدل اقدام شده است. جهت بررسی معنی دار بودن کل مدل از آماره F استفاده شده است. بطوری که با مقایسه آماره F و F جدول که با درجات آزادی $K-1$ و $N-K$ در سطح خطای 5% محاسبه شده، کل مدل مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برای بررسی معنی دار بودن ضریب متغیرهای مستقل از آماره t استفاده شده است. آماره t به دست آمده با t جدول که با درجه آزادی $N-K$ در سطح اطمینان 95% محاسبه شده مقایسه می شود، چنانچه قدرمطلق t محاسبه شده از t جدول بزرگتر باشد، ضریب مورد نظر معنی دار خواهد بود که دلالت بر وجود ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته دارد. همچنین به عنوان روشی جایگزین جهت تصمیم گیری در مورد پذیرش یا رد یک فرضیه بر اساس مقدار احتمال یا سطح معنی داری نیز عمل شده است. بدین صورت که اگر مقدار احتمال محاسبه شده بزرگتر یا مساوی مقدار خطای نوع اول (α) باشد فرض صفر پذیرفته می شود و اگر مقدار احتمال کوچکتر از مقدار خطای نوع اول (α) باشد فرض صفر رد می شود.

جدول ۳-۲ آزمون های مورد استفاده در فصل چهارم

نام آزمون	علامت اختصاری	علامت کاربرد	نحوه تصمیم گیری
آزمون چاو	Chow Test	برآورد مدل داده های ترکیبی به صورت پانلی یا تلفیقی	اگر میزان معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد داده ها پانلی بوده و در غیر این صورت داده ها تلفیقی می باشند.
آزمون هاسمن	Husman Test	برآورد روش اثرات ثابت یا تصادفی	در صورتی که داده ها پانلی باشند، آنگاه اگر میزان معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد روش اثرات ثابت بوده و در غیر این صورت روش اثرات تصادفی می باشند
آزمون تی استیودنت	t-Statistics	جهت تایید یا رد تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته	چنانچه سطح معناداری محاسبه شده بیشتر از ۰/۰۵ باشد، در این صورت مقادیر محاسبه شده از لحاظ آماری، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نیستند.
آزمون F فیشر	F-Statistics	جهت برازش مدل رگرسیونی	چنانچه سطح معناداری محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ باشد، در این صورت مدل رگرسیونی از نظر آماری معنی دار می باشد.
آماره دوربین واتسون	D-W	جهت بررسی استقلال اجزای خطای مدل	چنانچه مقدار به دست آمده برای این آزمون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، فرض استقلال خطاها پذیرفته می شود.
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R	جهت بررسی تعیین کنندگی متغیرهای مستقل و کنترلی	هر چه میزان به دست آمده برای این آزمون بالاتر باشد، متغیرهای مستقل و کنترلی قدرت تعیین کنندگی بالاتری دارند.
آزمون همخطی متغیرهای مستقل	VIF	جهت بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل	چنانچه میزان به دست آمده کمتر از ۱۰ باشد، در این صورت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.
آزمون بروش-پاگان	Brush-Pagan	بررسی همسانی واریانس اجزای خطا	چنانچه سطح معناداری محاسبه شده بیشتر از ۰/۰۵ باشد، در این صورت اجزای خطا از همسانی واریانس برخوردارند.

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

۴-۱- مقدمه

در این فصل تلاش شده است تا با استفاده از داده‌های جمع آوری شده از نمونه آماری پژوهش فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند. ارائه اطلاعات در این فصل مشتمل بر دو بخش آمار توصیفی و استنباطی است. در بخش آمار توصیفی به منظور کسب شناخت بیشتر درباره جامعه آماری و متغیرهای مورد مطالعه، خلاصه‌ای از شاخص‌های تمرکز و پراکنش متغیرهای پژوهش ارائه می‌گردد و سپس آزمون مربوط به مانایی هر یک از متغیرهای پژوهش تشریح می‌شود. در بخش آمار استنباطی ابتدا ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش تعیین شده و سپس در خصوص فرضیه‌های پژوهش، به گزارش آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل پرداخته می‌شود.

۴-۲- آمار توصیفی

اولین مرحله در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش بیان ویژگی‌های کلی داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از نظر میانگین، میانه، حداقل، حداکثر و انحراف معیار است که در جدول (۴-۱) ارائه گردیده است. تعداد شرکت مورد بررسی ۱۵۱ شرکت در دوره زمانی ۹ ساله بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ بوده و پس از جمع آوری داده‌ها و با استفاده از ۱۳۵۹ مشاهده سال-شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است. نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها نشان می‌دهند که ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها به طور متوسط منفی ۱/۲ می‌باشد که این رقم به بیش از منفی ۸۷ درصد هم رسیده است. هم‌چنین، ارتباطات سیاسی نشان می‌دهد که ۳۷ درصد شرکت‌های نمونه در دوره بررسی دارای مدیرانی با روابط سیاسی بوده‌اند. علاوه بر این، یافته‌های مربوط به متغیرهای تعدیل‌گر نشان می‌دهند که شرکت‌ها ۱۰ درصد کل دارایی‌های اول دوره خود دستکاری سود داشته‌اند که این رقم به بیش از ۹۹ درصد هم رسیده است. یافته‌های مربوط به کیفیت حسابرسی نیز نشان می‌دهند که ۲۴ درصد کل شرکت‌های نمونه در دوره بررسی از خدمات سازمان حسابرسی بهره‌گرفته‌اند و ۶۳ درصد شرکت‌های حسابرسی دارای تخصص در صنعت بوده‌اند. اما یافته‌های مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهند که بازده سهام شرکت‌ها به طور متوسط ۸ درصد می‌باشد که بالاترین آن ۴/۴ و پایین‌ترین آن بازده منفی ۲/۹ می‌باشد. گردش سهام شرکت‌ها که اختلاف سهام که نشان‌دهنده میانگین گردش ماهانه سهام در دوره جاری منهای میانگین گردش ماهانه سهام در دوره قبل می‌باشد به طور متوسط ۱۲ درصد

رشد را نشان می دهد. نوسانات بازده سهام شرکت ها نیز به طور میانگین ۵/۹ به دست آمده است که بالاترین میزان به دست آمده برای این متغیر بیش از ۱۹ می باشد. ارزش بازار سهام شرکت ها نیز به طور میانگین ۲/۸ برابر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت ها به دست آمده که بالاترین مقدار به دست آمده بیش از ۱۲ برابر بوده و نشان از فرصت های رشد بالای شرکت دارد. اهرم مالی نیز نشان می دهد که شرکت ها به طور متوسط ۵۳ درصد کل دارایی های ترازنامه ای خود بدهی دارند که حداکثر آن بیش از ۹۸ درصد به دست آمده و نشان از ریسک بالای شرکت دارد. در نهایت، بازده دارایی ها نشان می دهد که شرکت ها به طور متوسط ۱۲ درصد کل دارایی های ترازنامه ای خود سودآوری داشته اند که این رقم به بیش از ۶۰ درصد هم رسیده است. ضمن اینکه حداقل این متغیر زیان ۲۹ درصدی نسبت به کل دارایی ها را نشان می دهد. به این ترتیب داریم:

جدول ۴-۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ریسک سقوط قیمت سهام	CRASH	-1.263954	-1.178591	-0.879156	-4.176091	0.337318
ارتباطات سیاسی	PC	0.375276	0.000000	1.000000	0.000000	0.484462
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	0.107135	0.075951	0.997902	0.000315	0.117706
اندازه حسابرس	AQ	0.240618	0.000000	1.000000	0.000000	0.427695
تخصص در صنعت حسابرس	AEXP	0.639073	1.000000	1.000000	0.000000	0.480535
بازده سهام	RET	0.082427	0.065244	4.485597	-2.998066	0.962103
گردش سهام	DTURN	0.124569	0.105245	17.16816	-17.97249	1.635174
نوسانات بازده سهام	SIGMA	5.996117	5.435696	19.86482	0.048500	3.230885
ارزش بازار به دفتری	MB	2.871930	2.443834	12.80431	0.522752	۲,۳۷۴۰۱۱
اندازه شرکت	SIZE	14.55523	14.40931	20.18339	11.11602	1.516572
اهرم مالی	LEV	0.536860	0.547115	0.986760	0.012733	0.192433
بازده دارایی ها	ROA	0.122602	0.100454	0.603493	-0.297729	0.130695

۴-۳- مانایی متغیرهای پژوهش

با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته مانایی متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است. مانا نبودن متغیرها چه در مورد داده های سری زمانی و چه داده های ترکیبی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می شود. یک متغیر وقتی ماناست که میانگین، واریانس و ضریب خودهمبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند. در

آزمون ایستایی آنچه که اهمیت دارد قدرت آزمون های ریشه واحد است. برای بررسی ریشه واحد، از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده و نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای تحقیق در جدول (۳-۴) ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش پایین تر از خطای ۵ درصد است، بنابراین می توان پذیرفت که تمامی متغیرها مانا می باشند:

جدول ۲-۴ نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری
ریسک سقوط قیمت سهام	CRASH	-12.58032	0.0000
ارتباطات سیاسی	PC	-9.112069	0.0000
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	-9.780653	0.0000
اندازه حسابرس	AQ	-12.75024	0.0000
تخصص در صنعت حسابرس	AEXP	-11.17175	0.0000
بازده سهام	RET	-10.61152	0.0000
گردش سهام	DTURN	-14.97304	0.0000
نوسانات بازده سهام	SIGMA	-8.984794	0.0000
ارزش بازار به دفتری	MB	-12.90501	0.0000
اندازه شرکت	SIZE	-13.11097	0.0000
اهرم مالی	LEV	-10.81076	0.0000
بازده دارایی ها	ROA	-14.66714	0.0000

۴-۴-۴ آمار استنباطی

۴-۴-۱-۱ آزمون ضریب همبستگی

ضریب همبستگی پیرسون که به نام های ضریب همبستگی گشتاوری و یا ضریب همبستگی مرتبه ی صفر نیز نامیده می شود، توسط سرکارل پیرسون معرفی شده است. این ضریب به منظور تعیین میزان رابطه، نوع و جهت رابطه ی بین دو متغیر فاصله ای یا نسبی و یا یک متغیر فاصله ای و یک متغیر نسبی به کار برده می شود. در واقع این ضریب، متناظر پارامتری ضریب همبستگی اسپیرمن می باشد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول (۳-۴) ارائه شده اند. همان گونه که مشاهده می شود در برخی موارد همبستگی معنی داری وجود دارد. هم چنین، در برخی موارد اندک بین متغیرهای زوجی همبستگی معنی داری قابل مشاهده است؛ اما این همبستگی ها

قوی نیستند و ایجاد هم‌خطی نمی‌کنند. به عبارت بهتر در ادامه تحلیل‌ها از نظر بررسی روابط بین متغیرها مشکل محتوایی وجود ندارد؛ زیرا اگر همبستگی قوی بین متغیرهای توضیحی مدل وجود داشته باشد، منجر به بروز هم‌خطی شده و بررسی روابط در چنین حالتی نادرست خواهد بود

جدول ۴-۳ نتایج آزمون ضریب همبستگی

	CRASH	PC	FRQ	AQ	AEXP	RET	DTURN	SIMGA	MB	SIZE	LEV	ROA
CRASH	1.000000											
PC	-0.047390	1.000000										
	0.1541	-----										
FRQ	0.054737	-0.100496	1.000000									
	0.0997	0.0025	-----									
AQ	0.018171	-0.046983	0.034077	1.000000								
	0.5849	0.1577	0.3056	-----								
AEXP	-0.054210	0.025084	0.041927	0.417651	1.000000							
	0.1030	0.4508	0.2074	0.0000	-----							
RET	-0.006668	-0.040216	0.007077	0.015519	0.007174	1.000000						
	0.8411	0.2265	0.8316	0.6409	0.8293	-----						
DTURN	0.005959	-0.013278	0.083069	-0.011488	0.003576	0.025140	1.000000					
	0.8579	0.6898	0.0124	0.7299	0.9144	0.4498	-----					
SIMGA	0.045737	0.024888	0.013263	0.023306	-0.009257	0.187654	-0.011260	1.000000				
	0.1690	0.4543	0.6901	0.4835	0.7808	0.0000	0.7350	-----				
MB	-0.002555	0.015543	0.139358	0.048103	-0.016391	0.012005	0.052958	-0.007735	1.000000			
	0.9388	0.6403	0.0000	0.1480	0.6222	0.7182	0.1112	0.8161	-----			
SIZE	-0.016260	0.055559	-0.067360	0.138012	0.052060	0.015536	-0.008123	0.020608	0.118013	1.000000		
	0.6250	0.0947	0.0427	0.0000	0.1174	0.6405	0.8071	0.5356	0.0004	-----		
LEV	0.004794	0.057385	0.124909	0.119698	0.056633	-0.076762	0.034344	0.070418	0.107036	-0.037399	1.000000	
	0.8854	0.0843	0.0002	0.0003	0.0884	0.0208	0.3018	0.0341	0.0013	0.2608	-----	
ROA	-0.030973	0.046201	0.138032	-0.027018	-0.011028	0.057864	0.022279	-0.033032	0.100588	0.270476	-0.542038	1.000000
	0.3517	0.1647	0.0000	0.4166	0.7403	0.0817	0.5030	0.3206	0.0024	0.0000	0.0000	-----

۴-۴-۲- مدل رگرسیونی اول

۴-۴-۲-۱- آزمون‌های تشخیصی مدل

قبل از برازش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی چاو (F لیمر) برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود. در صورتی که نتیجه آزمون چاو بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش داده‌های تلفیقی بهره گرفته شده و در صورتی که زیر ۵ درصد باشد، می‌توان از روش داده‌های پانلی (تابلویی) استفاده کرد. اما اگر روش داده‌های پانلی (تابلویی) دارای اولویت باشد، لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات

ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می شود. بدین ترتیب که وقتی سطح معناداری آزمون هاسمن بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش اثرات تصادفی و برای سطح خطای پایین تر از ۵ درصد از روش اثرات ثابت بهره گرفته می شود. نتایج آزمون های چاو و هاسمن در جدول (۴-۴) آمده است:

جدول ۴-۴ نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
چاو (F لیمر)	1.124135	(150,702)	0.1690	تلفیقی
هاسمن	-	-	-	-

۴-۲-۲-۴ آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا

در پژوهش حاضر برای بررسی خودهمبستگی از آزمون دوربین-واتسون و برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس اجزای خطای مدل از آزمون بروش-پاگان استفاده شده است. همان طور که مشاهده می شود مقادیر به دست آمده برای آزمون دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ است که نشان از عدم وجود خودهمبستگی در مدل دارد. هم چنین، در صورتی که سطح معناداری به دست آمده برای این آزمون بالاتر از خطای ۵ درصد باشد اجزای خطا دارای همسانی واریانس می باشند و در صورتی که سطح معناداری به دست آمده زیر ۵ درصد باشد، اجزای خطا دارای ناهمسانی واریانس می باشند. یافته های مربوط به آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در جدول (۴-۵) آمده است:

جدول ۴-۵ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان

آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری
دوربین-واتسون	1.826308	-
بروش-پاگان	7.279340	0.5068

۴-۲-۳-۴ تخمین مدل

مقادیر شاخص تورم واریانس که در جهت سنجش عدم همخطی میان متغیرهای مستقل تحقیق محاسبه می شود، کوچک تر از مقدار بحرانی ۱۰ به دست آمده اند که نشان از عدم وجود همخطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد و از این رو می توان پذیرفت که دقت ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل در مدل تحقیق، تحت تاثیر روابط درونی متغیرهای مستقل قرار نگرفته است. علاوه بر این، بر اساس شاخص های نیکویی برازش

مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. در نهایت، ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد بیش از ۴۰ درصد از تغییرات موجود در ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل تبیین می گردد. به این ترتیب داریم:

جدول ۴-۶ نتایج تخمین مدل رگرسیونی اول

$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DTURN_{it} + \beta_4 SIGMA_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضریب	آماره تی	معناداری	هم خطی
ضریب ثابت	C	-0.232632	-6.354006	0.0000	-
ارتباطات سیاسی	PC	0.032386	4.404088	0.0000	1.015346
بازده سهام	RET	-0.377806	-6.179645	0.0000	1.048943
گردش سهام	DTURN	0.113048	0.521419	0.6021	1.005492
نوسانات سهام	SIGMA	0.379975	4.693383	0.0000	1.045928
ارزش بازار به دفتری	MB	-0.090510	-2.523265	0.0118	1.089858
اندازه شرکت	SIZE	-0.122667	-0.493140	0.6219	1.138527
اهرم مالی	LEV	0.033856	2.936263	0.0034	1.541187
بازده دارایی ها	ROA	-0.872255	-2.505641	0.0122	1.656032
ضریب تعیین تعدیل شده		0.404825			
آماره F		6.490096			
معناداری		0.000000			

با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر مستقل ارتباطات سیاسی شرکت (PC) پایین تر از خطای ۵ درصد است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد. بیشتر اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل ارتباطات سیاسی مثبت است که نشان می دهد با افزایش ارتباطات سیاسی، ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها نیز افزایش پیدا کرده است (تایید فرضیه اول پژوهش).

▪ یافته های مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می دهند که بین بازده سهام ارزش بازار به دفتری و بازده دارایی ها با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه منفی و معنادار و بین نوسانات بازده و اهرم مالی با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نهایت، رابطه ای بین گردش سهام و اندازه شرکت با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها در دوره بررسی مشاهده نشده است.

۴-۴-۳- مدل رگرسیونی دوم

۴-۴-۳-۱- آزمون های تشخیصی مدل

قبل از برآزش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی چاو (F لیمر) برای انتخاب از بین الگوهای داده های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود. در صورتی که نتیجه آزمون چاو بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش داده های تلفیقی بهره گرفته شده و در صورتی که زیر ۵ درصد باشد، می توان از روش داده های پانلی (تابلویی) استفاده کرد. اما اگر روش داده های پانلی (تابلویی) دارای اولویت باشد، لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می شود. بدین ترتیب که وقتی سطح معناداری آزمون هاسمن بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش اثرات تصادفی و برای سطح خطای پایین تر از ۵ درصد از روش اثرات ثابت بهره گرفته می شود. نتایج آزمون های چاو و هاسمن در جدول (۴-۷) آمده است:

جدول ۴-۷ نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
چاو (F لیمر)	1.117073	(150,745)	0.1807	تلفیقی
هاسمن	-	-	-	-

۴-۴-۳-۲- آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا

در پژوهش حاضر برای بررسی خودهمبستگی از آزمون دوربین-واتسون و برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس اجزای خطای مدل از آزمون بروش-پاگان استفاده شده است. همان طور که مشاهده می شود مقادیر به دست آمده برای آزمون دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ است که نشان از عدم وجود خودهمبستگی در مدل دارد. هم چنین، در صورتی که سطح معناداری به دست آمده برای این آزمون بالاتر از

خطای ۵ درصد باشد اجزای خطا دارای همسانی واریانس می باشند و در صورتی که سطح معناداری به دست آمده زیر ۵ درصد باشد، اجزای خطا دارای ناهمسانی واریانس می باشند. یافته های مربوط به آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در جدول (۴-۸) آمده است:

جدول ۴-۸ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان

سطح معناداری	آماره آزمون	آزمون
-	1.832748	دوربین-واتسون
0.5962	8.334015	بروش-پاگان

۴-۳-۳- تخمین مدل

مقادیر شاخص تورم واریانس که در جهت سنجش عدم همخطی میان متغیرهای مستقل تحقیق محاسبه می شود، کوچک تر از مقدار بحرانی ۱۰ به دست آمده اند که نشان از عدم وجود همخطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد و از این رو می توان پذیرفت که دقت ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل در مدل تحقیق، تحت تاثیر روابط درونی متغیرهای مستقل قرار ننگرفته است. علاوه بر این، بر اساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. در نهایت، ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد بیش از ۴۱ درصد از تغییرات موجود در ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل تبیین می گردد. به این ترتیب داریم:

جدول ۴-۹ نتایج تخمین مدل رگرسیونی دوم

$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 FRQ_{it} + \beta_3 PC_{it} * FRQ_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 DTURN_{it} + \beta_6 SIGMA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضریب	آماره تی	معناداری	هم خطی
ضریب ثابت	C	-0.267285	-7.195764	0.0000	-
ارتباطات سیاسی	PC	0.034595	17.57846	0.0000	1.976271
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	-0.180827	-5.212728	0.0000	1.337617
ارتباطات سیاسی*کیفیت گزارشگری مالی	PC*FRQ	-0.118297	-1.599813	۰,۰۱۹۷	2.152568
بازده سهام	RET	-0.392285	-10.05565	0.0000	1.051701
گردش سهام	DTURN	0.041171	0.189657	0.8496	1.010935
نوسانات سهام	SIGMA	0.373366	4.611157	0.0000	1.049184
ارزش بازار به دفتری	MB	-0.071608	-4.170742	0.0000	1.106648
اندازه شرکت	SIZE	-0.035714	-0.143317	0.8860	1.145926
اهرم مالی	LEV	0.071771	14.19252	0.0000	1.552696
بازده دارایی ها	ROA	-0.990573	-2.832463	0.0046	1.676110
ضریب تعیین تعدیل شده		0.417660			
آماره F		7.992853			
معناداری		0.000000			

- با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر تعدیل گر ارتباطات سیاسی*کیفیت گزارشگری مالی شرکت (PC*FRQ) پایین تر از خطای ۵ درصد است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد. بیشتر اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر تعدیل گر ارتباطات سیاسی*کیفیت گزارشگری مالی شرکت منفی است که نشان می دهد این اثر معکوس است (تایید فرضیه دوم پژوهش).
- یافته های مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می دهند که بین بازده سهام ارزش بازار به دفتری و بازده دارایی ها با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه منفی و معنادار و بین نوسانات بازده و اهرم مالی با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رابطه ای بین گردش سهام و اندازه شرکت با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها در دوره بررسی مشاهده نشده است.

۴-۴-۴- مدل رگرسیونی سوم

۴-۴-۴-۱- آزمون های تشخیصی مدل

قبل از برآزش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی چاو (F لیمر) برای انتخاب از بین الگوهای داده های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود. در صورتی که نتیجه آزمون چاو بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش داده های تلفیقی بهره گرفته شده و در صورتی که زیر ۵ درصد باشد، می توان از روش داده های پانلی (تابلویی) استفاده کرد. اما اگر روش داده های پانلی (تابلویی) دارای اولویت باشد، لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می شود. بدین ترتیب که وقتی سطح معناداری آزمون هاسمن بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش اثرات تصادفی و برای سطح خطای پایین تر از ۵ درصد از روش اثرات ثابت بهره گرفته می شود. نتایج آزمون های چاو و هاسمن در جدول (۴-۱۰) آمده است:

جدول ۴-۱۰ نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
چاو (F لیمر)	1.143190	(150,745)	0.1356	تلفیقی
هاسمن	-	-	-	-

۴-۴-۴-۲- آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا

در پژوهش حاضر برای بررسی خودهمبستگی از آزمون دوربین-واتسون و برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس اجزای خطای مدل از آزمون بروش-پاگان استفاده شده است. همان طور که مشاهده می شود مقادیر به دست آمده برای آزمون دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ است که نشان از عدم وجود خودهمبستگی در مدل دارد. هم چنین، در صورتی که سطح معناداری به دست آمده برای این آزمون بالاتر از خطای ۵ درصد باشد اجزای خطا دارای همسانی واریانس می باشند و در صورتی که سطح معناداری به دست آمده زیر ۵ درصد باشد، اجزای خطا دارای ناهمسانی واریانس می باشند. یافته های مربوط به آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در جدول (۴-۱۱) آمده است:

جدول ۴-۱۱ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان

آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری
دوربین-واتسون	1.827475	-
بروش-پاگان	7.963656	0.6324

۴-۴-۳- تخمین مدل

مقادیر شاخص تورم واریانس که در جهت سنجش عدم همخطی میان متغیرهای مستقل تحقیق محاسبه می شود، کوچک تر از مقدار بحرانی ۱۰ به دست آمده اند که نشان از عدم وجود همخطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد و از این رو می توان پذیرفت که دقت ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل در مدل تحقیق، تحت تاثیر روابط درونی متغیرهای مستقل قرار نگرفته است. علاوه بر این، بر اساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. در نهایت، ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد بیش از ۴۱ درصد از تغییرات موجود در ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل تبیین می گردد. به این ترتیب داریم:

جدول ۴-۱۲ نتایج تخمین مدل رگرسیونی سوم

$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 AQ_{it} + \beta_3 PC_{it} * AQ_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 DTURN_{it} + \beta_6 SIGMA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضریب	آماره تی	معناداری	هم خطی
ضریب ثابت	C	-0.214407	-5.777815	0.0000	-
ارتباطات سیاسی	PC	0.041891	5.016787	0.0000	1.310288
اندازه حسابرس	AQ	-0.199100	-5.485270	0.0000	1.558071
ارتباطات سیاسی*اندازه حسابرس	PC*AQ	-0.046359	-2.028089	0.0428	1.814325
بازده سهام	RET	-0.580141	-1.541189	0.1233	1.050169
گردش سهام	DTURN	0.121102	0.558756	0.5763	1.005651
نوسانات سهام	SIGMA	0.371693	4.590264	0.0000	1.047166
ارزش بازار به دفتری	MB	-0.013339	-2.307441	0.0213	1.093352
اندازه شرکت	SIZE	-0.214922	-0.854111	0.3931	1.166060
اهرم مالی	LEV	0.011871	6.401745	0.0000	1.562243
بازده دارایی ها	ROA	-0.861811	-2.476544	0.0133	1.656189
ضریب تعیین تعدیل شده		0.415647			
آماره F		6.144998			
معناداری		0.000000			

- با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر تعدیل گر ارتباطات سیاسی*اندازه حسابرِس شرکت (PC*AQ) پایین تر از خطای ۵ درصد است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که اندازه حسابرِس بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد. بیشتر اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر تعدیل گر ارتباطات سیاسی*اندازه حسابرِس شرکت منفی است که نشان می دهد این اثر معکوس است (تایید فرضیه سوم پژوهش براساس شاخص اول کیفیت حسابرِس).
- یافته های مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می دهند که بین بازده سهام ارزش بازار به دفتری و بازده دارایی ها با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه منفی و معنادار و بین نوسانات بازده و اهرم مالی با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رابطه ای بین گردش سهام و اندازه شرکت با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها در دوره بررسی مشاهده نشده است.

۴-۴-۵- مدل رگرسیونی چهارم

۴-۴-۵-۱- آزمون های تشخیصی مدل

قبل از برآزش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی چاو (F لیمر) برای انتخاب از بین الگوهای داده های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود. در صورتی که نتیجه آزمون چاو بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش داده های تلفیقی بهره گرفته شده و در صورتی که زیر ۵ درصد باشد، می توان از روش داده های پانلی (تابلویی) استفاده کرد. اما اگر روش داده های پانلی (تابلویی) دارای اولویت باشد، لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می شود. بدین ترتیب که وقتی سطح معناداری آزمون هاسمن بالاتر از خطای ۵ درصد باشد، از روش اثرات تصادفی و برای سطح خطای پایین تر از ۵ درصد از روش اثرات ثابت بهره گرفته می شود. نتایج آزمون های چاو و هاسمن در جدول (۴-۱۳) آمده است:

جدول ۴-۱۳ نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
چاو (F لیمر)	1.123103	(150,745)	0.1694	تلفیقی
هاسمن	-	-	-	-

۴-۴-۵-۲- آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا

در پژوهش حاضر برای بررسی خودهمبستگی از آزمون دوربین-واتسون و برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس اجزای خطای مدل از آزمون بروش-پاگان استفاده شده است. همان طور که مشاهده می شود مقادیر به دست آمده برای آزمون دوربین-واتسون بین $1/5$ تا $2/5$ است که نشان از عدم وجود خودهمبستگی در مدل دارد. هم چنین، در صورتی که سطح معناداری به دست آمده برای این آزمون بالاتر از خطای ۵ درصد باشد اجزای خطا دارای همسانی واریانس می باشند و در صورتی که سطح معناداری به دست آمده زیر ۵ درصد باشد، اجزای خطا دارای ناهمسانی واریانس می باشند. یافته های مربوط به آزمون های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در جدول (۴-۱۴) آمده است:

جدول ۴-۱۴ نتایج آزمون دوربین-واتسون و بروش-پاگان

سطح معناداری	آماره آزمون	آزمون
-	1.828377	دوربین-واتسون
0.4666	9.707091	بروش-پاگان

۴-۴-۵-۳- تخمین مدل

مقادیر شاخص تورم واریانس که در جهت سنجش عدم همخطی میان متغیرهای مستقل تحقیق محاسبه می شود، کوچک تر از مقدار بحرانی ۱۰ به دست آمده اند که نشان از عدم وجود همخطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد و از این رو می توان پذیرفت که دقت ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل در مدل تحقیق، تحت تاثیر روابط درونی متغیرهای مستقل قرار نگرفته است. علاوه بر این، بر اساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول $0/05$ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. در نهایت، ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد بیش از ۴۲ درصد از تغییرات موجود در ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل تبیین می گردد. به این ترتیب داریم:

جدول ۴-۱۵ نتایج تخمین مدل رگرسیونی چهارم

$CRASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 AEXP_{it} + \beta_3 PC_{it} * AQ_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 DTURN_{it} + \beta_6 SIGMA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضریب	آماره تی	معناداری	هم خطی
ضریب ثابت	C	-0.228330	-6.174800	0.0000	-
ارتباطات سیاسی	PC	0.049400	2.114038	0.0345	2.753721
تخصص در صنعت حسابرس	AEXP	-0.028349	-3.024094	0.0025	1.628420
ارتباطات سیاسی*تخصص در صنعت حسابرس	PC*AEXP	-0.025830	-1.691743	0.0907	3.356827
بازده سهام	RET	-0.081067	-13.79182	0.0000	1.049362
گردش سهام	DTURN	0.142825	0.657560	0.5108	1.012257
نوسانات سهام	SIGMA	0.369831	4.573128	0.0000	1.046807
ارزش بازار به دفتری	MB	-0.033579	-7.044066	0.0000	1.090338
اندازه شرکت	SIZE	-0.065280	-0.262548	0.7929	1.141030
اهرم مالی	LEV	0.023079	2.270964	0.0232	1.564615
بازده دارایی ها	ROA	-0.816446	-2.345535	0.0190	1.660782
ضریب تعیین تعدیل شده		0.427850			
آماره F		8.167833			
معناداری		0.000000			

- با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر تعدیل گر ارتباطات سیاسی*تخصص در صنعت حسابرس شرکت (PC*AEXP) بالاتر از خطای ۵ درصد است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که تخصص در صنعت حسابرس بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر ندارد (رد فرضیه سوم پژوهش براساس شاخص دوم کیفیت حسابرسی).
- یافته های مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می دهند که بین بازده سهام ارزش بازار به دفتری و بازده دارایی ها با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه منفی و معنادار و بین نوسانات بازده و اهرم مالی با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نهایت، رابطه ای

بین گردش سهام و اندازه شرکت با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها در دوره بررسی مشاهده نشده است.

فصل پنجم

نتیجه گیری و ارایه پیشنهادهای پژوهش

شاید یکی از مهم ترین بخش های یک پژوهش فصل نتایج و پیشنهادهای آن باشد. بیشتر کوشش هایی که در فرآیند پژوهش صورت می گیرد در واقع برای دستیابی به نتایج و پیشنهادهای پژوهش است، چرا که هدف از انجام پژوهش یافتن راه حل برای مشکلاتی است که وجود دارند و یا در طی تحقیق و پژوهش بروز می کنند و شناسایی می شوند که گاهی این مشکلات هزینه و انرژی زیادی در جامعه هدر داده و کارایی و اثربخشی را کاهش می دهند و مانع رسیدن به نتایج مورد نظر و ارزشمند می گردند. فصل حاضر اختصاص به مطالب مربوط به نتیجه گیری و پیشنهادهای پژوهش دارد. تحلیل گر پژوهش، داده های تجربی را به صورت اجزای اصلی و سازنده آن خرد می کند تا بتواند جواب پرسش های پژوهش را بیازماید. اما تجزیه و تحلیل داده های پژوهش به تنهایی برای یافتن پرسش های پژوهش کافی نیست. تعبیر و تفسیر این داده ها نیز لازم است. تفسیر یعنی توضیح و تبیین، و یافتن معانی داده ها. تبیین داده های خام بدون تحلیل آنها امری دشوار یا ناممکن است. نخست باید داده ها را تجزیه و تحلیل کرد و سپس نتایج این تجزیه و تحلیل را مورد تفسیر قرار داد. در فصول گذشته و در فصل اول، کلیاتی از پژوهش در قالب بیان مساله، ضرورت انجام پژوهش، مدل مفهومی، قلمرو پژوهش و تعریف واژگان و اصطلاحات به صورت نظری مطرح شد. در فصل دوم و در دو بخش مبانی نظری پژوهش ارائه شد. در این فصل و در بخش اول ادبیات و در بخش پیشینه پژوهش تشریح گردید. در این بخش ها تلاش شد تا از مقالات و مدل های به روز در این حوزه استفاده گردد. در فصل سوم، روش شناختی پژوهش ارائه گردید و بیان شد که پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها پژوهشی است توصیفی- پس رویدادی. علاوه بر این، در این فصل تعریف عملیاتی و روش اندازه گیری متغیرها و نیز مدل های رگرسیونی جهت بررسی تک تک فرضیه ها ارائه گردید. در فصل گذشته نیز، تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار Eviews8 صورت پذیرفت و شواهد تجربی به دست آمده با بهره گیری از آزمون های آماری مناسب تشریح گردید. اما این فصل که اختصاص دارد به نتیجه گیری و ارائه پیشنهادهای پژوهش، به بررسی نتایج به دست آمده، مقایسه نتایج به دست آمده با پژوهش های دیگر، ارائه پیشنهادهای کاربردی و پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی پرداخته می شود. در انتها نیز محدودیت های پژوهش ارائه خواهد شد.

۵-۲- تفسیر نتایج پژوهش و مقایسه با پژوهش های دیگر

انتشار اخبار بد از سوی شرکت ها تبعات منفی زیادی را برای آن ها به همراه دارد. حال آنکه انباشت اخبار بد و انتشار یکجای این اطلاعات می تواند ریسک سقوط قیمت سهام را به همراه داشته باشد. از این رو، بررسی عوامل موثر بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها از سوی دانشگاهیان و کلیه علاقمندان به رشته های مالی و حسابداری بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تعدیل گر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای این منظور و به پیروی از فانگ و همکاران (۲۰۲۰) در ابتدا به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها پرداخته شد و سپس اثر تعدیلی متغیرهای کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی (شاخص های اندازه حسابرسی و تخصص در صنعت حسابرسی) بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها مورد سنجش قرار گرفت. هم چنین، اثر متغیرهای بازده سهام، گردش سهام، نوسانات بازده سهام، نسبت ارزش بازار به دفتری، اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی ها در مدل های رگرسیونی کنترل شد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها در گروه پژوهش های توصیفی-همبستگی قرار دارد. هم چنین، به منظور انتخاب حجم نمونه از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده شد که با توجه به شروط در نظر گرفته شده، در نهایت ۱۵۱ شرکت در دوره زمانی ۹ ساله بین سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ (در مجموع ۱۳۵۹ سال-شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی فرضیه ها از روش های مربوط به رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم افزار Eviews8 و با استفاده از روش های تلفیقی بهره گرفته شده است.

نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می دهند که بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم چنین، کیفیت گزارشگری مالی و اندازه حسابرسی مستقل شرکت دارای اثر معکوسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها در دوره بررسی بوده است اما این اثر در مورد تخصص در صنعت حسابرسی مورد تایید قرار نگرفت. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که هر چند ارتباطات سیاسی مدیران و وجود اعضای دارای روابط سیاسی در بین اعضای هیئت مدیره شرکت ها می تواند منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها شود، اما ارایه گزارش های مالی با کیفیت و

هم چنین بهره گیری از خدمات حسابرسی سازمان حسابرسی و سایر شرکت های حسابرسی دارای اندازه بزرگ تر می تواند منجر به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها شود. این موضوع می تواند برای بسیاری از فعالان بازار سرمایه از جمله سیاست گذاران سازمان بورس اوراق بهادار تهران، مدیران شرکت های پذیرفته شده در بورس، سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل گران دارای اهمیت باشد. ضمن اینکه دانشگاهیان و کلیه علاقمندان به رشته های مالی و حسابداری می توانند از نتایج پژوهش حاضر در راستای درک و تحلیل دقیق تر رابطه بین متغیرهای ارتباطات سیاسی، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بهره گیرند. خلاصه نتایج به دست آمده برای هر یک از فرضیه های پژوهش در جدول (۵-۱) ارائه شده است:

جدول ۵-۱ خلاصه نتایج فرضیه های پژوهش

فرضیه	شرح فرضیه	نتیجه
اول	بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت رابطه وجود دارد.	تایید
دوم	کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد.	تایید
سوم	کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد.	تایید

۵-۲-۱- فرضیه اول: بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت رابطه وجود دارد.

در فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد که با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر مستقل ارتباطات سیاسی شرکت (جدول ۴-۹) پایین تر از خطای ۵ درصد است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد. بیشتر اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل ارتباطات سیاسی مثبت است که نشان می دهد با افزایش ارتباطات سیاسی، ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها نیز افزایش پیدا کرده است. در ارتباط با نتایج به دست آمده برای فرضیه اول پژوهش بایستی اشاره شود که شرکت های دارای ارتباطات سیاسی دارای ساختارهای سازمانی و رقابتی متفاوتی با سایر شرکت ها می باشند. چراکه این گروه از شرکت ها به دلیل برخورداری از روابط سیاسی، تامین مالی کم هزینه تری خواهند داشت و می توانند از مزایای مدیران دارای روابط سیاسی برای کاهش هزینه های تامین مالی و مالیاتی خود بهره گیرند. از سوی دیگر، مدیران دارای

روابط سیاسی که از سوی دولت انتخاب می شوند دارای تخصص، دانش و تجربه کافی در حوزه بازار سرمایه نبوده و بنابراین این مدیران تلاش می کنند تا با عدم انتشار اخبار بد، وضعیت مالی شرکت و در حقیقت شرایط خود را مناسب جلوه دهند که این موضوع می تواند انباشت اخبار منفی شرکت ها را به همراه داشته و در نهایت با انتشار آن ریسک سقوط قیمت سهام آنها را افزایش دهد. این یافته ها سازگار با نتایج پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۲۰) می باشد.

۵-۲-۲- فرضیه دوم: کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد. در فرضیه دوم پژوهش به بررسی اثر تعدیلی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد که با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر تعدیل گر ارتباطات سیاسی* کیفیت گزارشگری مالی شرکت (جدول ۴-۹) پایین تر از خطای ۵ درصد است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد. بیشتر اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر تعدیل گر ارتباطات سیاسی* کیفیت گزارشگری مالی شرکت منفی است که نشان می دهد این اثر معکوس است. نتایج به دست آمده برای فرضیه دوم نشان می دهد که کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها می تواند به عنوان عاملی برای کاهش ریسک سقوط قیمت سهام آنها در نظر گرفته شود. زمانی که شرکت ها اقدام به افزایش کیفیت گزارشگری مالی خود می کنند هم از انباشت اخبار منفی شرکت جلوگیری می کنند و هم اینکه می توانند اعتماد بازار سرمایه را نسبت به فعالیت های شرکت ها و تصمیمات مدیران ارتقا ببخشند که در نهایت تمامی این موارد می تواند منجر به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت گردد. این یافته ها سازگار با نتایج پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۲۰) می باشد.

۵-۲-۳- فرضیه کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تاثیر دارد. در فرضیه دوم پژوهش به بررسی اثر تعدیلی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد که برای این منظور از دو شاخص اندازه حسابرسی و تخصص در صنعت حسابرسی بهره گرفته شد. یافته های مربوط به فرضیه سوم پژوهش نشان می دهند که اندازه حسابرسی دارای اثر معکوسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط

قیمت سهام شرکت ها در دوره بررسی می باشد اما این اثر در مورد تخصص در صنعت حسابرس شرکت ها مورد تایید قرار نگرفت. یافته های مربوط به فرضیه سوم پژوهش نشان می دهد که اولاً شرکت های حسابرسی دارای اندازه بزرگ تر به دلیل داشتن حسن شهرت و اعتبار بالاتر تلاش می کنند گزارش های مالی باکیفیت تری را به بازار ارائه دهند که در نتیجه این موضوع با افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها همراه می شود. بنابراین، بهره گیری از شرکت های حسابرسی دارای اندازه بزرگ تر می تواند انباشت اخبار منفی شرکت ها را کاهش و منجر به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام آنها شود. از سوی دیگر، تخصص در صنعت حسابرس تاثیری بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها ندارد. چراکه احتمالاً ساختارهای سیاسی، اقتصادی و سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تهران بسیار متفاوت با سایر بورس ها در کشورهای دیگر است. این یافته ها سازگار با نتایج پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۲۰) می باشد.

۳-۵- پیشنهادهای پژوهش

۳-۵-۱- پیشنهادهای برخاسته از پژوهش

نتایج این تحقیق قابل استفاده برای سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و تحلیل گران و تمام افراد و سازمان هایی است که به نوعی با فعالیت سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار درگیر هستند مفید باشد. بنابراین پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

- با توجه به نتیجه به دست آمده در فرضیه اول پژوهش پیشنهاد می شود دولت هر چه سریع تر اقدام به واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی نماید تا هم ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها را کاهش دهد و هم به رشد و شکوفایی بازار سرمایه کمک نماید.
- با توجه به نتیجه به دست آمده در فرضیه دوم پژوهش پیشنهاد می شود کلیه نهادهای نظارتی همانند سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی با استفاده از سازوکارهای قانونی کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها را افزایش دهند و نیز با رتبه بندی آنها به تصمیمات مالی سرمایه گذاران کمک نمایند.
- با توجه به نتیجه به دست آمده در فرضیه سوم پژوهش پیشنهاد می شود فعالان بازار سرمایه از جمله تحلیل گران و سرمایه گذاران در بررسی متغیرهای اثرگذار بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ها به

اندازه حسابرس خارجی توجه نمایند و آن را در تصمیمات مالی خود لحاظ نمایند اما از نقش تخصص در صنعت چشم پوشی نمایند.

۵-۳-۲- پیشنهادهایی برای پژوهش گران آتی

اما برای انجام برخی پژوهش های همسو با این موضوع و هم چنین توسعه آن، پیشنهادهایی به شرح ذیل برای انجام پژوهش های بعدی ارائه می شود:

- پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی اثر تعدیل گر ساختار مالکیت (مالکیت دولتی، نهادی، مدیریتی و شرکتي) بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.
- پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی اثر ارتباطات سیاسی بر دیگر متغیرهای بازار همانند خوانایی گزارش های مالی، نسبت قیمت به سود، ریسک نقدشوندگی، همزمانی بازده سهام و مسئولیت اجتماعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.
- پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی همین موضوع در مراحل مختلف چرخه عمر (معرفی، رشد، بلوغ و افول) مورد بررسی قرار گرفته و نتایج به دست آمده مقایسه گردد.
- در نهایت پیشنهاد می شود در پژوهش آتی اثر دیگر متغیرهای مالی و حسابداری همانند قدرت مدیران، استقلال هیئت مدیره، وجود کمیته های حسابرسی و بازده حقوق صاحبان سهام بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شود.

۵-۴- محدودیت های پژوهش

محدودیت های پژوهش حاضر را می توان به شرح ذیل ارایه داد:

- بسیاری از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (به ویژه شرایط تورمی کشور و عدم ارایه صورت های مالی تعدیل شده)، بر یافته های پژوهش موثر می باشند که کنترل آنها دشوار می باشد. پژوهش حاضر و نتایج حاصل از آن نیز از این قاعده مستثنی نیست.
- به دلیل مشکلات موجود و در دسترس نبودن اطلاعات کلیه شرکت ها، برای تجزیه و تحلیل داده ها از نمونه گیری به صورت غربالگری استفاده شد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ارجمند، پریناز (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر کیفیت حسابرس و شفافیت حسابداری شرکت ها با تاکید بر ساختار مالکیت، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی، صفحه ۱-۱۶.
- بنی مهد، بهمن. حساس یگانه، یحیی. یزدانیان، نرگس (۱۳۹۲)، روابط سیاسی و تغییر حسابرس: شواهدی از مؤسسات حسابرسی بخش خصوصی، فصلنامه علمی - پژوهشی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره هشتم.
- تنانی، محسن. صدیقی، علیرضا. امیری، عباس (۱۳۹۴)، بررسی نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کاهش ریسک ریزش قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال سوم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۱۱)، صص ۵۰-۳۱.
- داودی نصر، مجید. حبیبی، فاطمه (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم اجتماعی.
- دیانتی زهرا، مرادزاده مهدی، محمودی سعید (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه گذاران نهادی بر کاهش ریسک سقوط در ریزش ارزش سهام. فصلنامه دانش سرمایه گذاری شماره دوم، سال اول.
- رضوی، سیده هنگامه (۱۳۹۸)، بررسی تاثیر مسولیت اجتماعی شرکت بر ریسک سقوط سهام با نقش تعدیل کنندگی قدرت مدیریتی، کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری در هزاره سوم، صص ۱-۱۸.
- رفیع زاده؛ هادی؛ برزگر، قدرت الله (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیأت مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین المللی کسب و کار: فرصت ها و چالش ها، صص ۱-۱۰.

- سجادی، سید حسین. زراء نژاد، منصور. جعفری، علیرضا(۱۳۹۱)" ویژگی های غیر مالی موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" تحقیقات حسابداری سال دوم، شماره ۶، صص ۲۲-۱.
- سجادی، سید حسین، عربی، مهدی. (۱۳۹۳). تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۴ و ۱۵. صص ۶۴-۵۶.
- سوری، محمدرضا(۱۳۹۶)، تحلیل رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود، حسابداری-مدیریت و اقتصاد با رویکرد پویایی اقتصاد ملی، صص ۱-۱۴.
- فروغی، داریوش. ساکیانی، امین (۱۳۹۵)، تأثیر سررسید بدهی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام، پژوهش حسابداری، شماره ۲۰.
- فروغی، داریوش، امیری، هادی، میرزایی، منوچهر، ۱۳۹۰، تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی، سال ۳، شماره ۴، صص ۴۰-۱۵.
- گلستانی، شهرام. دلدار، مصطفی. سیدی، سید جلال(۱۳۹۴)" رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با سیاست تقسیم سود و بازده سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۷۰، صص ۲۰۴-۱۸۱.
- مازاریزدی. محمد، علیزاده. محمد(۱۳۹۰)" بررسی عملکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پژوهش های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۴۱-۶۰.
- محفوظی، غلامرضا. مشکی میاوقی، مهدی. صادقی گرجی، نجمه (۱۳۹۵)، تأثیر ثبات سرمایه گذاری نهادی بر ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نخستین کنفرانس بین المللی پارادایم های نوین مدیریت هوشمندی تجاری و سازمانی، صص ۱۸-۱.
- مرادی، زهرا؛ نباتی، ملیکا(۱۳۹۶)، بررسی اثر هموارسازی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام، اولین کنفرانس ملی نقش حسابداری، اقتصاد و مدیریت، صص ۱-۱۸.

- مرادیان، حمید؛ متین فرد، مهراں (۱۳۹۹)، بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر انتخاب حسابرس بزرگ و شفافیت اطلاعات حسابداری، اولین کنفرانس بین المللی چالش ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، صفحه ۱-۲۱.
- نبی زاده، فهیمه؛ ابراهیمی رومنجان، مجتبی (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره بر رابطه بین کیفیت حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی، دوره ۳، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۹، صفحه ۶۰-۸۱.
- نیکومرام، هاشم. بنی مهد، بهمن. رهنمای رودپشتی، فریدون. کیائی، علی (۱۳۹۲)، دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود، فصلنامه علمی - پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره هجدهم.
- نیکومرام، هاشم، بادآور نهندي، یونس (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل موثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران. فراسوی مدیریت، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۸۷-۱۴۱.

- Abdelhak, E.E., Elamer, A.A., AlHares, A. and McLaughlin, C. (2019), “Auditors’ ethical reasoning in developing countries: the case of Egypt”, *International Journal of Ethics and Systems*, Vol. 35 No. 4, pp. 558-583.
- Anura et al. (2016), *Corporate Governance Review and Financial Reporting Quality*, *Academia Revista Latinoamericana de Administración*, 11(2): 1-28.
- Anwer S. Ahmed, Stephanie J. & Rasmussen SenyoTse (2008), "the Relationship between Institutional Ownership and Casino Firm Performance", *Hospitality Management*, Vol. 26, P. 517.
- Baker et al. (2000) Australia, the relationship between corporate governance index and different disclosure quality criteria include accuracy, one-sidedness and incompatibility level in profit forecasting analyzes, *Accounting and Finance*, 15(7): 1400-1499.
- Balsam, Steven. Jagan, Krishnan. Joon, S Yan (2003) “Auditor Industry specialization and Earnings Quality”. *Auditing: A Journal of practice & Theory*. Vol 22. No2. pp:61
- Berglund, N., Eshleman, J. and Guo, P. (2018), “Auditor size and going concern reporting”, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 37 No. 2, pp. 1-25.
- Bharath, S. T., Jayaraman, S., & Nagar, V. (2013). Exit as governance: An empirical analysis. *The Journal of Finance*, 68(6), 2515–2547.
- Biddle, Gary and Gilles Hilary, (2007) “How Does Financial Accounting Quality Improve Investment Efficiency?”, *The Accounting Review*.
- Bliss, M.A. and Gul, F.A. (2012), “Political connection and cost of debt: some Malaysian evidence”, *Journal of Banking and Finance*, Vol. 36 No. 5, pp. 1520-1527.
- Boubakri, N., Guedhami, O., Mishrs, D.R. and Saffar, W. (2012), “Political connections and the cost of equity capital”, *Journal of Corporate Finance*, Vol. 18 No. 3, pp. 541-559
- Chaney, P. K., M. Faccio, and D. C. Parsley (2012) *The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms*. Working paper, Vanderbilt University
- Chauhan, Y., Humar, S., Pathak, R., (2017), Stock liquidity and stock prices crash-risk: Evidence from India, *North American Journal of Economics and Finance*, 41 (3) 70–81.
- Chen H. , Chen J. Z. , Lobo, G. J. , Wang Y. 2010. Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China. *Contemporary Accounting Research*. Volume 28, issue 3: 892-925.
- Chiming et al. (2017), in a study of institutional oversight, political communication, and audit fees in Malaysian companies, *International Journal of Accounting and Information Management*, PP23-45.
- Claessens, S., Feijen, E. and Laeven, L. (2008), “Political connections and preferential access to finance: the role of campaign contributions”, *Journal of Financial Economics*, Vol. 88 No. 3, pp. 554-580.
- Davidson, R. A. , & Neu, D. (1993). A Note on The Association Between Audit Firm Size & Audit Quality, *Contemporary Accounting Research*, 488-479 ,(2)9.
- DeAngelo, L. E. 1981, Auditor size and audit quality, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, pp. 183–99.
- Dechow, D. and Schrand, C. (2004), *Earnings Quality*, The Research Foundation of CFA Institute. Charlottesville, p. 77.

- Depouch, N&D, Simunic. (1980). "Competition in auditing; An assessment" In fourth symposium on auditing research;401-405.
- Dey, R. and Robin, A. (2011), "Second-Tier auditing firms: developments and prospects", CPA Journal, Vol. 1, pp. 32-39
- Dye, R. (1988). Earnings management in an overlapping generations model. *Journal of Accounting Research*, 26: 195-235.
- Easley, D., & O'hara, M. (2004). Information and the cost of capital. *The Journal of Finance*, 59(4), 1553–1583.
- Edmans, A. (2009). Blockholder trading, market efficiency, and managerial Myopia. *The Journal of Finance*, 64(6), 2481–2513.
- Edmans, A., Fang, V. W., & Zur, E. (2013). The effect of liquidity on governance. *Review of Financial Studies*, 26(6), 1443–1482.
- El-Dyasty Mohamed M, Ahmed A. Elamer(2020) The effect of auditor type on audit quality in emerging markets: evidence from Egypt, The current issue and full text archive of this journal is available on Emerald Insight at: <https://www.emerald.com/insight/1834-7649.htm>
- Eshleman, J. and Guo, P. (2014), "Do big 4 auditors provide higher audit quality after controlling for the endogenous choice of auditor?", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 33 No. 4, pp. 197-219.
- Faccio, M. (2006), "Politically-connected firms", *American Economic Review*, Vol. 96 No. 1, pp. 369-386.
- Fang Tzu-Yi, Fengyi Lin, Sheng-Wei Lin, Yi-Hua Huang(2020). The association between political connection and stock price crash risk: Using financial reporting quality as a moderator, *Finance Research Letters*, journal homepage: www.elsevier.com/locate/frl
- Ferguson, A. and D. Stokes. 2002. Brand name audit pricing, industry specialization and leadership premiums post Big 8 and Big 6 mergers. *Contemporary Accounting Research* (Spring): 77-110.
- Francis, J. (2004), "What do we know about audit quality?", *The British Accounting Review*, Vol. 36 No. 4, pp. 345-368
- Fuerman, R. (2004), "Audit quality examined one large CPA firm at time: Mid-1990's empirical evidence of precursor of arthur andersen's collapse", *Corporate Ownership and Control*, Vol. 2 No. 1, pp. 137-148.
- Gaid, Q., (2008). State ownership, the institutional environment, and auditor choice: Evidence from China. *Journal of Accounting and Economics*, 46(1), 112–134.
- Geiger, M. and Rama, D. (2006), "Audit firm size and going-concern reporting accuracy", *Accounting Horizons*, Vol. 20 No. 1, pp. 1-17.
- Grossman, S. J., & Stiglitz, J. E. (1980). On the impossibility of informationally efficient markets. *The American Economic Review*, 70(3), 393–408.
- Hakim, F. and Omri, A., (2010), "Quality of the external auditor, information asymmetry and bid-ask spread," *International Journal of Accounting and Information Management*, Vol. 18, No. 1, PP. 5-18.
- Hendriksen, E. and Van Breda, M. (1991). *Accounting Theory* , Southern Methodist University; Illinois USA.
- Herda, D., Notbohm, M. and Dowdell, T. (2014), "The effect of external audits of internal control over financial reporting on financial reporting for clients of big 4, second-

tier, and small audit firms”, *Research in Accounting Regulation*, Vol. 26 No. 1, pp. 98-103, available at: <http://dx.doi.org/10.1016/j.racreg.2014.02.010>

- Holmström, B., & Tirole, J. (1993). Market liquidity and performance monitoring. *Journal of Political Economy*, 678–709.
- Jin, L., Myers, S.C., 2006. R2 around the world: new theory and new tests. *Journal of Financial Economics* 79 (2), 257–292.
- Johl, Jubb and Houghton. (2005) "Earnings management and the audit opinion: evidence from Malaysia", *Managerial Auditing Journal*, Vol 22, No 7, pp. 688-715.
- Kahn, Rolf W, “The Relationship between Return and Market Value of Common Stock: Earnings Yield”, *The Journal of Financial Economics*, 9(1),2018, 3-18.
- Kim, J. B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). CFOs versus CEOs: Equity incentives and crashes. *Journal of Financial Economics*, 101(3), 713–730.
- Kim, J., Wang, Z.H., Zhang, L., (2016), CEO Overconfidence and Stock Price Crash Risk, *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 48 (1): 137–64.
- Kyle, A. S. (1985). Continuous auctions and insider trading. *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 1315–1335.
- Lawrence, A., Minutti-Meza, M. and Zhang, P. (2011), “Can big 4 versus Non-Big 4 differences in audit quality proxies be attributed to client characteristics?”, *The Accounting Review*., Vol. 86 No. 1, pp. 259-286.
- Lennox, C. (1999), “Are large auditors more accurate than small auditors?”, *Accounting and Business Research*, Vol. 29 No. 3, pp. 217-228.
- Li, Y. (2010), “The case analysis of the scandal of enron”, *International Journal of Business and Management*, Vol. 5 No. 10, pp. 37-41
- Libby, R. and Frederick, D. (1990), Experience and the ability to explain audit findings. *Journal of Accounting Research*, Vol. 28 No. 2, pp. 348-367.
- Maug, E. (1998). Large shareholders as monitors: is there a trade-off between liquidity and control? *The Journal of Finance*, 53(1), 65–98.
- Nelson, K., Price, R. and Rountree, R. (2008), “The market reaction to arthur andersen’s role in the enron scandal: loss of reputation or confounding effects?”, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 46 Nos 2/3, pp. 279-293.
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1986). Large shareholders and corporate control. *The Journal of Political Economy*, 461–488.
- Sirois, L. (2009), “Auditor size and audit quality revisited: the role of market size and legal environment”, Unpublished Ph. D. Dissertation. University of British Columbia.
- Titman, S. , & Trueman, B. (1986). Information Quality & the Valuation of New Issues, *Journal of Accounting and Economics*, 159-72 ,8.

پیوست ها و ضمائم

پیوست الف

البرزدارو	الکتریک خودرو شرق	اما	ایران ترانسفو
ایران دارو	ایران مریئوس	ایران یاسا	ایرکا پارت صنعت
آبسال	آلومراد	آهنگری تراکتور	باما
بهنوش	بیسکویت گرجی	پارس خزر	پارس دارو
پارس سوئیچ	پارس مینو	پالایش نفت اصفهان	پتروشیمی آبادان
پتروشیمی خارک	پتروشیمی شازند	پتروشیمی فن آوران	پشم شیشه ایران
پگاه اصفهان	پگاه خراسان	پلاسکوکار سایپا	تامین ماسه
تاید واتر خاورمیانه	تراکتورسازی	تکتوتار	تکین کو
جام دارو	چادرملو	چرخشگر	حمل و نقل توکا
خاک چینی ایران	خدمات انفورماتیک	خدمات کشاورزی	داده پردازی ایران
دارو ابوریحان	دارو اسوه	دارو اکسیر	دارو جابرابن حیان
دارو رازک	دارو سبحان	دارو فارابی	دارو لقمان
داروسازی کوثر	درخشان تهران	ذغالسنگ نگین	رادپاتور ایران
روز دارو	ریخته گری تراکتور	رینگ سازی مشهد	زامیاد
سازه پویش	سالمین	سرامیک اردکان	سرماآفرین
سیمان ارومیه	سیمان اصفهان	سیمان بجنورد	سیمان بهبهان
سیمان تهران	سیمان خاش	سیمان خزر	سیمان داراب
سیمان دورود	سیمان سفید نی ریز	سیمان شاهرود	سیمان شمال
سیمان صوفیان	سیمان غرب	سیمان فارس	سیمان قائن
سیمان کرمان	سیمان مازندران	سینادارو	شهد ایران
شهد قندی	شیشه دارویی رازی	شیشه و گاز	شیمی داروپخش
شیمیایی فارس	صنعتی بارز	صنعتی بوتان	صنعتی سپاهان
فرآورده تزریقی	فرآورده های نسوز ایران	فرآورده های نسوز آذر	فرآوری مواد معدنی
فروسیلیس ایران	فترسازی خاور	فترسازی زر	فولاد امیرکبیر کاشان
فولاد خوزستان	فولاد مبارکه اصفهان	فولادخراسان	فیبر ایران
قطعات اتومبیل	قند اصفهان	قند قزوین	کارتن ایران
کارخانجات داروپخش	کاشی الوند	کاشی پارس	کاشی تکسرام
کاشی سعدی	کاشی سینا	کالسیمین	کربن ایران
کشت و صنعت پیادر	کمباین سازی	کمک فتر ایندامین	کیمیدارو
گروه بهمن	گروه مپنا	گل گهر	لاستیک سهند
لامپ پارس شهاب	لبنیات پاک	لبنیات کالبر	لعابیران
لنت ترمز	لوله و ماشین سازی	ماشین سازی نیرو محرکه	مخوردو
مخورسازان	مخابرات ایران	مس باهنر	معادن بافق
معادن روی ایران	معادن منگنز ایران	معادن املاح ایران	معادن دماوند
مگسال	ملی سرب و روی	ملی صنایع مس ایران	مهرکام پارس
مهندسی حمل و نقل پتروشیمی	مواد داروپخش	موتورسازان تراکتور	نساجی بروجرد
نصیر ماشین	نفت بهران	نفت پارس	نورد آلومینیوم
نورد قطعات فولادی	نوش مازندران	نیرو محرکه	نیروترانس

پیوست ب
کیفیت گزارشگری مالی

Redundant Fixed Effects Tests
Equation: Untitled
Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	1.647268	(150,752)	0.0000
Cross-section Chi-square	257.402578	150	0.0000

Correlated Random Effects - Hausman Test
Equation: Untitled
Test cross-section random effects

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	42.477252	3	0.0000

Dependent Variable: TA/AT_T_1
Method: Panel Least Squares
Date: 05/26/21 Time: 17:18
Sample: 1390 1398
Periods included: 9
Cross-sections included: 151
Total panel (balanced) observations: 1359

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.460683	0.031514	14.61852	0.0000
1/AT_T_1	0.368834	0.043890	8.403527	0.0000
(_REV-_REC)/AT_T_1	-0.458677	0.029334	-15.63612	0.0000
PPE/AT_T_1	-0.528935	0.025283	-20.92086	0.0000

Effects Specification

Cross-section fixed (dummy variables)

R-squared	0.452177	Mean dependent var	0.026757
Adjusted R-squared	0.400027	S.D. dependent var	0.204867
S.E. of regression	0.194351	Akaike info criterion	-0.284649
Sum squared resid	28.40478	Schwarz criterion	0.532782
Log likelihood	282.9460	Hannan-Quinn criter.	0.027516
F-statistic	9.657421	Durbin-Watson stat	2.082862
Prob(F-statistic)	0.000000		

آمار توصیفی

	CRASH	PC	FRQ	AQ	AEXP	RET
Mean	-1.263954	0.375276	0.107135	0.240618	0.639073	0.082427
Median	-1.178591	0.000000	0.075951	0.000000	1.000000	0.065244
Maximum	-0.879156	1.000000	0.997902	1.000000	1.000000	4.485597
Minimum	-4.176091	0.000000	0.000315	0.000000	0.000000	-2.998066
Std. Dev.	0.337318	0.484462	0.117706	0.427695	0.480535	0.962103
Skewness	-3.752678	0.515182	3.065291	1.213600	-0.579145	0.708523
Kurtosis	24.62527	1.265413	16.86916	2.472824	1.335409	6.068482
Jarque-Bera Probability	19780.34 0.000000	153.6593 0.000000	8680.141 0.000000	232.8877 0.000000	155.2468 0.000000	431.2410 0.000000
Sum	-1145.143	340.0000	97.06388	218.0000	579.0000	74.67911
Sum Sq. Dev.	102.9741	212.4062	12.53841	165.5453	208.9768	837.7059
Observations	1359	1359	1359	1359	1359	1359

	DTURN	SIGMA	MB	SIZE	LEV	ROA
Mean	0.124569	5.996117	2.871930	14.55523	0.536860	0.122602
Median	0.105245	5.435696	2.443834	14.40931	0.547115	0.100454
Maximum	17.16816	19.86482	12.80431	20.18339	0.986760	0.603493
Minimum	-17.97249	0.048500	0.522752	11.11602	0.012733	-0.297729
Std. Dev.	1.635174	3.230885	2.374011	1.516572	0.192433	0.130695
Skewness	1.756304	1.281915	1.730331	0.863200	-0.330807	0.637133
Kurtosis	64.66212	5.440343	5.847630	4.527771	2.619697	3.985274
Jarque-Bera Probability	143999.5 0.000000	467.7307 0.000000	720.5558 0.000000	200.6238 0.000000	21.98426 0.000017	97.94314 0.000000
Sum	112.8596	5372.521	2817.132	13187.04	486.3948	111.0770
Sum Sq. Dev.	2419.785	9342.560	4846.897	2081.492	33.51252	15.45846
Observations	1359	1359	1359	1359	1359	1359

مانایی

Null Hypothesis: CRASH has a unit root
 Exogenous: Constant
 Lag Length: 0 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-12.58032	0.0000
Test critical values:		
1% level	-3.436284	
5% level	-2.864048	
10% level	-2.568157	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: PC has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 7 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-9.112069	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436325	
5% level	-2.864066	
10% level	-2.568167	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: FRQ has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 7 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-9.780653	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436325	
5% level	-2.864066	
10% level	-2.568167	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: AQ has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 3 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-12.75024	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436301	
5% level	-2.864056	
10% level	-2.568161	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: AEXP has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 1 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-11.17175	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436290	
5% level	-2.864051	
10% level	-2.568158	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: RET has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 1 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-10.61152	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436290	
5% level	-2.864051	
10% level	-2.568158	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: DTURN has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 1 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-14.97304	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436290	
5% level	-2.864051	
10% level	-2.568158	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: SIGMA has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 0 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-8.984794	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436284	
5% level	-2.864048	
10% level	-2.568157	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: MB has a unit root
Exogenous: Constant
Lag Length: 0 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-12.90501	0.0000
Test critical values: 1% level	-3.436284	
5% level	-2.864048	
10% level	-2.568157	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: SIZE has a unit root
 Exogenous: Constant
 Lag Length: 1 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-13.11097	0.0000
Test critical values:		
1% level	-3.436290	
5% level	-2.864051	
10% level	-2.568158	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: LEV has a unit root
 Exogenous: Constant
 Lag Length: 4 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-10.81076	0.0000
Test critical values:		
1% level	-3.436307	
5% level	-2.864059	
10% level	-2.568162	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

Null Hypothesis: ROA has a unit root
 Exogenous: Constant
 Lag Length: 0 (Automatic - based on SIC, maxlag=21)

	t-Statistic	Prob.*
Augmented Dickey-Fuller test statistic	-14.66714	0.0000
Test critical values:		
1% level	-3.436284	
5% level	-2.864048	
10% level	-2.568157	

*MacKinnon (1996) one-sided p-values.

ضریب همبستگی

Covariance Analysis: Ordinary
 Date: 05/28/21 Time: 20:21
 Sample: 1390 1398
 Included observations: 1359

Correlation	CRASH	PC	FRQ	AQ	AEXP	RET	DTURN	SIMGA	MB	SIZE	LEV	ROA
Probability	1.000000											
CRASH	1.000000											

PC	0.047390	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.1541	-----																		
FRQ	0.054737	0.100496	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.0997	0.0025	-----																	
AQ	0.018171	0.046983	0.034077	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.5849	0.1577	0.3056	-----																
AEXP	0.054210	0.025084	0.041927	0.417651	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.1030	0.4508	0.2074	0.0000	-----															
RET	0.006668	0.040216	0.007077	0.015519	0.007174	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.8411	0.2265	0.8316	0.6409	0.8293	-----														
DTURN	0.005959	0.013278	0.083069	0.011488	0.003576	0.025140	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.8579	0.6898	0.0124	0.7299	0.9144	0.4498	-----													
SIMGA	0.045737	0.024888	0.013263	0.023306	0.009257	0.187654	0.011260	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.1690	0.4543	0.6901	0.4835	0.7808	0.0000	0.7350	-----												
MB	0.002555	0.015543	0.139358	0.048103	0.016391	0.012005	0.052958	0.007735	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.9388	0.6403	0.0000	0.1480	0.6222	0.7182	0.1112	0.8161	-----											
SIZE	0.016260	0.055559	0.067360	0.138012	0.052060	0.015536	0.008123	0.020608	0.118013	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.6250	0.0947	0.0427	0.0000	0.1174	0.6405	0.8071	0.5356	0.0004	-----										
LEV	0.004794	0.057385	0.124909	0.119698	0.056633	0.076762	0.034344	0.070418	0.107036	0.037399	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.8854	0.0843	0.0002	0.0003	0.0884	0.0208	0.3018	0.0341	0.0013	0.2608	-----									
ROA	0.030973	0.046201	0.138032	0.027018	0.011028	0.057864	0.022279	0.033032	0.100588	0.270476	0.542038	1.000000	-	-	-	-	-	-	-	-
	0.3517	0.1647	0.0000	0.4166	0.7403	0.0817	0.5030	0.3206	0.0024	0.0000	0.0000	-----								

مدل رگرسیونی

(۱)

Redundant Fixed Effects Tests
Equation: Untitled
Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	1.124135	(150,702)	0.1690
Cross-section Chi-square	185.349601	150	0.0264

Dependent Variable: CRASH+1
 Method: Pooled Least Squares
 Date: 05/28/21 Time: 20:32
 Sample: 1 1359
 Included observations: 1359
 Cross-sections included: 10
 Total pool (balanced) observations: 13590

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-0.232632	0.036612	-6.354006	0.0000
PC	0.032386	0.007354	4.404088	0.0000
RET	-0.377806	0.061137	-6.179645	0.0000
DTURN	0.113048	0.216808	0.521419	0.6021
SIGMA	0.379975	0.080960	4.693383	0.0000
MB	-0.090510	0.035870	-2.523265	0.0118
SIZE	-0.122667	0.248747	-0.493140	0.6219
LEV	0.033856	0.011530	2.936263	0.0034
ROA	-0.872255	0.348117	-2.505641	0.0122
R-squared	0.425704	Mean dependent var		-0.263954
Adjusted R-squared	0.404825	S.D. dependent var		0.337151
S.E. of regression	0.336336	Akaike info criterion		0.659582
Sum squared resid	1023.868	Schwarz criterion		0.666647
Log likelihood	-2978.907	Hannan-Quinn criter.		0.661985
F-statistic	6.490096	Durbin-Watson stat		1.826308
Prob(F-statistic)	0.000000			

Variance Inflation Factors
 Date: 05/28/21 Time: 20:44
 Sample: 1 1359
 Included observations: 1359

Variable	Coefficient Variance	Uncentered VIF	Centered VIF
C	0.013525	107.3555	NA
PC	0.000546	1.625271	1.015346
RET	0.000143	1.056651	1.048943
DTURN	4.74E-25	1.011334	1.005492
SIGMA	6.61E-06	3.129754	1.045928
MB	6.54E-06	1.965849	1.089858
SIZE	6.24E-05	106.1254	1.138527
LEV	0.005249	13.54994	1.541187
ROA	0.012228	3.114922	1.656032

Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Goefrey

F-statistic	0.908175	Prob. F(8,897)	0.5088
Obs*R-squared	7.279340	Prob. Chi-Square(8)	0.5068
Scaled explained SS	82.67966	Prob. Chi-Square(8)	0.0000

Redundant Fixed Effects Tests

Equation: Untitled

Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	1.117073	(150,745)	0.1807
Cross-section Chi-square	183.800818	150	0.0315

Dependent Variable: CRASH+1

Method: Pooled Least Squares

Date: 05/28/21 Time: 20:36

Sample: 1 1359

Included observations: 1359

Cross-sections included: 10

Total pool (balanced) observations: 13590

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-0.267285	0.037145	-7.195764	0.0000
PC	0.034595	0.001968	17.57846	0.0000
FRQ	-0.180827	0.034690	-5.212728	0.0000
PC*FRQ	-0.118297	0.073944	-1.599813	0.1097
RET	-0.392285	0.039011	-10.05565	0.0000
DTURN	0.041171	0.217084	0.189657	0.8496
SIGMA	0.373366	0.080970	4.611157	0.0000
MB	-0.071608	0.017169	-4.170742	0.0000
SIZE	-0.035714	0.249198	-0.143317	0.8860
LEV	0.071771	0.005057	14.19252	0.0000
ROA	-0.990573	0.349721	-2.832463	0.0046

R-squared	0.448756	Mean dependent var	-0.263954
Adjusted R-squared	0.417660	S.D. dependent var	0.337151
S.E. of regression	0.335857	Akaike info criterion	0.656950
Sum squared resid	1020.725	Schwarz criterion	0.665584
Log likelihood	-2964.982	Hannan-Quinn criter.	0.659887
F-statistic	7.992853	Durbin-Watson stat	1.832748
Prob(F-statistic)	0.000000		

Variance Inflation Factors

Date: 05/28/21 Time: 20:45

Sample: 1 1359

Included observations: 1359

Variable	Coefficient Variance	Uncentered VIF	Centered VIF
C	0.013950	110.8196	NA
PC	0.001061	3.163431	1.976271
FRQ	0.012167	2.446987	1.337617
PC*FRQ	0.055282	2.674700	2.152568

RET	0.000143	1.059429	1.051701
DTURN	4.76E-25	1.016809	1.010935
SIGMA	6.63E-06	3.139498	1.049184
MB	6.64E-06	1.996135	1.106648
SIZE	6.28E-05	106.8150	1.145926
LEV	0.005284	13.65113	1.552696
ROA	0.012366	3.152688	1.676110

Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey

F-statistic	0.830926	Prob. F(10,895)	0.5988
Obs*R-squared	8.334015	Prob. Chi-Square(10)	0.5962
Scaled explained SS	93.97148	Prob. Chi-Square(10)	0.0000

(۳)

Redundant Fixed Effects Tests

Equation: Untitled

Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	1.143190	(150,745)	0.1356
Cross-section Chi-square	187.681906	150	0.0200

Dependent Variable: CRASH+1

Method: Pooled Least Squares

Date: 05/28/21 Time: 20:37

Sample: 1 1359

Included observations: 1359

Cross-sections included: 10

Total pool (balanced) observations: 13590

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-0.214407	0.037109	-5.777815	0.0000
PC	0.041891	0.008350	5.016787	0.0000
AQ	-0.199100	0.036297	-5.485270	0.0000
PC*AQ	-0.046359	0.022859	-2.028089	0.0428
RET	-0.580141	0.376425	-1.541189	0.1233
DTURN	0.121102	0.216735	0.558756	0.5763
SIGMA	0.371693	0.080974	4.590264	0.0000
MB	-0.013339	0.005781	-2.307441	0.0213
SIZE	-0.214922	0.251633	-0.854111	0.3931
LEV	0.011871	0.001854	6.401745	0.0000
ROA	-0.861811	0.347989	-2.476544	0.0133
R-squared	0.436745	Mean dependent var		-0.263954
Adjusted R-squared	0.415647	S.D. dependent var		0.337151
S.E. of regression	0.336197	Akaike info criterion		0.658976
Sum squared resid	1022.796	Schwarz criterion		0.667610

Log likelihood	-2974.160	Hannan-Quinn criter.	0.661913
F-statistic	6.144998	Durbin-Watson stat	1.827475
Prob(F-statistic)	0.000000		

Variance Inflation Factors

Date: 05/28/21 Time: 20:46

Sample: 1 1359

Included observations: 1359

Variable	Coefficient Variance	Uncentered VIF	Centered VIF
C	0.013923	110.3803	NA
PC	0.000705	2.097387	1.310288
AQ	0.001076	2.051763	1.558071
PC*AQ	0.003089	1.973324	1.814325
RET	0.000143	1.057886	1.050169
DTURN	4.75E-25	1.011494	1.005651
SIGMA	6.63E-06	3.133458	1.047166
MB	6.57E-06	1.972152	1.093352
SIZE	6.40E-05	108.6918	1.166060
LEV	0.005327	13.73506	1.562243
ROA	0.012244	3.115218	1.656189

Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey

F-statistic	0.793673	Prob. F(10,895)	0.6350
Obs*R-squared	7.963656	Prob. Chi-Square(10)	0.6324
Scaled explained SS	89.84138	Prob. Chi-Square(10)	0.0000

(F)

Redundant Fixed Effects Tests

Equation: Untitled

Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	1.123103	(150,745)	0.1694
Cross-section Chi-square	184.698318	150	0.0284

Dependent Variable: CRASH+1

Method: Pooled Least Squares

Date: 05/28/21 Time: 20:38

Sample: 1 1359

Included observations: 1359

Cross-sections included: 10

Total pool (balanced) observations: 13590

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
----------	-------------	------------	-------------	-------

C	-0.228330	0.036978	-6.174800	0.0000
PC	0.049400	0.023367	2.114038	0.0345
AEXP	-0.028349	0.009374	-3.024094	0.0025
PC*AEXP	-0.025830	0.015268	-1.691743	0.0907
RET	-0.081067	0.005878	-13.79182	0.0000
DTURN	0.142825	0.217205	0.657560	0.5108
SIGMA	0.369831	0.080871	4.573128	0.0000
MB	-0.033579	0.004767	-7.044066	0.0000
SIZE	-0.065280	0.248641	-0.262548	0.7929
LEV	0.023079	0.010163	2.270964	0.0232
ROA	-0.816446	0.348085	-2.345535	0.0190
<hr/>				
R-squared	0.448945	Mean dependent var	-0.263954	
Adjusted R-squared	0.427850	S.D. dependent var	0.337151	
S.E. of regression	0.335825	Akaike info criterion	0.656758	
Sum squared resid	1020.530	Schwarz criterion	0.665392	
Log likelihood	-2964.113	Hannan-Quinn criter.	0.659695	
F-statistic	8.167833	Durbin-Watson stat	1.828377	
Prob(F-statistic)	0.000000			

Variance Inflation Factors

Date: 05/28/21 Time: 20:46

Sample: 1 1359

Included observations: 1359

Variable	Coefficient Variance	Uncentered VIF	Centered VIF
C	0.013825	109.8454	NA
PC	0.001478	4.407899	2.753721
AEXP	0.000889	4.511770	1.628420
PC*AEXP	0.002357	4.382256	3.356827
RET	0.000143	1.057073	1.049362
DTURN	4.77E-25	1.018138	1.012257
SIGMA	6.61E-06	3.132385	1.046807
MB	6.54E-06	1.966716	1.090338
SIZE	6.25E-05	106.3587	1.141030
LEV	0.005324	13.75592	1.564615
ROA	0.012250	3.123857	1.660782

Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey

F-statistic	0.969309	Prob. F(10,895)	0.4686
Obs*R-squared	9.707091	Prob. Chi-Square(10)	0.4666
Scaled explained SS	108.8116	Prob. Chi-Square(10)	0.0000

Abstract

In the present study, the relationship between political relations and the risk of stock price falls has been investigated by considering the role of moderators of financial reporting quality and audit quality in companies listed on the Tehran Stock Exchange. For this purpose, first, the relationship between political communication and the risk of falling stock prices of companies was examined and then the adjustment effect of financial reporting quality and audit quality variables (auditor size indicators and expertise in the auditing industry) on the relationship between political communication and risk the fall in corporate stock prices was analyzed. Also, the effect of stock return, stock turnover, stock return fluctuations, and market value to book value, company size, financial leverage and return on assets in regression models was controlled. The present study is in the group of descriptive-correlational researches in terms of applied purpose and in terms of data collection method. Also, in order to select the sample size, the sampling method of systematic removal (screening) was used, which according to the considered conditions, finally 151 companies in a period of 9 years between ۲۰۱۱ to ۲۰۱۹ (a total of 1359 years- Companies) were analyzed. To test the hypotheses, multivariate regression methods have been used using Eviews8 software and integrated data method. The results obtained in this study show that there is a positive and significant relationship between political communication and the risk of falling stock prices of companies. Also, the quality of financial reporting and the size of the auditor have a significant inverse effect on the relationship between political communication and the risk of falling stock prices of companies, while the effect of expertise in the auditing industry on the relationship between political communication and the risk of falling stock prices Has not been achieved significantly.

Keywords: political communication, stock price fall risk, financial reporting quality, auditor quality.



Islamic Azad University, East Tehran Branch
Faculty of Humanities
Department of Auditing
M.A Thesis

Title of Thesis:

**Relationship between political connections and stock price fall risk
by considering the role of moderators of financial reporting quality
and audit quality**

Supervisor:

Dr. Ali Kiai

Advisor:

Dr. Hamid Azhdari

By:

Ahmad Malekan

September, 2021